علم جنگ

فهرست کتاب

باب چهارم

فقره چهارم

فقرهٔ اول

تمت

۱۲

کتاب علم جنگ

وبه نستعین بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و ثنا مخصوص بارگاه کبریائیست که حصار معرفتش خارج از حیطهٔ
تسخیر اوهام و عقول و رفعت کنگرهٔ جلالش بلندتر از امکان تصور
صعود و نزول است طلیعهٔ لشکر حضرتش به بیغولهای جمیع سرایر آگاه
و فتح و ظفر پیوسته با لوای حزب او پیچیده و همراه است و صلوات
و سلام حضرت ملک علام به سپهسالار جوق انبیا و شهسوار لافتی
و آل اطهار ایشان سزاوار و شایان است که اساس غزا و قواعد
جهاد با اعدا و تفرس مخاطر و مهالک و تحرس معابر و مسالک
و رعایت محاذر حرکات و اخذ نتایج غزوات بیمن مجاهدات کافیه
و مکاشفات

و مکاشفات وافیهٔ ایشان در میان جیوش اسلام شایع و راسخ البنیان
و حفظ ناموس ملت بیضا ببرکت همین قواعد استوار و پایدار
گردید وبعد اقل چاکران دربار جهانمدار محمد علی تبریزی نایب
اجودانباشی عساکر منصوره که مدتی بحکم دولت جاوید آیت علیه
در شهر پاریس پای تخت دولت فرانسه مشغول تحصیل علم نظام
بوده و چندین سال بامید آنکه شاید مصدر خدمتی برای دولت
و ملت خود شود باندازهٔ وسع خود مراتب لازمهٔ این تحصیل را
بترتیب و تفصیل سیر کرده بتحقیق از هر خرمنی خوشهٔ و از هر گوشه
توشهٔ برداشته است پیوسته آرزوی این را داشته و دارد
که بشکرانهٔ اینقوله توجه و عنایتی که اولیای دولت علیه در حق
این بندهٔ کمین مبذول و بعواطف تربیت موصوف خود مشمول
فرموده اند این بنده نیز وسیله و تقربی بدست آورده تا ثمرهٔ تحصیلات

قلیلهٔ خود را که بعض نتایج مساعی جمیلهٔ اولیای دولت علیه است
در میان سپاه نظام انجم احتشام و سایر عساکر نصرت مآثر ثریا
انتظام بتقلید استادان این فن و تقلید تجربیات ایشان
منتشر و شایع ساخته حق نعمت ملوکانه را که در حق این بنده
مبذول افتاده است هدر و ضایع نسازد ولی چنانکه رسم زمان
و غالباً شوق زیاد متضمن حرمان است این بنده را با وجود
منصب نظامی توفیق خدمات نظامیه میسر نگشته غالب اوقات
برحسب اقتضای حالت و مأموریت با مشاغل غیر نظامی بسر برده
بدین علت وصول این مأمول قرین حصول نگردیده است
تا آنکه باز باقتضای ضرورت بعنوان ترجمانی اول سفارت
کبری یکچندی بمأموریت لندن پای تخت دولت انگلیس بهره یافته
در ایام اقامت آنجا که گاهی خالی از فرصت نبود غیرت

چاکری

چاکری و عبودیت بملاحظهٔ اینکه اگر سعادت نیل مأمول بکلی میسر
نیست لامحاله از قدر مقدور نیز نباید معذور شد بر این
وا داشت نمود که اقلاً در این ایام فرغت تحفه و متاعی که مناسب
آرزومندیهای چندین مدت و قابل عرض حضور اولیای دولت
ابد آیت باشد تدارک کرده وقت مراجعت همراه خود از بی بانی
ارمغان آرد و بلحاظ کثرت استادان فن نظام که اکنون از اهل
ایران و فرنگستان در جزو سپاهیان ظفر توامان هستند زیره
بکرمان برد علیهذا از کتب نظامیه فرانسه که امروز با نضباط
قواعد نظامیه و تدوین تجربیات علمیهٔ آن میان دول فرنگ
مسلم و معلمین سایر دول بتعلیمات و دستور العمل ایشان متعلم
و معلمند یکنسخه کتابی را که پس از جنگهای بزرگ قرم و سیواستاپول
و تحصیل تجارب جدیدهٔ این محاربات قریبه تالیف و ترتیب شده

وحاوی برخی ملاحظات جدیده وعتیقه قشون گردانی وتکلیفات
صنوف ارباب مناصب میباشد بسبب تازگی وجامعیت
برای پیشکش مهترانه خود منتخب وازتغییر وتحریف مجتنب
بتاریخ یکهزار و دویست وهفتاد هجری ازفرانسه بفارسی
ترجمه کرده اینک بعنوان اعتیاد ازز لل ونقصان خود وزبان
اعتراض نکته گیران بنام نامی اعلیحضرت اقدس شاهنشاه جم
خدم انجم سپاه شهریار خورشید اشتهار عالم پناه ظل الله ونصرته
فی الاقطار ناصرالدین شاه قاجار ادار الله النصر والتأیید
معه حیثما دار مصدر ومعنون مینماید امیدوار است که بیمن
نام نامی همیون ازجمیع معایب ومناقص مبری ومصون بوده
بقبول منعمانه اولیای دولت جاوید مدت علیه مقرون آید
وبدین واسطه لایق عرض خاکپای مبارک گردیده بقواعد نظامیه

اسلامیه

اسلامیه الحاق وبحقیقت ذره بخورشید الصاق شود ومن الله
التوفیق والسعاده

اما الترجمه که مشتمل برشش مقدمه وشت باب است

مقدمه اول چون سررشته کامل بهم رسانیدن ازهریک علوم
وصنایع قبل ازمطالعه تاریخ آن ممکن نیست (علیهذا) بایداولا
جستجو ومشخص نمود که این علم چه بوده وچه شده است تادر
اصطلاحات آن سررشته بهم رسیده دربیانات متعلقه بآن
معطل نمانند والا فرنها وسالها تحصیل آن به تعویق افتاده
وهرچه زحمت کشیده باشند بیثمر خواهد شد علمی که ازهمه علوم
بترقی ملل وعامه ناس مؤثرتر بوده است علم جنگ است
ازتاریخ میتوان مشاهده کرد که این علم درعهد فلیب واسکندر
ودرایام رومیها وقیاصره چه بوده است ودروقت تنزل

قیاصرهٔ روم و در آن ایام که باروت تتبع شد الی فتوحات
گستاوس آدولف اول متبع کننده علم جنگ در فرنگستان چه شده است
بغیر از نافهمی قدما بهیچ چیز نمیتوان حمل کرد که یونانیها و رومیها
چگونه از نظام دست کشیده و بمنجنیقهای سنگین و به سلحهای
بی مصرف تتبعی خود چسبیده بودند آن وقت معنی نظام و علم جنگرا
فهمیدند که قشون کثیر بی نظام ایشان از قشون قلیل با نظام
دشمنان شکست خورد اگر چنانچه از ایام سلف الی این زمان
ملاحظه نمایند خواهند فهمید که صنایع دیگر نسبت بعلم جنگ چه قدر
کم ترقی کرده است و عجب تر این است با وجود رونق اینقدر کتب
علوم که در آن عصر بوده معهذا هیچ یک از معلمین کنه علم جنگرا
به جنگهای سزار یعنی قیاصره مشاهده نکرده گویا این فخر باسم
یکی از متاخرین ودیعت بوده است که او تمامی اغصان و شاخهای
فنون

فنون جنگ را حرکت داده و موانع آنرا بکلی همچو برگ خزان
از اشجار ریخته مانند قواعد هندسی بنحوی مرتب دارد که اگر
هر کس بغیر آن قواعد عمل نماید قطعاً نتیجه بعکس خواهد داد مگر
در صورتیکه مدد کلی از بخت شود و در اینصورت هم بمثابهٔ فتح
محسوب نشده منتها این است که بحکم درست کردن یک سلاح خانهٔ
انسانی خواهد بود اگر بخواهیم ترقی علم جنگ را از عهد یونانیها
و تنزلش را درجه بدرجه تا عصر ملوک طوایف بیان نمائیم
البته منفعت زیاد مترتب خواهد شد ولی از منظور این کتاب
خارج میشود از شوالیها که عبارت از پهلوان سوار است هرچند
بعضی کارهای عمده و رشادت زیاد ظاهر میشد ولی همه عبارت
بود از قوت شخصی آنها هرچند در جنگهای خود بعضی فنون جنگی
ظاهر میساختند اما از علم خیلی خارج و دور بوده است تاریخ

وخرابی مملکت و برهنه نمودن اهل دهات بی اسلحه کار عمدهٔ ایشان
بود چنان اشخاص را سرباز مینامیدند همه فتوحات شوالیها
از این قبیل بوده است تا اینکه نیزه‌های اهل سویس بیرون
آمده قشون دولت اطریشیه را شکست داد از آن وقت
اهل یوروپ قوت نظم را فهمیده مراقبت تمام در امر نظام کردند
و علم جنگ را باعلی درجه که سزاوار و شایسته بود رسانیدند
از آن وقت قوت فرد حیوانی که در جنگ مرتبهٔ دویم را دارد
در جای خود قرار گرفت

مقدمهٔ دویم در ظهور علم جنگ

جنگ معظم مورقارتین نام اهل سویس را مشهور فرنگستان
و کل آفاق ساخت و لزوم پیادهٔ نظام را نمایان کرد بعد
از آنکه دوام و قوام قشون قدری استحکام گرفت و قرارهای

عمده و خوب در آن گذاردند آن وقت جزئی اطلاع از علوم
حقیقی هویدا و ظاهر شد از وقتی که شارل هفتم پادشاه
فرانسه بنای مواجب دادن به قشون خود گذاشت تا در جنگ
هولاند سرداران قابل بعضی رسومات و قواعد نظم را نتوانستند
در قشون برقرار کنند و باز چنان مفهوم میشود که هیچ یک
از آن سرداران از کنه نظام قدیم اطلاعی نداشته و نفهمیده
بودند ولی در آن جنگ علمی را که پرنس دو اورانژ بکار میبرد
در سرداری بحد کمال رسیده بود و اردوی پرنس دوناسو
برای اهل نظام مدرسهٔ نظامی حقیقی شده بود و از آن اردوها
سرداران بسیار قابل و یگانهٔ عصر خود بیرون آمدند

مقدمهٔ سیم در وقایعات عهد گوستاو ادولف

سردار بزرگ آن عصر گوستاو آدولف بود علم جنگ و سربازی

و فیلوسوفی را در خود جمع کرده و مباحثه و گفتگوئی که الآن
نیز بعضی اوقات در بعضی جاها در میان است که آیا جنگ صنعت است
یا علم و آیا برای سردار بزرگ دانستن بعضی علوم لازم است
یا خیر او مشخص و معین نمود بعد از اختراع باروت این علم خیلی
عقب افتاد در شجاعت شخصی از میان سوارها بالمره معدوم
گشت به پیادگان یکفوج منجنیقهای سنگین بجهة حرب داده
و توپها را آنقدر سنگین کرده بودند که چابکی و چالاکی که یکی از
شروط توپخانه بجهة اخذ نتایج آنست غیر ممکن شده بود
گوستاواودولف قرارهای جدید که در فنون جنگ در عهد خود
گذاشت من جمله ساختهٔ تفنگ را موقوف کرد و ساختن فشنگ را
بنا نمود توپخانه را بدو قسمت منقسم کرد توپهای سنگین را مخصوص
محاصره نمود و توپهای سبک را مخصوص میدان جنگ که امروز

نیز

نیز همان قرار معمول و متداول است یک فوج توپخانهٔ سواره قرارداد
که توپهای آنها سبکتر از سایر توپها بود تغییر و تبدیل کلی در رسوم
و قواعد سواره داد زره و چهار آینه و سایر اسلحهٔ مدافعه را
که زیاد سنگین بود سبکتر ساخت شمشیر دراز و یکجهت طپانچه
نیز با اسلحهٔ آنها افزود و قشون خود را منقسم کرد به بریگادها
و قطعاً این قرار بریگاد را از قشون روم اخذ کرده بود تا آن روز
قشون در هنگام جنگ بهیئت اجتماع حمله آور میشدند این قرار
بریگاد باعث این شد که قشون را در حرکت چابک کرد و از
آتش دشمن محفوظ داشت در میدان جنگ قشون را بمناسبت
اسلحه در مکانی که مناسب آن بود نگاه میداشت و قشون را
بدو سه خط متوازی پشت سر هم وا میداشت توپخانه همراه
پیاده و سواره پشت سر پیاده برای امداد آنهای ایستاد

مگر در وقت حمله کردن که در یمین و یسار پیاده چهار صفه
می ایستادند شب را در جای اردو نمیزد و توقف نمیکرد مگر
آنکه تدارک تدبیرات دفع دشمن را کرده باشد حرکت
قشون را همیشه با ستون بفاصله محدود و مساوی قرار داده
بود باین پایها آن مرد بزرگ بمقتضای کفایت خود در رسومات
قشون تغییر و تبدیل داد آن بزرگوار نه تنها مقنن فنون جنگ
و مخصوص باین امتیاز بود بلکه در میدان جنگ نیز بسبب
کاربردن نکات با فایده عدیل نداشت

مقدمه چهارم در وقایعات عهد لوی چهاردهم پادشاه فرانسه

جنگهائی که برای سلطنت اسپانیول اتفاق افتاد و محاربات
بعد که در میان آمد قرارهائی که گوستاوادولف و مورس دوناسو
در فن جنگ گذارده بودند محکم شده بلکه ازدیاد هم بهم رسانید

پهلوانهای

پهلوانهای قدیم متروک شده پهلوانهای جدید بظهور آمده
بود که هیچ جه در رشادت و در حرکات [illegible] قدما و پس
نمی ماندند بلکه در بعضی جنگهای ملتی بهتر از قدما هنرهائی میکردند
باوجود اینهمه سرداران باکفایت از قبیل مونتکلی و طایفه
ترن و طایفه کنده و لکسنبرها و ولیانها باز ترقی و تغییر و تبدیلی
که لازم فنون جنگ بود نشد چرا آن وقت فتیله تفنگ مبدل
به چخماق گشت و نیزه تفنگ اختراع شد سنبه تفنگ که
از چوب بود آهن نمودند و ترتیب شایسته در توپخانه
دادند ولی نسبت بجنگهای معظم که اتفاق افتاد و سرداران
باکفایت که آن وقت بودند اینگونه ترقی در فن جنگ بسیار
جزئی بود اما در یکجا باید انصاف نمود و بان در علم
محاصره و حمله بردن بقلعه و در نگاهداشتن قلعه طوری پیش

رفته است که مهندسین بعد از آن الی حال نتوانستند نقطهٔ
پیش بروند و قدمی بر او سبقت گیرند بعد از دوبان لازم آمد
که نیزه مبدل بتفنگ شود مارشال کاتینا که در سر قشون
فرانسه مأمور ایطالیا بود اول او بقشون خود داد و بعد کم کم
بهمه قشون فرانسه داده شد در حقیقت دوبان لزوم و ترجیح
این اسلحه را چه برای حمله و چه برای دفاع بمردم محقق ساخت
و در آن وقت میانهٔ پیادهٔ سبک و پیادهٔ سنگین تفاوتی
گذاردند جوانان قد بلند و با قوت را محض برای انداختن
قراناد یعنی نارنجک که تازه تتبع شده بود و سربازان قد
کوتاه زیرک را برای مشق تفنگ که آن نیز بحد کمال رسیده
بود مشخص نمودند ترتیب میدان جنگ چنانکه مذکور شد
در سه خط بود پیاده در وسط و سواره در یمین و یسار
آن

آن خطوط از سیصد تا ششصد پا فاصله از هم داشت و فاصله
بریقاتها از هم بقدر دشتبان خود آنها بود و لازم دانسته
قشونی ترتیب دهند که در هنگام ضرورة امداد باصل قشون
نماید و اگر نیز ضرورة بهم رساند در جاهای مخصوص بکار
برند هرچند اینهمه تغییر و تبدیل ترقی کلی است ولی باز آنچه بایست
که ترقی در این فن بشود نشده بود سرعت حرکت هنوز بدست
نیامده اکثر قشون داخل هم و سواره داخل پیاده جنگ مینمودند
و از توپخانه حاصلی که میبایست گرفته شود ممکن نمیشد و هرگز بخیال
ایشان نمیرسید که از زمین پست و بلند ثمری میتوان برداشت
و نتیجهٔ خوبی میتوان گرفت و از آن وقت تا عهد فردریک دویم
پادشاه پروس کارهای عمده و پرمنافعی که اتفاق افتاده
در تواریخ برای ترقی فن جنگ مسطور است و اغلب این اتفاقات

در عهد شارل هفتم و در جنگهای مارشال دو ساکس است که همین
مارشال راه رفتن پیادهٔ نظام را که الآن در کار است مقرر
کرد بخصوص از شکست شارل هفتم در جنگ پولتاوا و از فتوحات
مارشال دو ساکس در فونتنوا مشاهده میتوان کرد که استحکامات
و قلعجات محکم چه قدر برای فن جنگ بکار میخورد و بسبب
آن چه قدر نتایج خوب میتوان اخذ نمود

مقدمهٔ پنجم در وقایعات عهد فردریک دویم پادشاه پروس

در عهد پادشاه پروس طرح تازهٔ بیرون آمد بعضی تتبعات
خوب ولی بسیار عجیب و تأسف آمیز دور از حالت انسانی
رسم شده بود انسانرا که همه قوت او بسته بخیال او میباشد
کنار گذارده دست و پای آنرا اسبابی محسوب میکردند که از
گوشت و رگ مرکب است مثلاً در عهد فردریک تیراندازی را

چنان

چنان زود و چابک میبایست بکنند که قراول رفتن هیچوجه
ممکن نشد و باتالیان چنان میبایست شلیک کنند که صدای
یکتفنگ داده شود حرکات افواج مانند قواعد هندسی هیچوجه
نمیبایست کم و زیاد شود سرباز مقصر را چوب میزدند در حقیقت
میدان جنگ مثل میدان مشق بود این بوده است طرز فردریک
که در حقیقت طرز خوب و پسندیده و قابل تعریف نیست
عیب می جمله بگفتی هنرش نیز بگو در بعضی جاها اتفاقاً حرکات
پسندیدهٔ بسیار شایسته از او ظاهر شد و طرز و طور اردو زنی
دارد و گردانی او از این قرار است که ذکر میشود نظام منحرف
زیاد میل داشت بهمان طرز در جنگ لوزین فتح نمود و اگر چنانچه
باختیار خود حرکت میکرد و مقید بعضی بستگیها که خود خود را
مجبور ساخته بود نمیشد همیشه فتح با او بوده کمال استادی را

بکار میبرد فردریک پیاده خود را در سه وسواره را در دو
صف قرار میداد و حالت ترتیب میدان جنگ او همه وقت
با دشتبان بوده است و فاصله بسیار در میان افواج میگذاشت
که صفوف عقبی بتوانند از آن فاصلها بگذرند و تیراندازی نیز
بطور سهولت میشد ولی از بسکه نظام سخت بود بواسطه آن
کار بردن نیزه که این روزها نتایج عمده ازان حاصل میشود
متعذر نمیشد چندان و بزرگی فردریک و ثمر کارهای حیرت انگیز
او مدتها گلوگیر مردمان هوشیار که اعمال او را معقول نداشته
میخواستند بصد ابا یند شده تمامی دول مطیع آوازه او گردیدند
خاصه دولت انگلیس و نمسه که بدون تدبر و تعمق پیروی او را
لازم دانسته اذعان پیرویرا بجائی رسانیدند که اعمال
غلط او را هم تعلیم افواج خود کردند مگر ملت فرانسه که هیچ
وقت

وقت رای و تدبیر خودشانرا بدون امعان نظر مطیع آثار
کسی نکرده قبول ننمودند

مقدمه ششم در وقایعات عهد جمهوری فرانسه قبل از ظهور ناپلیون

وقت و حالتی رسید که آنکارهای طفلانه را دور انداختند
دران وقت دیده شد و در جنگهای بعد ناپلیون بتجربه رسید
که از کارهای نفهمیده چه قدر ثمرهای بد عاید میگردد و طرزهائی
که آنوقت در فنون جنگ پیش گرفته بودند تا چه پایه بیمعنی
بوده است و این معنی ظاهر گردید که یک خیال فوری که بمقتضای
حالت حالیه در میدان جنگی که بقانون علم جنگ ترتیب یافته
شده چه قدر مؤثر است حالت مهیب فرانسه بیرون ریخت
کسانیرا که بعلم جنگ خود مغرور بودند من جمله دولت اطریشیه
و پروس قشون بر فرانسه آوردند دولت فرانسه در مقابله

نمودن با آنها جز قشون بی نظم و بی اسلحه چیزی نداشتند و در آن
وقت معلوم شد که قوّت فنّ جنگ در مقابل رشادت مجدانهٔ
ملّتی که برای آزادی خود جنگ مینماید چه قدر کم بوده است
تیراندازهای خوب تفنگ خودشان را خالی میکردند مگر آن وقتیکه
بقراول رفته نشانه را میزدند و این حالت باعث انقلاب زیاد
قشون دشمن شده و آنها تفنگ خود را خالی نکرده منتظر فرمان
صاحب منصب خود بودند دسته‌های فرانسه با آواز ملّی خود حملهٔ بقشون
مینمودند که قشون مزبور مثل چوب خشک بیحس و حرکت ایستاده
مشغول بجا آوردن قواعد نظم خود بودند و آواز طلبهای جمهوری
اصول فنون قدیم را دور انداخته اقدام بفنون جدیدهٔ عالیه
نمودند بعد از آنکه عقل با نظم متفق شد و سردارهای خوب
با کفایت که آن رشادت مجذوبهٔ ملّی را تحت علم و قاعده

درآورده

درآوردند اصول شناسائی و حملهٔ با ستون بدرجهٔ اعلای
خود رسید در آن وقت عقل کامل و نما در عصر که ملّت فرانسه را
اولین ملّت نظامی نمود از پردهٔ غیب بیرون آمد یعنی ناپلیون
در بهترین وقتیکه همه امور نسبت بخیالات بزرگ او موافقت
داشت رسید هرچند جمیع اسباب مهیّا بود ولی باز چنان شخص
بزرگ لازم بود که این همه اسباب ریخته و پاشیده را
جمع آوری نموده بتحت قاعده درآورده در حقیقت جان بآنها
بدهد از جمله یادگارهای اوست که هر وقتی اندک شکستی در
قشون خصم ظاهر میشد بدون فوت فرصت و بلا فاصله آنرا
تمام و کلّی پاشیده مینمود برای او هیچوقتی در تشخیص نقطهٔ
حمله تردیدی نبود و هیچوقتی محتاج نبود که برای حمله خود را
حاضر کند بلکه پیش از وقت تدارک خود را چنان مهیّا میداشت

که وقت ضرورت بهمه جهة آماده بوده احتیاج بانتظار تدارک
نداشت چشم دوربین او عقاب وار تمامی نقاط میدان جنگرا
بیک لمحه و طرفة العین مشاهده و تماشای حالات آنرا مینمود و بجز
که برای العین مشاهده میکرد بحس باطنی رواج حالات آنهارا
نیز احساس و استشمام میکرد اوّل سواران و پیادگان سبکبارا
بطرز مخبرانی بجهة مغشوش و پریشان ساختن صفوف خصم مقابل
آنها میفرستاد و بعد توپخانه را بشدّت و سرعت تمام بکار
می انداخت و تیراندازی مینمود از رخنه و شکافهائی که بواسطهٔ
شلیک توپها واشده بود با ستونهای پیادهٔ سنگین حمله میبرد
و بالاخره بقیّة السیف خصم را بواسطهٔ حملهٔ سواران نیزه دار
مستأصل و کار آنها بکلّی تباه مینمود بهمینهاست درسهای
عملی آن عصر نظامی که جنگهای آن ایّام درسهای مذکور را

بها و عامهٔ مردم یاد داده است در بکاربردن اسباب و ادوات
جنگ و توپخانه و پیاده و سواره هریک در مقام خود و تدارک
استحکامات نزدیک بمیدان جنگ و حرکت با فایده دادن
افواج زیاده از حدّ او در مقابل دشمن نظیر ناپلیان تا حال نیامده
و نخواهد آمد حقیقتاً در این مواد یگانهٔ عصر خود و نادرهٔ روزگار بود

باب اوّل در آداب عموم فنّ جنگ مشتمل بر دو فصل

فصل اوّل در بعضی فنون مخصوصه جنگ

فنّ جنگ علم حرکت دادن قشون با ترتیب است که آن بدو قسمت
منقسم است یکیرا که تعلیم قشون و مشق تفنگ است آنرا اصول
فن نامند و دیگری که حرکت قشون و خیالاتیست که در مقابل دشمن
کرده میشود آنرا فنّ بزرگ میگویند ایستادن در مرحلهٔ اوّل
موقوف بقشون و به اسلحه ایست که بکار برده میشود بجهة تفاوت

ملل و تقاضای وقت در اسلحه تغیرات و تبدیلات کلّی شده است
در خصوص ایستادن طور دشتبان یا با ستون مباحثات و مکالمات
زیادی تا حال کرده اند دیگر لازم نمیدانم تفصیل قواعدی را که با امتحانات
اکثر دول ترتیب شده پیدا کردیده و متفقاً قبول کرده اند بیان
نمائیم مگر بر سبیل اجمال و آن این است که ذکر میشود پیادهٔ نظام
بطرز مجرا یا با دشتبان در جنگ و در وقت حمله و راه رفتن
با ستون باید حرکت کند سواره در وقت صف آرائی در دو صف
و در راه رفتن با ستون باید حرکت نمایند گاهی هم اتفاق می افتد
که سواره با ستون حمله نمایند ولی بسیار نادر است در هر صورت
صاحبمنصب که کار خود را خوب میداند و بعلم خود خاطر جمع است
نباید متحمل بعضی قواعد شود مثلاً در وقت ضرورت و فرصت
حالت خود را مقید سازد که حال پیاده در حالت مجرا است
نباید

نباید حمله و نیزه پیش نمود و یا اینکه سواره در حالت ستون است
نباید فرمان حمله داد صاحبمنصب باید هر وقت هر چه را که با موقع
دید فرصت را از دست نداده هر طور که لازم است حرکت کند
از تجربات معلوم شده است که در هر صنفی از اصناف قشون یکنوع
قوت مخصوص و یک حد معین لازم است تا اینکه خیالات علمی و حرکات
قشونی موافق شروط اصلی که عبارت از قوت و چابکی حرکت
باشد بعمل بیاید و آن عدد نباید بیشتر از آن باشد صاحبمنصبی که مأمور
و متوجه شدن افراد آنها است از عهده نتواند بیرون آید قرار
آنرا براین گذاشته اند که سربازان را به دشتبان واداراند تا هر جا
که صدای صاحبمنصب برسد به او یک اسم معین گذارده شود بعد
از امتحانات زیاد لفظ باتالیان را به پیادهٔ نظام اسم گذاشتند
و اسکادران را برای سوار و شش عراده توپ را هم دسته

نامیدند و هریک از اینها را منقسم بچند قسمت نموده در زیر حکم کمتر
صاحبمنصب قرار داده‌اند که آن قسمت را متوجه شده در هرجا و در هر حالت
که لازم است با باتالیان حرکت نموده راه نمائی کنند چون منظور
این کتاب در حرف زدن از این قواعد نیست لهذا ما نیز در این
باب سکوت اختیار نموده حرفی نمیزنیم و اگر خواسته باشند که در این
باب اطلاعی حاصل کنند باید رجوع بکتابی که متعلق به بنای فن است
و یا اینکه بقواعد نظام که حال در میان نظام و مدارس در کار است
نمایند طرز ایستادن دشتبان را موقوف به اصناف قشون و جائیکه
بحرکات آن لازم است قرار داده‌اند طرز دشتبان سرباز یعنی پیاده
نظام در سه صف معین شده است با تجربات پیدا کرده قبول
نموده‌اند که این نوع صف آرائی از همه طرزها بهتر و خوب
تر است زیرا که سه صف هم قوتش زیاد است و هم هر قبیلی

اسلحه

اسلحهٔ خود را با آسانی میتوانند بکار برند دشتبان سواره را
در دو صف مشخص نموده‌اند فی الواقع در مقابل دشمن همان
صف اول جنگ میکند قوت سواره عبارت از همان حمله است
در حقیقت صف دویم برای پر کردن جاهای کسانیست که
در صف اول از صدمه دشمن تلف شده باشند و در هنگام
بهم آمیختن صفوف که اکثر اوقات متمم جنگ سواره است زیاد
بودن سواره در آنحالت الزم و اوجب است دشتبان توپخانه
در صف اول توپها باید گذارده شود در صف دویم قورخانه
و در صف سیم بارکش که باز عبارت از قورخانه باشد
و صف سیم توپخانه باید قدری در عقب بایستد که تیر دشمن
باو نرسیده صدمه وارد نیارد و در این حالتهای مختلف
هریک از آن قسمتهای معین شده که او را باتالیان مینامند

در دشتبان هرکدام در جای معین خود هستند این قسمها
محض متحد نمودن و آسان کردن حرکاتیست که باید زود کرده
شود و بعضی اوقات اتفاق می افتد که مجبوراً و لابداً حرکتی
نمایند که از قاعده خارج باشد مثلاً طوری میشود که دشمن
از عقب میرسد در آنوقت باید بزودی تمام رو بعقب کرده
یعنی طرف راست کرد کنند بعد از عمل آوردن اینحرکت قسمتها هم
از جای خود خارج می افتند و هم در طرفی که باید باشند نیستند
در هر تغییر مکان که لابد میشوند دشتبانها بکنند و تغییر حالت
و مکانی دهند آنرا با همان قسمها که در فوق ذکر شد بعمل میآورند
یعنی قسمتها را یکی یکی آورده جائیکه برای آنها معین شده است
و لازم حرکات تغییر مکانست و امیدوارند این نوع خیالات را
در اصطلاح نظامی حرکت نامند و مقصود از این حرکت
تغیر

تغییر و تبدیل فرونت نوجت بطرفی که لازم باشد منظور
از حرکات عمده از دشتبان ستون ساختن و از ستون
دشتبان ساختن است و همچنین تبدیل فرونت نمودنست
اگر بخواهند افواج را از حالت دشتبان بحالت ستون آورند
چند قسم متداول است یا باقطار نمایند که هر دشتبان یا قطار
براست یا قطار بچپ میکند هرکدام موقوف بطرفیست که
میخواهند بروند یا اینکه در پیش رو که باید در آنوقت هر باتالیان
ستون قرار بسازد و ستون را میتوان از دو طرف بحالت
دشتبان آورد یا به پیش یا رو بعقب دشتبان ساخت
و هر یک از این حرکات را بطرزهای مختلف میتوان کرد آن نیز
موقوف بفاصلهٔ ستونست که بسته و دسته طور فاصله
متداول است فاصلهٔ تمام نیمه تمام فراز باید بملاحظهٔ هر یک

از این فاصلها حرکت را بعمل آورند بازنمودن ستون فراز
با موقع یکی از حرکات پرقیمت و بی‌نظیر فن جنگ است که در حرکات
بزرگ و عمده زیاده تر از همه بکار می‌آید طرز فن جنگ که حالا
متداول است بشخص هیچ چه اختیاری باقی نگذاشته است اگر
اهل عالم این علم را ملاحظه کنند خواهند درک نمود که تفاوت
کلّی از فنون قدیم پیدا کرده است و حرکات بمرتبه بآسانی
و موافقت رسیده که چابکی و نتیجه در کمال خوبی حاصل میشود و از
ملاحظات مذکورهٔ سابق در فنون جنگ حالاتی که مذکور کردهٔ
مقصود کلّی نشان دادن خلاصهٔ از فنون جنگ بود نه بیان
تفصیلی که در کتابهای فنون جنگ جزءاً فجزءاً نوشته شده و
و امیدوارم که این طور بیان بکار صاحبمنصبان بزرگ بهتر
بر بیاید

فصل

فصل دویم در ترکیب لشکر

هرچند منظور ما آن نبود که این مطلب را در این کتاب بیان نمائیم
ولی چون به بعضی ملاحظات دیدیم که خالی از منفعت نیست
لهذا چند کلمه بیان می‌کنیم ناپلیان در آنوقت که تدارک فتح
جزیرهٔ انگلیس را می‌دید ایام تعطیل خود را صرف طرز ترکیب
نظام می‌کرد از آن تاریخ ببعد کور دارم که عبارت از یک شعبه
قشونی است که تمامی لوازم تطبیق یک قشون زیاد در او موجود
شده باشد برقرار گردید و این طرز از آنوقت ببعد نمونه
و سرمشق جمیع دول فرنگستان شد الآن یک قشون عبارت
از یک یا چند شعبه قشون میباشد که مرکب است از پیاده و سواره
و چند دسته توپخانه و چند دسته مهمات قشون و دستهای بزرگ از پل روان
هر شعبه قشون مرکب است از یک یا چند دیویزیون و هر دیویزیون از چند

بریغاد و هر بریغاد عبارت از دو فوج است و دو دسته توپخانه پیاده و یا دسته
هر دیویزیون پیاده نظام است و یک دسته توپخانه سواره و یا دسته
یک دیویزیون سواره سنگین است و چند دسته توپخانه که یکدسته از آنها
توپخانه سواره باشد هیئه در پشت سر گذشته قشون باید راهی شود که در موقع
احتیاط بکار آید و با هر دیویزیون پیاده نظام یک گروهان از فوج
مهندس که متما با پونت باید همراه باشد و هر شعبه قشون باید یک
بریغاد سواره سبک و همچنین یکدسته عمله پل سازی با خود همراه باشند گویا دیگر
لازم نیست که از ترتیب مخصوص آنها در باره قشون دیگر بیان زیادی نمائیم ولی
در بعضی از قشون نسبتی است که دانستن آن لازم است که از آن درجه خوبی
قواعد نظام یک مملکت فهمیده میشود و آن نسبت پیاده نظام از جهه
جهه خرجش کمتر از قشونهای دیگر است و در همه جا و همه حالت
زیادتر از قشون دیگر بکار میخورد باین جهت او را در مرتبه اول
گرفته اند

گرفته اند و پیاده نظام چهار قسمت از پنج قسمت قشون است
یعنی همه قشون را اگر در پنج قسمت قرار دهیم چهار قسمت آن پیاده
نظام باید باشد و در هر مملکت که فن جنگ قرب و قیمت دارد
سواره را در مرتبه دویم گرفته اند وقتیکه پیاده یکدو ساعت
مشغول جنگ شد حمله سواره زیاده از حد بکار پیاده نظام میخورد
فرصت خودسازی و رفع خستگی کردن پیاده در همان وقت است
که سواره حمله میبرد و در اکثر اوقات هم متمم جنگ سواره است
و بسواره پیش قراولی و دستهایکه با طراف فرستاده میشود
بخصوص زیرکی و چابکی که لازمه آنکار است درست بعمل می آید
ولی تنها بیکاره ترین قشون است موانع خیلی جزئی آنها را
مجبوراً عاجز و بیحرکت می کند بدون کمک پیاده نه حمله بجائیکه
دشمن در آنجا سنغاق کرده است تواند کرد و نه جای نگاهداری

و محافظت تواند نمود و شب اتفاق می افتد که سایه و سیاهی
یک چیزی آنها را درهم اندازد و صفوف آنها را مغشوش سازد
نسبت سواره بقشون دیگر موقوف بمحل جنگ است در ممالک مسطح
مثل ترکستان نسبت یک ربع باید داده شود اگر چنانچه محل
جنگ کوهستان باشد مثل جای لگزیه آنوقت نسبت را
یک از شش بلکه یک از بیست باید قرار داد مرتبهٔ سیم
توپخانه است که در حقیقت کار عمدهٔ او حمایت کردن بقشون خود
و دور ساختن دشمن و منع آمدن دشمن از یکطرف مخصوص است
اگر چنانچه قشون کارآمد و جنگ دیده باشد بهر هزار نفر یک
عراده توپ کافیست و یک عراده توپ دیگر باید برای احتیاط
در عقب داشته باشد و اگر در صورتیکه قشون جدید و جنگ ندیده باشد
آنوقت باید عدد توپ زیادتر باشد زیرا که زیادی توپ قوت
قلب

قلب قشون جدید است که در اول جنگ ملاحظهٔ برگشت خودشان را
از قوت توپ مینمایند در هر صورت دویست عراده توپ
برای پنجاه هزار قشون کافیست و زیادتر از این موجب بطؤ
حرکات قشون خواهد بود و این را نیز باید ملاحظه کرد چون
توپخانه محافظت خود را نمی تواند بکند اگر چنانچه عدد آن زیادتر
باشد میشود اتفاق بیفتد که مایهٔ ضرر کلی بشود قشون مهندس
هرچند علم آنها از سایرین بیشتر است ولی باز ملاحظات چند
مرتبهٔ سیم را دارد خراب نمودن موانع که دشمن در سر راه
قشون میدارد و ساختن موانع در سر راه دشمن بسته بقشون
مهندس است و کار آنها مشکلتر از سایر قشون است
زیرا که حوصلهٔ زیاد و بیجا باکی و قوت قلب تمام لازم دارند که گلوله
و آتش دشمن را ابدا بنظر نیاورده و از کار خود آنی غفلت

نمایند عدد آن موقوف بمملکت و بحکی است که کرده میشود مثلاً
در محاصره زیاده تر از جنگ میدان باید باشد در مملکت
و اینست نسبت آنرا بتقسیم از بیست قسمت قشون قرار داده اند نسبت
قشون مستحفظ به یک از بیست مگر در وقتیکه حرکت قشون در جای
وسیع باشد آنوقت بیشتر لازم خواهد بود این سه صنف عمده
قشون را که عبارت از پیاده و سواره و توپخانه باشد هرکدام را بدو قسمت
منقسم کرده اند یکی را سبک و دیگری را سنگین مینامند و این تقسیم را بملاحظه
و مناسبت اسلحه و اموریکه در میدان جنگ بعهدهٔ آنها محول است نموده اند همه
پیادهٔ نظام را بیک ترکیب تربیت میکنند اگرچه میتوانستند هردو نوع پیاده را
بکاریکه واجب هست داشت تربیت کرده کامل نمایند ولی در بعضی اوقات
کاری که بآنها رجوع و محول میشود ممکن است که از ندانستن جمیع
انواع مشق عیب کلی حاصل گردد لهذا بهتر است که جمیع
انواع

انواع مشق را یاد گرفته در هر حالت که لازم بشود بکار برند
بجهة عمل پیادهٔ سبک زیرکی شخص و قوت جسمانی بسیار لازم است
و در پیادهٔ سنگین زیرکی شخص و قوت جسمانی لزومی ندارد
زیرا که در پیادهٔ سنگین کار شخصی نیست همه نتایج از حرکت عمومی
حاصل میشود پیادهٔ سبک در مدافعه و حمله باید خاطر جمعی بهیچ چیز
نداشته باشد مگر به آتش خانهٔ خود حملهٔ نیزهٔ باستون نباید
هیچوقت بکنند مگر در اوقات نادر بهمین جهة هر سرباز
هرچند جانبین اورا نگاهداری بکنند ولی باز او ملاحظهٔ اطراف
خود را خواهد کرد و باید تیراندازی خوب و مهارت تمام در مشق
تفنگ داشته باشد و بقوت قلب هم بناشد و احتیاط خود را
هیچوقت از دست ندهد در بعضی اوقات لازم می‌آید که دشمن را
چند ساعت و بلکه چند روز باید مشغول سازد و در بعضی وقت

باید دشمن را با حمله عقب نشاند و در بعضی جاها خود در عقب کشد
و وجب بوجب در آن زمین مجادله نماید تا اینکه حکم سردار
کل چه شود در پیاده سنگین برعکس این است همه حرکات باید
بهیئت اجتماع بشود و خیال کلّی ایشان در سخت ایستادن و آرام
بودن صفوف خود باشد چه در حالت وثبات و چه در حالت
ستون برای حمله و چه در قلعه برای ردّ سوار دشمن در همه
حالت باید این ملاحظه را بکنند شروع جنگ و نگاهداری
جابجین پیاده سنگین ورود کردن دشمن از بعضی نقاط میدان
با پیاده سبک است و همچنین قراولی و ماموریت باطراف
اردو برای شناسائی مکان و پس قراولی نیز با پیاده سبک است
و در همهٔ حرکات که استحکام برای آن لازم میباشد مثل حمله
و مدافعهٔ نقاط عمده محول به پیاده سنگین است پشت بند و امداد

چه

چه در جنگ و چه در نگاهداری جای مخصوص را نیز از آنها مشخص
مینمایند و در بعضی ممالک یکصنف پیاده سیم نیز هست و لی آنها را
جزو قشون حساب نمیکنند و اینها را اکثر وقت از میان طایفهٔ
میگیرند که دشتهای آنجا بلد باشند و آنها مثل داوطلب یا مثل
چلیک حساب میشوند نه قشون نظامی اتصافاً بجهت تیراندازی
بنظر میباشند و بعضی اوقات زیاد بکاری آیند بخصوص
در مملکتی که آشنا باشند و همه گذرها و تنگهها را بشناسند و همیشه
در پشت سر دشمن حاضر بوده و نگذارند که دشمن رفع خستگی
نموده نفسی تازه کند ولی در اکثر وقت ضرر کلّی از بودن آنها
میرسد چون اهل نظام نبوده و بینظم هستند و جنگ نمیکنند
مگر محض برای تاراج لهذا بیرحمی و کارهای بد از آنها صادر
میشود که دولت و ملت را رسوا میکنند در میان سواره تفاوت

سوارهٔ سنگین و سبک بهتر و زیادتر معین است از تفاوتی که در میان
پیاده گذاشته شده است سوارهٔ زره پوشان و قرابینه داران
که عبارت از سوارهٔ سنگین است بجهة اسلحهٔ سنگینی که دارند باید
آدمهای قوی هیکل بوده و اسبهای درشت سوار شده باشند
و سوارهٔ هوسار و شاسر را که سوارهٔ سبک گویند باید اسبهای
چابک و چالاک سوار شده باشند سوارهٔ دراقون و لانسیه
تفاوتی ندارد کار هر دو نوع سواره را می‌کنند برای اسبان و اسلحهٔ
ایشان چندان ملاحظه نیست اگر چنانچه بخواهند کاری از سواره
ساخته شود باید نهایت اهتمام را در اسب و اسلحهٔ آنها نمود
و در وقت حملهٔ سواره باید خیلی دقت نمود که در پس و پیش آنها
جائی باشد که در وقت حمله سرعتی را که در حقیقت نصف قوت
اوست بتواند پیدا کند و بجهت جمع آوری خود جائی کافی که برای
حرکت

حرکت او لازم است داشته باشد و صاحب منصبی که آن سواره را
بحمله میبرد باید در کمال رشادت و با احتیاط تمام باشد و ملاحظهٔ
رایت و صفش را بکند و امدادی در عقب موجود داشته باشد
که در وقت مراجعت از حمله نگذارد دشمن او را تعاقب کرده
اغتشاشی در صفوف آنها بیندازد هر کدام از این سوارها خصائص
و امتیازات معینه دارند چون بجهة خصم ممتنع است مقاومت
با سوارهٔ سنگین لهذا اتمام عمل را بآنها محول نموده اند باید
سوارهٔ مزبوره در نهایت آرای و بدون تغییر حالت در میان
شورش جنگ ایستاده منتظر وقت حملهٔ خود باشند و وقتیکه
فرمان حمله بسوار مزبور داده شد باید مثل سیل دمان همهٔ موانع را
ریخته و پاشیده و گذرگاه آنها از کشتگان دشمن مانند جادهٔ
نمایان کرده و سوارهٔ دراقون را نوعی ترتیب داده اند که هم

کار سواره از او ساخته شود و هم کار پیاده از آنجا که دو بند و نیزه را
بیکدست نمیتوان گرفت کار سوارهٔ مزبوره همیشه منتظم و ناقص میشود
بعد از سعی و اهتمام زیاد حالا قدری بهتر شده اند تفنگهای ششخانی
که دارند در بعضی جاها بخصوص در هر جاهائی که پست و بلندست دور
پیش قراولی که عوض پیادهٔ سبک گذارده میشود خوب بکار می آید
ولی اصل عمل این قشون حمله و برهم ریختن دشمن است و باید در همین
کار مخصوص آنها را تکمیل نمود سوارهٔ لانسیه که عبارت از نیزه
داران باشد قشون بسیار خوب و کار آمدیست نیزه را بهترین
و اولین اسلحه‌های دستیقه [?] میشمارند اسلحهٔ مزبور بسیار ترسناک
و مهیب است در صورتیکه صاحب آن اسلحه پر مشق و کار برندهٔ
آن باشد و برعکس این مرحله ضررش برفقای خود بیشتر از دشمنانست [?]
ولی با همین خیال که اگر نیزه بپهلوی آدم بخورد از آنطرف بیرون

جونیر

خواهد آمد کمال اثر را در وجود شخص دارد و از شنیدن همین
صدا که اینک نیزه داران رسیدند انقلاب تمام در میان قشون دشمن
خاصه در میان قشونی که اندک مضطرب شده باشد حاصل
خواهد گردید سوارهٔ سبک در جنگ بسیار بکار می آید هر آن
در پشت سر دشمن است و نمیگذارد آنی فراغت از برای دشمن
حاصل شود و حالت شکستی را که قشون دیگر برای دشمن فراهم
آورده است سوارهٔ مزبوره با تمام میرسانند سوارهٔ سنگین
بجز در میدان جنگ در جای دیگر بکار نمی آید کار مخصوص او
خراب نمودن تمامی موانع دشمن و مقاومت کردن در نهایت
سختی با دشمن است تا اواخر جنگ بطور امداد منتظر وقت است
سوارهٔ مزبور را یا برای اتمام جنگ یا اینکه در وقت شکست
که نگذارد قشون بالمره از هم پاشیده و پریشان شود فرمان

حمله میدهند خدمت سواره سبک اندکی شبیه به پیادهٔ سبک است
یکی از مأموریت مخصوص او نگاهداری و متوجه شدن جانبین
سواره سنگین است و همچنین باید از توپخانه سواره بهیچوجه غفلت
نداشته باشد و باید در وقت حرکت و عقب نشستن دشمن متصل
متعرض آنها شود و راههائیرا که از آنجا بدشمن آذوقه میرسد
بقدر امکان سد و مسدود سازد و علی الاتصال به بنهٔ دشمن اذیت
رساند بالجمله سواره سبک آناً فاناً بکار قشون می‌آید و مصدر
خدمت میشود بخصوص لزوم سوارهٔ مزبوره برای فرستادن
باطراف است در توپخانه نیز توپخانه سبک و سنگین معین کرده‌اند
نه همین بجهت بزرگی توپها این تفاوت گذارده شده است
بلکه بهر جا که توپ مأمور میشود در فن جنگ معین است که از توپخانه
کدام صنف مأمور شود توپهای بزرگ جنگ دوازده پوند و او

بوزنه

بوزنه هزار و هشتصد و هزار و پانصد برای جاهائیست که در میان جنگ آنها را
از جای خود بندرت حرکت میدهند و توپهای سبک هشت پوند و او بوزنه هزار و
دویست پوند است و این توپخانه پیاده و سواره میشود ولی در همه جا باید
موافق حرکت قشون حرکت نماید چند سال است که خیلی سعی در ترقی و تکمیل توپخانه
دارند در اسباب و در فن توپخانه بعضی چیزها را که قبل از این در میدان جنگ
از اضافات میدانستند اکنون پس از تجربات زیاد آنها را از لوازم میشمارند
از اندازهٔ توپها معلوم میگردد که در جنگ بچه کار باید برده شود توپخانه
سنگین را در جاهائی که ضعف قشون پیدا است و حضور آن قوتی میشود
مهیا میگذارند و در هنگام برگشت قشون منع دشمن از تعاقب و نگاهداری
مکانهائیکه باید بدست دشمن نیفتد مثل ده و خرابه و گذرها و سنگها که دشمن
میتواند پناه خود نماید و مانع حرکت قشون نیز نشود محول بهمین توپخانه است
و توپخانه سبک پیاده در همه جا با پیادهٔ نظام حرکت می‌نماید

و نباید بگذارد که از یمین و یسار به پیادهٔ نظام از قشون دشمن صدمه
وارد آید قبل از آنکه پیادهٔ نظام حمله برد باید توپخانهٔ مزبور
با شلّک خود جای حمله را باز نماید و نگذارد که توپخانهٔ دشمن
حرکت نموده به پیش آید و اکثر توپخانهٔ امدادی را نیز از همین
قسم توپخانه معین مینمایند توپخانهٔ سواره در اکثر وقت
برای اتمام جنگ است و همیشه منتظر موقع و فرصت میباشد اگر
فرصت پیدا کرده علی الغفله بدشمن برسد در آنی صدمهٔ کلی بدشمن
میتوانند رسانید و گاهی هم جای توپخانهٔ پیاده را میتوانند بگیرد و از آنجا
خود را بنقطهٔ میتوانند برسانند که دشمن با ستون حمله آورده است
ستون مزبور با همان توپخانه از هم بپاشد بودن توپخانهٔ
مزبور بخصوص در وقتی که بخواهند با سوارها حمله نمایند یا اینکه
در پیش روی دشتبان توپخانه داشته باشند و یا اینکه قلعه

قلعه

قلعهٔ پیاده حمله آورند از واجبات است بدون توپخانه انجام
کارهای مزبور اشکال تمام دارد هرگاه که توپخانهٔ مزبور بتواند
خود را بمقابل خصم رساند و در چند شلّک با ساچمه چنان راهی
از برای سوار بازی نماید و چنان زلزله در میان قشون دشمن
می اندازد که سواره بهیچ وجه برای حملهٔ خود در مقابل مانعی
نبینند و اگر چنانچه بی وجود توپخانهٔ مزبور سواره بخواهد حمله
نماید و آنچه که در قوه داشته باشد سعی و کوشش کند بار مثمر ثمری
نمیشود

باب دویم در ترتیب لشکر و حرکات آنها مشتمل بر سیزده فصل

فصل اول در حالت پیاده در میدان جنگ

در میدان جنگ خواه برای حمله و خواه برای مدافعه پیادهٔ نظام
در همه وقت باید در سه خط باشند خط اول مسمی به پیش قراول است

خط دویم را اصل قشون و خط سیم را امداد گویند نسبت این
خط موقوف بقدر و مکان قشون است خط اول باید این
قدرها باشد که بتواند دشمن را مقابله نماید ولی نباید بقدری شود
که از زیادی آن بخط دویم که اصل و عمدهٔ قشونست و باید بقشون
دشمن مقاومت نماید ضعفی حاصل گردد و قدر قشون امداد
باید قدری باشد که بتوانند امدادی در حالت ضعف خط دویم
به کمک او بفرستند و یا اینکه در وقت پیش رفت کار خط دویم
فرصت پیدا نموده اتمام شکست دشمن را بکند بقدر قوه باید
سعی کرد که نسبت قشون امداد ثلث همهٔ قشون شود پیش رفت
جنگ همیشه موقوف بخوب کار بردن قشون امداد است فاصلهٔ
این سه خط مذکور موقوف بمحل و میدان جنگ است و ترکیب ایستادن
قشون مزبور موقوف به منظوریست که دارند اگر چنانچه خط اول
در حالت

در حالت مدافعه باید حرکت کند و در این صورت قدری از آنها بطور
مجزا ان دشتبان سازند و باقی دیگر با ستون باتالیان بایستند
و اگر چنانچه منظور حمله بردنست در اینوقت باید همهٔ قشون مزبور
با دیویزیان ستون سازند و خط دویم یا در حالت دشتبان
و یا در حالت ستون بقدر سیصد قدم در عقب خط اول باید بایستند
و خط سیم یا قشون امداد باید با ستون فراز در هزار قدمی
در عقب وسط خط دویم باشد و اگر چنانچه جای نزدیکتر پیدا کنند
که گلولهٔ دشمن او را نگیرد بهتر است و بعضی وقت میشود که باید
قشون را در نظر دشمن زیاد جلوه داد آنوقت خط سیم نیز در دو صف
در حالت دشتبان می‌ایستد با تالیانها که عمدهٔ قشون است در یک
و یا در دو خط باید ایستاده باشند ولی اکثر وقت در یک خط می‌ایستند
در دو خط ایستادن آنوقت خوب است که قدر قشون زیاده باشد

در حالتیکه قشون زیاد است امداد از این سه خط محسوب می‌کنند
و در جائیکه لازم است علاحده بکاری برند و خط دویم را بجهت
اینکه باید بخط اول کمک کند در عقب متوازی به فاصله‌های
خط اول که در میان باتالیانهاست وا میدارند

فصل دویم در طرز مدافعه مشتمل بر سه فقره

فقره اول محل گرفتن محض جهة دفاع

چنانچه بعض اوقات اتفاق میافتد که بجهت رد حملهٔ دشمن و یا بسبب
مدافعه که بعد خیال حمله داشته باشند بخواهند در یک مکان مخصوص
جا بگیرند آنوقت خط اول را در مکانی که مساعد و موافق مانع شدن
حرکت قشون دشمن است وا میدارند و نباید گذارد که دشمن فن
و خیال خود را بکار برد و برای این کار بهتر است که از تیراندازهای
خوب و زیرک بچهارصد پانصد قدمی دشمن فرستاده استعلای
از حالت

از حالت دشمن نماید و امداد برای آنها آنوقت باید فرستاده
شود که دشمن خیلی بآنها نزدیک شده باشد و پس خواستن
خط اول یا مجبران موقوف بلزوم و استحکام محلی است که نزاع
در سر اوست و اگر چنانچه آن محل قدری استحکام دارد که بدون
ضرر زیاد دشمن نتواند بگیرد باید مجبران هرچه در قوه دارد
ایستادگی نموده نگذارد که بدست دشمن بیفتد و اگر چندان جای
سخت نیست و لزومی هم ندارد در آنوقت باید بعد از اندک
ایستادگی خود را پس کشیده یا در پهلوی خط دویم و یا در عقب
همان خط جا بگیرد قاعدهٔ کلیه این است پس از شروع بحرکت
باید بقدر امکان در زمینهای ناهموار قشون را پنهان نگاه داشت
و بخصوص عمدهٔ قشون را که عبارت از خط دویم باشد باید
تا الی رسیدن بدشمن بقدر امکان نمایان نشود و اگر چنانچه

خط دویم را به کمک خط اول میفرستند بهتر آنست که حمله را با نیزه
پیش میبرند و اگر چنانچه مجبر از اینکه عقب خواسته اند خط دویم
دستبان باز نموده با آتش خانه خود دشمن را پذیرائی مینمایند
اگر در میان دشمن تزلزلی ظاهر شد شتاب پی در پی نموده از آنجا
قدمی حمله باستون میبرند اگر این حرکت با جرئت و با سرعت
کرده شود میتوان دشمن را از مقابل برداشت و در همه وقت
قشون امداد را از میان آدمهای خاطرجمع و کار آزموده مشخص
مینمایند و قوت آنجور آدمها باید به اهل قشون ثابت شده باشد
و اگر چنانچه یکوقت لازم شود که یکحمله سخت بدشمن برده شود
چنان حمله محول بقشون مزبور میشود تا وقت حمله برای اینکه
آتش دشمن باینها ضرر نرساند باید از نظر دشمن پوشیده و پنهان
بمانند وقت کار بردن امداد همان وقت است که در میان دشمن
تزلزلی

تزلزلی از آتش خانه قشون دیگر پیدا شده باشد و یا در وقتیکه
قشون خود ضعف بهم رسانده تزلزلی در حالت آنها ظاهر شود
انوقت باید قشون امداد مزبور را بکار آورد وقت بکار واداشتن
قشون مزبور را باید زیاد ملاحظه کرد که با موقع باشد زیرا که اگر
زود فرمان داده شود کاهست که مقاومت سختی از دشمن
بشود و کار از پیش نرود و اگر چنانچه دیر فرمان داده شود
انوقت نیز میشود که کار از کار گذشته قشون از نظم افتاده
دیگر نتوانند پایداری نموده خود را جمع آوری نمایند پس ملاحظه
زیاد در این باب لازم و واجب است

فقره دویم دفاع پیاده از سواره خصم

بهترین طرز دفع سوار برای پیاده نظام قلعه است و قلعه را هم باید
متعدد ساخت زیرا که اگر یکقلعه باشد زورش کمتر است و اگر قلعهای

متعدد ساخته شود میتوانند بهم دیگر کمک نمایند و تقاطع آتش
که از بودن چندین قلعه بهم میرسد بدشمن ضرر کلی میتواند رسانید
نجات پیاده از حملهٔ سوار موقوف به قوت قلب و نظم و آرای
صفوف پیاده منظور است باید خیلی سعی و اهتمام نمود که در وقت
حرکت دست پاچه نشود ملاحظه و قناعت در فشنگ خود نموده بیجا
بمصرف نرسانند برای انداختن تفنگ خود بقدر منتظر باشند
که دشمن درست به تیررس برسد پیاده با نظم که تدارک خود را
خوب ملاحظه کرده باشد در مکان مناسب که دشمن با توپخانه
نتواند اذیت کند میتواند سر سوزنی از سواره احتیاط نکند
و بلکه هم سوار را از خود دفع نماید و بعضی وقت هم میشود که از
سواره چند دسته میفرستند که پیاده را خسته کرده و لکنسته نماید
در آنوقت بهتر است که یکدو دسته بطرز مجزا به بیرون قلعه بده

دوازده

دوازده قدمی پیش فرستاده که آنجمله را دور نمایند و نباید شلیک
عامه نمود

فقرهٔ سیم دفاع پیاده از توپخانهٔ دشمن

پیاده میتواند بچند طرز خود را حفظ نماید یا پست بلندی زمین را
حایل قرار میدهد و یا اینکه جای خود را عوض میکند تل کوچکی
و یا کنار جوبی کافی است برای حایل و رد نمودن گلوله توپ و اگر
چنانچه هیچ حایلی در آن محل نباشد و گلوله همانجا را که قشون
ایستاده است بگیرد آنوقت بقدر پنجاه قدم پیش یا پس و یا به راست
و یا بچپ حرکت میکند و میتوان نیز مجبور ساخت که توپخانه نیز
جای خود را عوض کند چند نفر از تیراندازهای خوب پیش میفرستند
و در آنجا بر زمین خوابیده صاحب منصب و توپچی و اسبها را با گلوله
میزنند

فصل سیم در آداب حمله پیاده نظام

پیاده نظام در حمله همان حالت را دارد که در مدافعه داشت حرکت
اول او حرکت مخبرانست که جنگ را ابتدا مینمایند باید حرکت مخبران
مزبور بسیار جری و با سرعت باشد و اگر چنانچه قوت مخبران کم است
خط دویم حرکات خود را بحرکات مخبران موافقت میدهد و برعکس
این اگر قوت کافی است لزومی ندارد خط دویم که عبارت از اصل
قشون باشد و امداد و باستون در پشت سر مخبران حرکت باید بکند
و همه حرکات خود را باید از دشمن مخفی بدارد و اگر بجائی رسیدند
که پست بلندی زمین اینقدر نیست و آتشخانه دشمن آنها را میگیرد
باید بسرعت تمام از آن محل عبور نمایند که آتش دشمن ضرر نرساند
اگر برای مخبران یا خط اول شکستی حاصل شود باید خود را به
پهلو یا بعقب خط دویم بکشند در همان وقت خط دویم پیش آمده
دشمنان

دشمنان باز نموده شلیک مینماید و یا اینکه با نیزه پیش حمله
بدشمن میکند و اگر از او هم کارسازی نشد و از آن هم عجز
ظاهر گردید آنوقت قشون امداد از فاصلها که در میان باتالیانها
گذاشته شده است با قوت تمام با نیزه پیش حمله مینمایند و هر وقت
خط دویم نیزه پیش مینماید باید امداد در آنقدر امکان نزدیک نگاه داشت
جا بین قشون اصل و فاصلهائی که در میان ستونها مانده است
جای مخبرانست و این قاعده را از ملزومات فن جنگ باید شمرد
زیرا که دشمن توجه به آنجا نموده قشون بخوبی و آسانی میتوانند
حرکت نماید در همه وقت و همه جا باید این قاعده را ملاحظه کرد
حمله پیاده به توپخانه برحسب اتفاق ضرورت بهم میرسد که باید
توپخانه دشمن را بحمله گرفت برای این کار قدری پیاده مأمور
نموده و آنرا دو قسمت میکنند یک قسمت آن پیاده مأمور بگرفتن

توپخانه است و قسمت دویم مأمور حمله بردن بقشونست که بجهت
حمایت توپخانه گذاشته اند آن قسمت که مأمور گرفتن توپخانه است
بطرز مجبران پاشیده دور توپخانه را احاطه مینمایند و از سه
چهار صد قدمی بنای شلیک میگذارند و با امداد زمینهای ناهموار
خود را حفظ میکنند و قشون دیگر که مأمور نگاهبانی مجبران
شده است در همه وقت در عقب مجبران ایستاده متوجه
حرکت دشمن میشود که دشمن ضرری از طرفین به مجبران نرساند
اگر این حرکت موافق افتاده دشمن توجه و آتشخانه خود را بطرف
مجبران نموده و همهمه درمیان توپچیان ظاهر شد باید فرصت را
غنیمت شمرده با سرعت هرچه تمامتر حمله نیزه پیش نمایند
و قسمت دیگر قشون که مأمور بر قشون جای توپخانه شده است
حرکتش موقوف به صنف قشونست که دشمن مأمور نموده است

اگرچنانچه

اگرچنانچه پیاده نظام است دو قسمت نموده یا با دشتبان و یا با ستون
از جابین مجبران کم کم از مجبران گذشته در یمین و یسار
توپخانه مزبور جمع میشوند که از پهلو به قشون جای حمله برند و یا اینکه
در عقب مجبران خود ایستاده قشون جا میرا پیش میکند که خود را بقشون
پیش روی توپخانه را بگیرد و اگرچنانچه قشون جای سواره
باشد در آنوقت باید با ستون متعدد همیشه در عقب مجبران
ایستاده بسواره که میتوانند به مجبران حمله آورد مانع شوند

فصل چهارم در تعاقب نمودن قشون دشمن بعد از شکست

اگرچنانچه قشون دشمن شکست خورده عقب نشسته باشد
باید تعاقب را در کمال احتیاط و نظم نموده قشونیکه نزدیکتر است
از مجبران گذرانده با ستون فرار دشمن را تعاقب کنند تا اینکه
بمحل مساعد برسند و اگر اثر ایستادگی برای مدافعه از دشمن

ملاحظه کرده در همانوقت و در همان محل ثابت نموده خود سازی
برای پذیرائی دشمن نمایند و دشمن را با پیاده تنها نمیتوان
زیاد تعاقب نمود زیرا که تعاقب شده بهتر و تندتر میگریزد از
تعاقب کننده پس در اینصورت تعاقب کردن دشمن محض با پیاده
بی ثمر است

فصل پنجم در عقب نشستن قشون از میدان جنگ

چون در محاربه و مدافعه بعضی وقت لازم میشود که قشون عقب
بنشیند در اینحالت کار اول عقب خواستن قشونیست که مشغول
جنگ میباشند تا آمده قدری عقب تر از آنجا که بودند ایستاده
مقاومت با دشمن بکنند و یا اینکه خود را پس کشیده در عقب
خط دویم جا بگیرند و خط دویم تا خط اول مادامیکه جابجا
نشده است باید با دشمن در مجادله باشد همینکه خط اول درست
جا گرفت

جا گرفت آنوقت خط دویم خود را از میدان جنگ پس میکشد
حرکت برگشت را بهیئت اجتماع نیز میتوان نمود ولی موقوف بحالت
دشمن است اگر مشاهده شود که دشمن حالت تعاقب کردن را
ندارد آنوقت میتوانند این حرکت بعمل آورد و الا باید با حرکت
پله خود را پس بکشند یعنی یک خط رفته در عقب جا گرفته برای محاربه
حاضر شوند آنوقت خط دویم حرکت پس نشستن خود را شروع
نماید که آنها نیز رفته پشت خط اول خود را برای نوبه خود حاضر سازد
و همچنین تا آخر حرکت طرز برگشت موقوف بتعاقب نمودن
دشمن و موافق بودن محل است اگر دشمن فقط با پیاده تعاقب
میکند باید با ستون در حمایت مخبرین خود را عقب کشند و اگر
با سواره تعاقب میکند در این وقت احتیاط زیاد لازم است
باید در چنان حالت ستون باز با فاصله تمام بسته و در تنهائی

آرامی حرکت نمایند مگر در صورتیکه در نزدیکیها جای محکمی باشد
و بخواهند خود را به آنمکان برسانند در آنحالت بدون مکث با کمال
تعجیل خود را بانجا برسانند و اگر چنانچه مجبوراً باید در حضور
دشمن مسافت زیادی طی کنند در آنوقت قشون پس جنگ
برای خود قرار میدهند که قدر پس جنگ این است که نباید بگذارد مزبور ربع یا یک ثلث
دشمن نزدیک بقشون شود و طرز حرکت آن نیز موقوف بحالت همهٔ قشون باید باشد آموخت پس جنگ
زمین است و مجبراتی نیز باید به آنها ملحق گردد که پشت سر بشود و نباید
پس جنگ مزبور از قشون اصل دور افتد و باید در هر مکان مساعد
پا داری کرده مقاومت با دشمن بنماید

فصل ششم در طول دادن بجنگ

در بعضی اوقات خیلی لازم میشود که بجنگ طول داده شود بدو سبب
یا منتظر قشون امداد میباشند و یا اینکه میخواهند دشمن را مشغول نموده
تدارک

تدارک دیگر برای شکست دشمن مهیا نمایند محل و مکان چنان جنگ
باید بجهة مدافعه خیلی مناسب باشد و قشون نیز باید زیاد کار از موقع
و در مشق مجبرات پرکار رباشد جای اصل قشون در چنان حالت
دو هزار قدم در عقب مجبرات است و مکان قشون مزبور را باید زیاد
ملاحظه نمود که از توپخانهٔ دشمن محفوظ باشد در میان قشون
و مجبرات باید از چند ستون کوچک قشونی قرارداد که در وقت
ضرورت بمجبرات امداد نمایند و اگر از این حالت دشمن جری
شده پیش آید باید بزودی امداد فرستاده و از جانبین دشمن
حمله برد که مجبور شده خود را عقب کشد و مجبراتی را که مشغول جنگ است
باید زود زود عوض کرد و رسیدن قشون تازه نفس را غنیمت
شمرده دشمن را از محلهائی که تصرف نموده است بیرون کرده
عقب نشاند

فصل هفتم در تعیین جای سوار در میدان جنگ

جای سوار در همه وقت در عقب پیادهٔ نظام و در محل مساعد بحرکت
خود است و تا آنوقت که مأموریت ندارد باید از آتشخانهٔ ~~خانه~~
دشمن خود را حفظ نماید یعنی در مکانی ایستاده باشد که توپ دشمن
باو نخورد و اگر چنانچه جنگ جنگ مدافعه است باید در وقتی حرکت نماید
که دشمن خیلی بقشون نزدیک شده باشد که با حملهٔ پرزور دشمن را
مجبور نموده پس نشانند و اگر جنگ حمله باشد برعکس این است هر وقت
فرصت پیدا کرده دید که در میان صفوف دشمن تزلزلی ظاهر است
همان آن حمله برده شکست دشمن را بانجام برساند

فصل هشتم ترکیب سوار در میدان جنگ

برای حمله در همه وقت سوار در دو صف و در لحظه میباشد و امدادی
نیز برای حفظ او با او هست امداد برای سوار از لزومات است
زیرا

زیرا که بدون امداد ضررهای کلی بجهت سوار میتواند عارض شود
چون که در آخر حملهٔ سواره در اکثر اوقات مغشوشی بهم میرسد
لهذا نباید هیچ وقت بعد از حمله که نتیجهٔ خوب بعمل آمده است زیاد
سرکشی نماید مگر اینکه امداد به او زیاد نزدیک باشد و اگر چنانچه
مجبوراً باید بدون امداد حمله کند آنوقت از همان سوار قدری را
برای امداد قرار داده و قدر دیگر حمله میبرند و از برای سوار خیلی
بندرت اتفاق می افتد که آتش خانهٔ خود را بکار ببرند مگر در پیش
قراولی و یا اینکه در محل نامساعد بحرکت سوار که باید مجبوراً دفعه
نماید در آنوقت بعضی از سواران قابل را بطرز مجزران از صف
بیرون آورده پیش میفرستند که با آتش خانهٔ خود دشمن را از طرف
سوار دور نماید حرکت آنها بی تفاوت مثل حرکت مجزران پیاده است

فصل نهم در مدافعه سوار از حملهٔ غیر

اصل عمل سوار در حقیقت حمله است نه مدافعه هر سوار در هر وقت که
مجبور شده است دفع حملهٔ پیاده و یا توپخانه را از خود نماید یا مجبور
خود را عقب کشیده است و یا آنکه تمام کشته گشته است پس سوار
باید با حمله هم خود را نگاهداری نماید و هم جای قشون دیگر شود
بودن قشون سوار برای جنگ از ملزومات است مخصوص برای
برگشت قشون خیلی بکار میخورد در وقتیکه دشمن با جسارت
و تندی قشون را تعاقب میکند باید در چنان حالت سواره
در محل مساعد فرصت پیدا کرده با حملهای مکرر دشمن را
ملجا کند باینکه حرکات جسور خود را تخفیف دهد

فصل دهم حملهٔ سوار به پیاده خصم و توپخانه

حمله به پیاده

هرچند ورق پیش مذکور شد که چه قدر برای سوار مشکل است به پیادهٔ
که بهمه احتیاط خود را دیده و قلعهٔ از فوج بسته باشد فایق آید
پس باید سواره آنقدر انتظار بکشد که راه حمله را توپخانه
برای او باز نماید و یا اینکه خستگی و اغتشاش صفوف پیادهٔ مزبور
روبدهد آنوقت حمله ببرند و یا باید وقتیکه پیاده مشغول حرکت است
پیش از آنکه حرکتش باتمام رسیده و خود سازی نماید غفلتاً حمله
کنند و حمله را از طرفی باید داد که بقدر امکان آتش دشمن کم بگیرد
اگر پیاده در حالت وشتبان است از پهلو و اگر در حالت قلعه است
از زاویه و اگر قلعهای متعدد ساخته است و بهم کمک و امدادی
کنند باید به قلعهٔ حمله برده شود که کنار افتاده است و آتشش
کم تر از قلعهای دیگر است طرزیراکه از همه بهتر برای حمله بردن
بقلعه پسندیده اند این است که سه اسکادرن با حرکت

دشتبان و دو مساوی فاصلهاست اسکادرنها پشت سرهم حمله براوی
قلعه نمایند اسکادرن اول که رسید و نتوانست کاری ازپیش
ببرد باید دو نصف شده یک نصف براست و نصف دیگر بچپ
گشته جا از برای اسکادرن دویم که درپشت سر اوست باز نماید
و اسکادرن دویم نیز از همین قرار و بهمین طرز حرکت نماید و یک
اسکادرن سوار نیز علاوه برای امداد قرار دهند که در عقب اسکادرنها
باشد که در وقت ضرورت به اسکادرنهای مزبور امداد نماید و یا اینکه
درصورت پیشرفت کار از دشمن اسیر بگیرند بجهة گرد آمدن آتشخانه
دشمن بطرف خود چند نفر از سوارهای زیرک و پرکار بطرز مخبران
مأمور باید نمود که رفته آتشخانهٔ دشمن را بطرف خود کرده یا بانیطور هم
میتوان دشمن را فریب داد مثلا وانمود کنند که در چهارصد قدمی
و به انجا نقل
جائی را میخواهند بگیرند و حملها به آنجا ببرند اگر دشمن فریب خورد

خالی

خالی کرد در همان وقت فرصت نداده باید حمله برد و اگر از دشتبان
قلعجات دیده شود که از قلعها بدون اینکه کسی بآنجا حمله برد بجهة تفنگ
خود را خالی مینمایند بلاتأمل بسر همان قلعه حمله باید برد زیرا که از حرکت
آن قلعه معلوم میشود که فوج جدید و جنگ ندیده است آنوقت زود میتوان
آنها را از هم پاشید

حمله سوار به توپخانه

در این حالت حرکت قشون به این طرز است که قشون را سه قسمت غیر مساوی
نموده هر قسمت را بحالت ستون می آورند یکی از این ستونها را که ربع قشون است
مامور بگرفتن توپخانه میکنند و قسمت دیگر که نصف قشون مزبور است مامور
بجنگ نمودن با جای توپخانهٔ دشمن میباشد و قسمت سیم که ربع آخر باشد
مامور به امداد و به نگاهداری طرفین اند و قسمت مذکور است
که نگذارد دشمن از راست و چپ و یا از عقب به ایشان

ضرری رساند ستونیکه مأمور گرفتن توپهاست کم کم از جانبین توپخانهٔ
دشمن پیش آمده بطور جنگ مجربانه حمله مینماید و هرگز از پیش رو
نباید سوار به توپخانه حمله نماید که بالمرّه خلاف فن جنگ است
چنانکه در جنگ روس قشون انگلیس همین قاعده را فراموش
نموده در بالقلاوا ابسر توپخانه از پیش رو حمله کرد با وجود اینکه
سوارهٔ انگلیس کمال رشادت را ظاهر نمود ولی ثمرش اتمام
و افناء خودشان شد و اگر زمین نامساعد برای سوار و مساعد
برای توپخانه است باید در چنین حالت بقدر امکان یا با حرکات
و یا با حملهای پی در پی در میان توپچیان تزلزل انداخت
و حمله بردن بقشون حامی توپخانهٔ دشمن باید با همان قاعده
رفتار شود که برای پیاده در پیش گفته شده است یعنی
که با حرکت به جوانب دشمن رسیده حمله برند

فصل

فصل یازدهم در محل توپخانه

جا دادن و کار بردن توپخانه موقوف بوقت و حالت قشونیست
که میخواهند بکار ببرند در وقتیکه حالت مدافعه و خودداریست
عمدهٔ کار با توپخانه است و جاهائیکه بقشون دیگر داده میشود
همه را بملاحظهٔ محل توپخانه باید جا داده شود و اگر چنانچه حالت
حالتِ حمله است آنوقت برعکس این توپخانه را باید تابع قشون
دیگر نمود و در حالت دشتبان هر جائیرا که گلوله کرد و ضعف
قشون و بدی مکان مشاهده شود در آنجا توپخانه باید گذاشت
و اگر در دامنهٔ کوه توپخانه جا گرفته باشد نباید که زیاده از
هشت در صد نشیب داشته باشد و توپخانه را باید طوری قرار
داد که ستون دشمن را یا از پهلو و یا از پیش رو بتواند
بزند و نیز باید ملاحظه کرد که گلولهٔ آتش دره و راه و تنگها را

که دشمن نمیتواند سر درآرد بگویید وبخصوص باید خیلی ملاحظه نمود
که در هر بلندی که توپخانهٔ مزبور قرار گرفته است زیر پای خود را مسلط
شود و باید زیاد دقت کرد که میان توپخانه وقشون بدست دشمن
نیفتد وراه آمد رفت باز باشد

فصل دوازدهم در نگاهداری توپخانه از حملهٔ خصم

وقتیکه قشون برای دفع دشمن از خود جائی را گرفته ومیخواهد نگاهداری
آنجا را نماید امنیت توپخانه از هر چیز لازم‌تر است مگر اینکه در جائی باشد
که دست سوار و پیادهٔ دشمن به او نرسد والا باید قشون مخصوص
مامور نماید که توپخانهٔ مزبور را حمایت نموده طرفین او را نگاهداری
کند و وقتیکه حالت مدافعه است باید قشون طوری ایستاده باشد
که از هر طرف که دشمن بخواهد بیاید برای پذیرائی آن حاضر باشد
و توپخانه را به هم خط قسمت باید کرد وطوری باید به توپخانه

جاداده شود که دشمن را نگذارد بقدر مقدور پیش بیاید ونیز
بقدر امکان توپها را از نظر دشمن مخفی باید نگاهداشت وفاصله
توپها از هم نباید از ششصد ذرع زیاده باشد که بتوانند بزور هم
دیگر دشمن را دور نگاهدارند توپهای سبک را باید در پیش روی
خط جاداد بدلیل اینکه منزل گلوله آنها کمتر است ونیز باسانی
میتوان آنها را حرکت داد و توپهای سنگین را در نقاط داخله
باید گذاشت و هرگز نباید توپخانهٔ سنگین وسبک را داخل هم کرد
و فاصلهٔ این توپهای مختلف را باید بطوری ترتیب ومعین
نمود که بزرگی وکوچکی توپها از تیرهائی که بدشمن انداخته
میشود دشمن نتواند اندازهٔ توپ را بفهمد و توپخانه را
نباید در محلی جاداد که لابد از بالای سر قشون با دشمن
جنگ کند مگر درصورتیکه دشمن هر قدر نزدیک بشود وگلوله‌اش

دشمن را بگیرد و در چنین حالت عیبی ندارد و وقتیکه در جابین
قشون در میدان جنگ بجهت مساعدی محل و یا بجهت
کمی قشون ضعفی حاصل شود برای رفع آن باید توپخانهٔ سنگین را
در همین دیسا آن گذارد و چند دسته توپخانه بجهت امداد که اکثر آن
توپخانهٔ سوار باشد در عقب نگاهداشت که در وقت ضرورت
بجاهائیکه دشمن خیلی زوری آورد فرستاد و یا اینکه در وقت
برگشت قشون عقب قشون را نگاهداری نموده برگشت قشون ما را
و بدون اغتشاش بعمل آید و هیچ وقت این قاعده را نباید فراموش
نمود و آن این است در اول جنگ در یک محل مخصوص نباید توپ
زیاد جمع کرد با میشود دشمن بطمع اینکه از گرفتن امکان توپ زیاد و بدست خواهد آورد تمامی زور خود را دفعتاً به انجا صرف کند
که چنین اسباب عمدهٔ جنگ را بهر نحو باشد متصرف شود و حصول آن
مقصود برای دشمن میسر شود زیرا که حرکت دادن توپ و عوض کردن

جای توپ

جای توپخانه بعد از شروع بآتش نهایت اشکال را دارد اگر این
مقصود دشمن حاصل شد و چنین نتیجه از حرکت خود بدست آورد
باعث شکست و یا ضرر کلی برای هر طرفی که این قاعده را فراموش
نموده است حاصل خواهد شد و در هر حالت باید قورخانه را زیاد
ملاحظه نماید و آن وقت شروع به آتش کند که دشمن به تیررس
رسیده باشد و همینکه شروع بآتش کردید باید بدون دستپاچگی
و کم کردن دست و پای خود مادامی که ثمری بر آن مترتب است
به کمال چابکی و تندی مشغول تیراندازی پی در پی بشوند

فصل سیزدهم حرکت توپخانه در حالت حمله

در حرکت حمله و هجوم باید ملاحظه نمود که محل توپخانهٔ سنگین مساعد
باشد و بتوانند با آتش خود حمایت از حرکت توپخانهٔ سبک و توپهای
دیگر قشون که برای حمله نمودن بدشمن بسته‌اند بکنند در چنین حالت

بهترین محل برای توپخانهٔ سنگین طرفین امکان است که دشمن جا
گرفته است و بعضی وقت هم در صورت لزوم وسط خط قشون مناسب است
در هر دو صورت باید میان توپخانه و قشون فاصلهٔ زیادی گذاشته
شود برای اینکه دشمن بدون ترس آتشخانه خود را به طرف توپخانه
خواهد استعمال کرد اگر فاصلهٔ زیادی در میان نداشته باشند ممکن است
که قشون مزبور از گلولهٔ دشمن ضرر زیاد برسد بهمین دلیل سرقشونها را
در عقب توپخانه نباید جا داده شود و اگر مجبور باشند قشون را در عقب
توپخانه جا داد آن وقت باید پست و بلندیهای زمین را ملاحظه نموده
جای خود را قرار داد و یا اینکه قشون را در حالت نشستن وا داشت
که لا محاله ضرری که از آتش و گلولهٔ دشمن میتواند برسد کمتر باشد
و توپخانه که با ستون پیاده و سواره مأمور به حملات است باید بچند
دستهٔ قوی منقسم شوند بجهت اینکه در حین حالت عمل توپخانه مؤثر
بودن

بودن به یک نقطه مخصوص است که آن بدون آتش زیاد و خرابی کامل
بهیچ وجه بعمل نمی‌آید توپخانه را در یمین و یسار و یا در جلو ستونهائی که
مأمور حمله میباشند قرار میدهند و باید بحدی بهم دیگر نزدیک باشند
که اگر چنانچه از دشمن حمله بر آنها برده شود دست رس بهم داشته
حمایت از هم توانند نمود و آنقدر هم نزدیک نباشند که مانع
حرکت قشون خود شوند و توپخانهٔ مزبور باید نهایت چابکی و سرعت را
در حرکت داشته باشد که اگر ضرور شود از محلی نامساعد بمکان مساعد
حرکت کند در کمال تندی مقدور باشد همهٔ حرکات توپخانهٔ مزبور
باید به اتفاق هم باشد مگر چند توپ که همراه ستونها مأمور بحملات است

باب سیم در بیان محل نظامی و سایر مواضعی که جنگ اتفاق میافتد مشتمل بر هفت فصل

فصل اول در محل

محل نظامی عبارت از محلی است که قشون بتواند بآسانی در صورتیکه

عدد قشون مساوی دشمن نباشد همه حرکات جنگ را با فایده
بعمل آورد و در جنگ هجوم باید محل جنگ را بملاحظه خط اصلی معین کرد
و در جنگ مدافعه باید محل جنگ را بملاحظه حرکات دشمن مشخص نمود
و اگر بتواند در جا بین دشمن بدون خوف و ترس جا بگیرند که راه
آمد و رفت دشمن را منقطع سازند بهترین طرزهاست برای تعیین
کردن یک مکان مساعد صاحب منصبی که مامور این کار میشود باید سررشته
تام از فن جنگ و همه حرکات قشونهای مختلف چه برای حمله و چه
برای مدافعه و چه از حالت زمینی که برای اقسام قشون بجهت
حرکات مختلف آنها لازمست داشته باشد باید اول وسعت محل را
ملاحظه نماید جای امداد و پیش قراول در پیش رو و جا بینی بقدر
زمین باشد که بملاحظه قشون را جا بوده و بدون هیچ موانع استحکانه
خود پیش رود و آنجاها را که دشمن تواند نزدیک شود بگیرد
جای

جای دشتبان قشون را از این قرار مشخص نمایند که ذکر میشود
دشتبان یکفوج ۱۵۵ ذرع است از صف اول تا الی آنجا که
سرهنگ ایستاده است ۲۵ ذرع و فاصله میان دو فوج
۱۶ ذرع اسکادرن سوار سنگین که عبارت از ۵ فیلست
طول دشتبان آن ۵۰ ذرع اسکادرن سوار سبک که ۱۴
فیلست طول دشتبان آن ۵۵ ذرع و فاصله میان دو اسکادرن
۱۵ ذرع عرض تمام اسکادرن از سر اسب فرمان ده تا الی
سر اسب سلطان دویم ۱۶ ذرع دشتبان یکدسته توپخانه
که عبارت از شش عراده توپ است طول آن دشتبان
۷۸ ذرع است و فاصله توپها بهم دیگر وقتیکه شش اسب
بسته شده است ۱۳ ذرع و دشتبان یکدسته توپخانه سوار که
عبارت از شش عراده توپ است ۶۹ ذرع طول دارد

و فاصله میان قشون دیگر با توپخانهٔ مزبور ۱۲ ذرع است و در تشخیص
خط عرض میدان جنگ لازم است که محل پیش قراول و محل اردو
نیز منظور گردد و بنا براین برای میدان سی هزار نفر قشون لازم است
که دو هزار ذرع طولا و یکهزار و پانصد ذرع عرضا محل مشخص شود
که زیاده برین مکانی را دیده یک نفر سرداری تواند احاطه و تشخیص
نماید و در محل مزبور نباید هیچگونه مانعی از حرکت قشون بوده
باشد و باید که پیش روی دشتبان باز و راههای گشاده باشد
که قشون مزبور بتوانند بسهولت حمله بدشمن برد و همچنین عقب قشون
نیز راههای گشاده داشته باشد که در صورت اقتضا مراجعت قشون
بدون عیب و اشکال میسر شود اغلب اوقات برای اردو زدن
محل جاهای مرتفعی را که سرکوب سایر اطراف باشد انتخاب مینمایند
چون جانبین قشون همیشه بالنسبه ضعیف تر میباشد فلهذا باید
پیوسته

پیوسته حمایت و تقویت جانبین را منظور داشت که دشمن نتواند
باسانی ضرری از جانبین برساند بهترین جاها برای میدان
جنگ آنچنان محلی است که جانبین آن از صدمه و حملهٔ دشمن مأمون
و محفوظ بر حسب مکانیت قدری بلندتر و پیش روی آن اندکی رو
به نشیب باشد اگر مقدور شود که جانبین خط منتهی برودخانه یا بسنگهای
بزرگ شود که دشمن نتواند از آنها باسانی عبور کند یا انهارا مستحکم
نماید البته بهتر خواهد بود و اگر همچنین موانع میسر نبوده جنگل
یا قصبه بوده باشد باز میتوان در آنجاها استحکامات فراهم آورده
منتهای جانبین خط میدان جنگ قرار داد و اگر اینها هیچیک
مقدور نباشد آنوقت لازم است که قشون زیاد کار آید در جانبین
قشون جمع نمایند که بتوانند مقاومت بر ضد حملهٔ خصم

فصل دویم در محل مدافعه

وقتیکه منظور از تشخیص محل فقط مدافعه است درینصورت میباید چنین
محلی انتخاب شود که در هر وجه آن یکنوع معاودتی با دشمن
میسر بوده و برای دشمن تصرف آن بموجب با آسانی و بدون
صدمه زیاد مقدور نباشد و همچنین محل مزبور بنحوی باشد
که دشمن نتواند بیکجانب قشون اذیت رساند مگر اینکه از جانب
دیگر اذیت رسانیدن بدشمن بهتر میسر شده بجائی رسد که حالت
حمله بر دشمن حاصل آید ترکیب ایستادن و بکار واداشتن
قشون در حالت مدافعه بکلی مبنی بوضع و هیئت محل مدافعه است
قاعده کلیه در این باب نیست مگر اینکه تنها یک قاعده کلیه میتوان
گفت و آن این است که یک قشون مختلف را باید چنان جای ساعدی
پیدا و انتخاب نمایند که محل هر صنفی از قشون مزبور مناسب حال

آن صنف

قشون قلیل میتواند خود را بیکطرف دشمن مقابله کند که قشون
زیاد را بیجا یکی دفع آنها مقدور نشود و همچنین در اراضی پست و
بلند یا جائی که رود خانه و انهار باشد هنگام معاودت
صرفه با قشون کم خواهد بود هم در تعاقب بآنجاها پناه برده صولت
دشمن را میشکنند و هم خودشان را محافظت مینمایند و اگر ظاهر
شود که دشمن پیش می آید پیش قراول و مخبر از احرکت داده
همانجاهای مانعه را که میان دو قشون و در جانبین است میگیرند
و اگر همان قشون و مخبرین لابد از معاودت باشند تا رسیدن
خط دویم خودشان را جمع کرده کم کم عقب نشینند و لازم است نوعی
مراقب شوند که پیش روی توپخانه خودشان را نگرفته و مانع
حرکت قشون خط دویم نشوند و توپخانه نباید تیراندازی نماید
مگر وقتی که دشمن نزدیک آمده باشد در انحال باید تمامی زور

خود را بسته نمائی که دشمن برای حمله بسته بزنند و به توپخانهٔ دشمن
جواب ندهد مگر در حالتیکه زیاد آسیب رسانیده باشد و توپخانهٔ را
همه اوقات بجهت امداد سایر قشون دیگر بکار میبرند فی المثل
اگر خواهند که با سواره حمله نمایند باید توپخانه اول جای حمله را
باز کند آنوقت سواره حمله برد و یا اینکه قشونی که مشغول
جنگ است بخواهند پس کشیده قشون دیگر در جای آنها گذارند
باید دشمن را با توپخانه آنقدر نگاهداشت که این حرکت بعمل آید
و همچنین اگر خواهند نقطهٔ را که در سر آن جنگ زیاد شده تصرف
کنند و یا دشمن را از آنجا دور نمایند باز محتاج به توپخانه خواهد
بود چون در توپخانه تغییر و تبدیل و ترقی کلی حاصل شده و بدین
واسطه میتوانند در کمال تندی و جسارت امداد قشون دیگر نماید
لهذا بصاحب منصب توپخانه لازم است که پیش از وقت همه

جای

جاهای حرکت توپخانه را دیده و ملاحظه نماید که در وقت ضرورت
تأخیر و معطلی رو ندهد پیاده سنگین نباید که از خود بنای شلیک
کند اگر دشمن را پیشتراولان نتوانند از جای خود حرکت دهند
و نمایان شود که دشمن میخواهد پیش آید باید با همان پیاده
با ستون و یا با دشتبان حمله نیزه پیش کرد بجای آن پیاده
که به پیش حرکت کرده باید از قشون امداد که عبارت از خط
سیم است گذاشت اما قشون امداد را باید وقتی بکار برد که خیلی لازم
باشد مثلاً در عقب نشاندن دشمن از نقطهٔ که گرفته است یا در حمایت
قشون که میخواهد عقب نشیند باید سواره همیشه حاضر و منتظر ایستاده
باشد که دشمن نتواند از پهلو به پیاده حمله آورد و همچنین اگر در میان
دشمن اغتشاشی بهم رسد فرصت بدست آورده حمله برد
اگر چنانچه دشمن چند دسته قشونی بی کمک بیرون بفرستند

و یا اگر خط اصلی قشون خود را حرکت داده و ملاحظهٔ جانبین آنرا
نکند هرگاه آثار تزلزل از میان قشون دشمن ظاهر شود همان
آن باید سواره فرصت را فوت نکرده حمله نماید در حرکات
پیادهٔ نظام چه در عقب نشستن و چه در پیش رفتن سواره
همهٔ اوقات باید پشت سر پیاده را خالی نگذاشته و از حملهٔ
فوری دشمن محفوظ دارد و اگر دشمن را عقب نشاند بمقتضای
حالت مکان با سواره و یا با پیادهٔ سبک او را تعاقب نمود
سایر قشون خود را جمع آوری کرده حاضر و آمادهٔ آن باشند
که اگر دشمن برگردد در پیش آنها مقاومت نمایند و از معاودت
قشون موقوف بوقت و حالت است در وقتیکه با حرکت پله بخواهند
معاودت کنند باید اکثری از توپخانه در خطی که از همه نزدیکتر
بدشمن است میان فاصلهای فوجها و باقی در میان خط دویم

برای

برای مقاومت نمودن حملهای دشمن آماده باشند و سواره
در عقب خط دویم در یکطرف و یا در دو طرف باید باشند و اگر
عدد ایشان زیاد است باید فرصت نموده همه وقت برای حمله
بردن آماده شوند و وقتیکه قشون باتفاق میخواهند برگشت
نمایند باید قشون پشت بندی مامور نمود که عقب قشون معاودت
کننده را نگاهدارد و آن پشت بند را از شجاع ترین قشون
مشخص نمایند و این پشت بند موانعی را که در پیش روی بینند
در آنجا باید ایست نموده با دشمن مقاومت نماید و باید ملاحظه
کند که در هر مانع زیاده از آن که لازم است ایستادگی نماید زیرا
میشود که از قشون عمده خیلی عقب مانده از دشمن نسبت به او
ضرر کلی برسد در اراضی ناهموار باید با احتیاط زیاد حرکت
برگشت را نمود و خیلی دقت کرده متوجه حرکات دشمن شد

که دشمن از جانبین حرکت نموده ضرری نرساند و تعجیل در گرفتن
تنگه و گذرها باید کرد پیش از آنکه بتصرف دشمن آمده راه معاودت
قشون مسدود شود

فصل سیم حمله به محلی که در تصرف دشمن است

برکندن دشمن از چنین جا بدو نوع صورت میگیرد یا بزور حمله
ویا با حرکات مناسب فنون جنگ یکی از حرکات مزبوره است
که اولا با چند فوجی از قشون خود حمله بمحل مزبور میبرند وبعد از
اندک کوشش بدشمن چنین وانمود کنند که شکست خورده
ودر ظاهر با حالت پریشانی عقب نشسته به پشت قشون امداد
خود می گذرند که بدین واسطه دشمن از محل مزبوره حرکت
کرده پیش می آید و محل مناسب خود را ترک می کند دیگر اینکه
میتوان قشون را بسمت یکی از جانبین دشمن حرکت داده چنان
وانمود

وانمود ساخت که منظور گرفتن پشت دشمن است بدینجهت او لابد
شده برای حفظ عقب خود از آن محل بسمت عقب حرکت
میکند ولی این حرکت بسیار مخوف است زیرا همین احتمال در حق
قشونی که حمله میبرد نیز متصور است و ممکن است که دشمن بسبب
حملهٔ او عقب حمله آورنده را بگیرد و نتیجه برعکس بخشد برای
حمله بیک محل لازم است که اولا بدقت ملاحظه شود که کدام یکی
از نقاط آن پرزورتر و با مصرف تر است که بواسطهٔ فتح آنجا
دشمن مجبور بمراجعت خواهد شد این مقوله نقطه را کلید محل
مینامند که فتح آنجا را باید پیش نهاد خاطر ساخت بدیهی است
که دشمن هم بقدر قوهٔ خود در محافظت آن نقطه اهتمام خواهد کرد
بنابراین قشونی که برای حملهٔ آنجا معین میشود اقلا باید بقدر
مستحفظین آن محل قوت داشته باشند و همهٔ آنها از دلیران

و منتجان لشکر باشند و باز باید بدقت ملاحظه نمود که آتشخانهٔ
دشمن از کدام نقاط بکار محافظت نقطهٔ مزبوره می‌آید که درین
صورت تا آتش نقاط مذکوره باقی است حمله به نقطهٔ مقصوده
که عبارت از کلید محل باشد میسر نخواهد شد مگر با ضرر کلی همچنین
میباید بدقت ملاحظه نمود نقاطی را که بجهت ناساعدی زمین
و یا بجهت کمی قشون ضعف زیاد دارد و اکثر اوقات حمله بیک محل را
در یکدفعه زیاده از یکسمت غیر مقدور برای حمله غالباً انتخاب میکنند
نقطهٔ را که یکدفعه گرفته شدن آن موجب اخذ نتیجهٔ کامل میگردد
اگر احدی از جانبین دشمن متکی بمانع و پناهی نبوده باشد
البته آن طرف برای حمله مناسبتر خواهد بود و در بردن حملهٔ اصلی
میتوان چنان وانمود ساخت که به نقاط دیگر حمله میخواهند بنمایند
بدین واسطه دشمن را فریب داده از منظور اصلی خود خیالات

اورا

او را پرت میکنند که دشمن از نقاط دیگر قشون خود را به نقطهٔ
که حملهٔ اصلی برده میشود جمع نکنند این نوع حمله را حملهٔ کاذبه گویند
باید با پیش قراولان کرده شود و یا اینکه یکدسته قشون
مخصوص که عددشان نباید زیاده از ربع قشون اصلی باشد
و مرکب از هر اصناف قشون باشد مأمور باین کار مینمایند
که هم از همهٔ اصناف قشون برای حرکت هجوم در آن دسته
موجود باشد و هم در نظر دشمن جلوه‌گر شود حسابی از آنها
برد و پیش قراولان که همه مرکب از قشون سبک اند با
پیش قراولان دشمن ابتدا بجنگ مینمایند و در همه اوقات
ملاحظه میکنند که از اصل قشون زیاد دور نیفتند و اگر چنانچه
حالت زمین را درست نفهمیده باشند باید به امدادی
پیش قراولان از حالت آن محل درست اطلاع حاصل نمایند

و توپخانه در جائی باید ترتیب داده شود که توپخانهٔ دشمن را
درست بکوبد و راه حملهٔ قشون دیگر خود را نیز باز نماید
بحث حمله در اکثر اوقات پیادهٔ نظام را در دو ستون
قرار میدهند و قشون دیگر را با حالت پله نگاه میدارند این
طرز بهترین طرزهاست زیرا که در این صورت خطوط [illegible]
بهمدیگر میشوند و جانبین شان نیز محکم تر خواهد بود و قسمت از
توپخانه یا باهم و یا با حرکت پله در پهلوی ستونهای حمله آور
پیش میروند اگر پیش از ستون قشون دیگر است ستون [illegible]
بعد از اینکه صد قدم از او پیش افتاد و شتابان بار نموده بنای
شلیک میگذارند و توپخانه بیکطرف اند شتابان رفته [illegible]
شلیک میکند و اگر چنانچه حمله را با نیزه پیش خواهد نمود توپهائیکه
از همه نزدیکتر بدشمن است خود را العقب کشیده در مقابل

توپهائیکه در عقب است خود را حاضر نموده منتظر امداد نمودن
به معاودت پیاده میباشند که در صورت ثمر نبخشیدن حمله عقب
نشستن پیاده را حامی باشند و نگذارند که دشمن در تعاقب
ضرری برساند و اگر زمین مساعدت نماید اکثر منتخبین سوارها را
یا در جانبین و یا در عقب با ستون متعدد که از اطراف عدیده
به نقاط مختلف برده میشود اکثر وقت ثمری دیده نشده است
بهتر است که در همه اوقات حمله از یکطرف و به یکنقطه برده شود
و اگر از حمله نتیجه حاصل شد باید پیاده و توپخانه خود را ترتیب
داده آمادهٔ جنگ سازند که تحمل دشمن دوباره برگردد تعاقب
بعهدهٔ سواره و بعضی از پیادهٔ سبک است در صورت مراجعت
قشون معاودت نموده خود را در حمایت خطی که در پشت سر او
بود برساند توپخانه با آتش خود و سواره با حملهای پی در پی

ستونهای حمله جابجا [illegible] بهتر است از حمله [illegible]

خود باد اینکه قشون معاودت نموده در پشت خود راجع آوری
نکرده است دشمن را در دور نگاه میدارند و آنوقت معین می‌کنند
که بالکلی باید معاودت نمود و یا اینکه باز باید دوباره حمله کرد

فصل چهارم در اراضی ترن کوپ

ترن کوپ آن زمینی را گویند که رود خانه و انهار و محلهای ناصاف
وراههای بد مشکل بوده مانع حرکات قشونی باشد این قبیل
محل برای دفاع بهتر است تا برای حمله در چنین محلها حرکات
قشونی بطور دلخواه غیر ممکن میباشد فرمانده کل میباید حرکات
قشون را بعقل و کفایت زیر دست خود واگذارد و ترکیب عمومی
قشونی در چنین محلها باید حالت مجزا داشته باشند یعنی از
هم پاشیده جنگ نمایند و سواره را بندرت میتوان بکار برد
و در چنین جاها محل مساعد برای توپخانه خیلی کم اتفاق می‌افتد
دراین

در این صورت این دو صنف قشون را باید در جائیکه بقدر امکان
بهتر بنظر آید و بکار پیاده بر نخورد جابجا نمود و امداد و توپخانه
سنگین و سواره سنگین را در پشت سر قشونی که مشغول جنگ است
جا میدهند که هم در صورت معاودت قشون عقب قشون را میتوانند
نگاهداری کنند و هم اگر دشمن بخواهد از پهلو ضرری برساند
ممانعت نمایند در حمله و مدافعه عمده کار با پیاده نظام است
که بطور مجزا و با امداد چند عراده توپ جلو دشمنان بار نموده
جنگ نماید و توپخانه در اماکنیکه بحرکات او مناسب است
جا گرفته بقدر مقدور باید ایستادگی کند و سواره که بجهت ناصافی
زمین حرکت نمودنش غیر ممکن است در عقب قشون راهها را میگیرد
که در صورت مراجعت قشون دشمن را ممانعت از تعاقب نماید
دو وقتیکه نصف زمین ناهموار و نصف دیگرش هموار است

باید قشونی که در حالت مدافعه است نقاطی را که قشون دشمن میتواند
از آنجاها بمحل هموار بگذرد با امداد توپخانه محافظت کرده گذشتن
دشمن را به آن محل ممانعت کند و سواره را طوری ترتیب دهد
که در ناهمواریهای زمین خود را از آتش دشمن محافظت کرده و اگر
دشمن بزمین هموار بگذرد حمله به آنها داده راه گذر دشمن را
مسدود سازد و اگر فرصت خوب و با موقع بدست آید در همان
آن پیاده نیز با نیزه پیش حمله کند در عقب میدان جنگ در همه
موانع از قبیل جنگل و تل و انهار و غیره قشون سبک باید گذاشت
که در وقت معاودت قشون وجب بوجب مجادله نموده در هر یکی
از این موانع دشمن را معطل سازد برای نتیجه گرفتن در چنین
محلها خیلی لازم است که سردار از حالت و قوت قشون خود درست
مخبر باشد که تا چه پایه میتواند ایستادگی نماید در مغشوشی برگشت
قشون

قشون اگرچه کمال مهارت و کفایت را هم بخرج داده باشند باز
خیلی مشکل است که حرکت صنوف قشون طوری با هم متحد شود که بتوانند
امداد به همرسانند اگر دشمن در تعاقب چنان حرکت نموده که از
پهلوی آن میتوان حمله نمود باید بقوت تمام حمله برد و اگر خاطرجمعی
درست از قشون نداشته باشند نباید حمله برند که نتیجهٔ بد خواهد بخشید
در حمله بردن به چنین محلها بجهت احتیاط قشون امدادی را در دور
و در عقب قشونی که در تنگه مشغول جنگ است باید گذاشت که نگذارد
دشمن پهلوی قشون را بگیرد وقتیکه بهمین طور از پیش رفته نزدیک
به بیرون رفتن از تنگه میشوند باید قشون را کم کم جمع نمود که یکدفعه
با قوت بیرون روند در این حالت توپخانه و سواره قوت خود را
ملحق بقوت پیاده می نمایند و اگر بخواهند که نقطه را با حملهٔ نیزه
پیش از پیش بردارند باید ملاحظه نمایند که کجای آن نقاط برای

بردن حمله ممکن و آسان تر است توپخانه راه حمله را باز نماید و بوقت
حمله برده شود در همه این نوع حرکات احتیاط زیادی لازم است
و باید دقت و سعی نمود که قشون بدون فرمان گرم تعاقب نشده
خود را با مخالفت نگذارد که هرچه بدست آورده از دستش رفته
نتیجه بعکس بخشد

فصل پنجم محل جنگ در جنگل

از برای مدافعه در چنین محل اول باید کنار جنگل را با مجرا احاطه
نمود بجهت مجرا نیز امدادی باید معین و آماده کرد و توپخانه را
باید طوری ترتیب داد که همه راهها و گوشههای بیرونی را که از آنجا
دشمن میتواند بیاید سرکوب باشد و اگر بعضی از جاهای مجرا
ضعیف باشد میتوانند بعضی حایل و موانع در پیش رو ساخته
خود را از عقب آن جنگ نمایند و اگر لازم داشته باشد برای توپخانه
بتری

نیز سنگر کوچک ساخته میشود و اصل قشون را در جائی میگذارند که یک
پهلوی آن متصل بنوع موانع طبیعی مثل مرداب و غیره باشد و سنگرهای
کوچک مجرا که بطور مزبور از چوب ساخته خواهد شد حفظ پیش روی
قشون را نماید و توپخانه سنگین را قسمی ترتیب باید داد که سرکوب
راههای تردد دشمن باشد و براههای وسیع جنگل که بمحل دفاع
می آید باید خیلی قشون گذاشته محکم نگاهداشت و اگر ممکن و مقدور
شود لازم است که سنگرهای کوچک در مقابل راههای مزبور
ساخته کرده در میان کنار جنگل و اصل قشون اگر بعضی موانع
بهم رسد که دور و خالی از درخت باشد باید انها را غنیمت
شمرده در آنجاها سواره سبک و توپخانه سبک گذاشت که اگر
دشمن از انجا ظهور نماید بدشمن حمله کرده نگذارند که مکان و سنگری
در آنجاها بدست آورد و حمله در یک محل جنگل باید از زوایای

خارجی و داخلی برده شود توپخانه تا وقتی شلیک و اهتمام
خواهد کرد که قشون دشمن را ناچار بمعاودت نماید بعد با پیاده
حمله میبرند با این حمله که اصلی است بطور مهاجران و نیزه پیش با حملهای
کاذبانه که از اطراف برده میشود باید امداد نمود اگر از حملهٔ
نیزه پیش مقصود حاصل شد پیش از آنکه دشمن را تعاقب نمایند
قشون مزبور را لازم است از کم و کیف محلی که بدست آمده اطلاع
کامل بهم رسانند و چند عراده توپ در نقاط مناسب برای ملاحظهٔ
احتیاط گذارند که در صورت معاودت دشمن و برگشتن قشون
بکار خواهد آمد در تعاقب جسارت و احتیاط هر دو از لوازم است
مهاجرانها برای بیرون کردن کسانیکه از قشون دشمن در جاهای
سخت و پر درخت جنگل هستند حمله خواهد کرد و از عقب آنها چند
عراده توپ سبک و یکستون پیاده و یکدسته سواره باید فرستاده
شود

شود که در وقت ضرورت و احتیاج بامداد مهاجرانها پردازند و اگر
دشمن در جاهای معینهٔ خودشان زیاده ایستادگی نمایند از پیش
حمله بردن بآنها هم پر ضرر و هم محتمل حاصل نیامدن نتیجه است
پس در اینصورت بهتر اینست که با حرکات فنون جنگ حملهٔ اصلی را
از پهلو قرار داده در پیش رو نیز چند حملهٔ کاذبانه که آنها را مشغول
کند نمایند و اگر دشمن عقب نشیند تعاقب را با چند عراده توپ
و پیاده و سواره سبک کنند در چنین موقعها حرکات قشون
موقوف باقتضای محل است

فصل ششم محل جنگ در کوهستان

در چنین محلها اکثر اوقات جنگها مختصر و با قشون سبک میشود
این قبیل زمین برای حمله آوردن بهتر از مدافعه کنندگانست
زیرا که برای حمله از هر طرف میتوان رفت ولی برای دفاع باید در

طرف قشون گذاشت بدین واسطه قشون متفرق شده از زور می‌افتد
و قشونی که حمله‌آور است بهیئت اجتماع بوده همه زورش در یکجا
جمع میباشد پس در اینصورت دفاع محض در مملکت کوهستانی
غیرممکن است بهترین و ممتازترین شقوق مدافعه بلکه طرز منحصر
بفرد آن این است که در سر راهها و دهنه تنگها باستحکام تمام جا
گیرند و چنین محلی برای مدافعه و اقامت اختیار نمایند که از آنجا
بسمت مختلف که حمله و هجوم دشمن از آنجا ممکن است بسهولت و آسانی
حرکت کردن و پیش روی دشمن را گرفتن میسر شود و همچنین
در سر تمام گذرهای اصلی و واقعه در مقابل همان محل چند دسته
قشون قوی باید گذاشت که هم مراقب حرکات دشمن باشند و هم
با قوت تمامی که دارند با دشمن جنگ کرده بسبب ایستادگی خود
دشمن را مجبور سازند که طرح حملهٔ آنجا را بهر نحوی که بخیال خود گذاشته است

ظاهر

ظاهر سازد بعد از آنکه خیال دشمن مشخص شد قشون اصلی از محل خود
حرکت میکند برای آنکه خود را به نقطهٔ برساند که در آنجا بتواند از حالت
مدافعه بحالت حمله بیاید و دسته‌جات دیگر که در سر تنگها و گذرهای
سایره میباشند از سمت پهلوی دشمن حرکت کنند اگر ممکن باشد
که عقب دشمن را بگیرند اینحرکت را از پشت کوهها و راههای مخفی که
که در آنجا هم بسته نمایند وقتیکه مقتضی این باشد که در حالت مدافعه
باشند در یکی از آن درّه‌ها که مناسب‌تر است باید عرضاً و طولاً قشون را
ترتیب داد که هم پهلوی قشون اصلی خود را محافظت نمایند و هم
بتوانند آمد شد دشمن را مانع شوند حمله بردن بچنین محل مثل دفاع
نمودن بهمهٔ نقاط آنمحل با ستونهای متعدد حمله باید برده شود
و اصل قوت قشون بیکی از خطوط عمدهٔ دشمن باید حمله برد اگر منظور
دشمن دفاع است باید ستونها را جمع نموده باتفاق حمله برند و اگر

دشمن بنای حمله گذارد باید طوری کرد که از پهلو حمله برده و راههای
مراجعت دشمن را مسدود سازند که در آنوقت لابد شده بخیال
معاودت خواهد افتاد و باید در جانبین قشون مخبران ترتیب
داد که در بلندیهای جانبین حرکت نموده قشون از پهلوی خود
خاطرجمع شده بتواند داخل دره شود و باید با ملاحظه و احتیاط
زیاد پیش رفت که دشمن نتواند قشون را از پهلو گرفته ضرر کلی رساند
اگر دشمن بخیال حرکت اقدام نمود مخبرین باید وجب بوجب
جنگ نموده خود و محل را نگاهداری نماید تا اینکه امداد باو رسد
که با حملهٔ نیزه پیش قشون امداد دشمن را عقب خواهد نشاند
برای حمله باید در همه اوقات قشون را بطرز مخبرین ترتیب داد
و در چنین محلها سواره چندان بکار نمی آید و آنها را در عقب قشون
در سر راهها میگذارند چند دسته از سواران در آن اوقات بمقتضای
وقت

وقت و حالت با سواره و یا پیاده در پیش رو بکار میبرند
توپخانه را از راه بیرون نمیتوان آورد مگر چند توپ که مخصوص
کوهستان ساخته شده است که آنها را در بلندیهای جانبین جابجا
مینمایند اکثر وقت از آنها نتایج کلی حاصل شده است و بعضی
وقت لازم می آید که باید راه یورش باز شود و موانع بسیار که
دشمن در آنجا جابجا نموده است باید آنوقت با توپهای سنگین
موانع را کوبیده و راه حمله را باز نمود که قشون بدون ضرر کلی
بتواند حمله برد و توپخانهٔ سواره همیشه با مخبرین که مأمور جانبین دشت
مأمور میشود چون در همه وقت دشمن در مکان قشون اصلی خود
بعضی استحکامات عملی از قبیل سنگر و غیره ترتیب میدهد لهذا خیلی
با فایده است که همراه هر یکی از دستهها یک دسته از قشون مهندس
مأمور نمایند که در وقت ضرورت بکار برده معطل نمانند

فصل هفتم محل جنگ در نزدیکی رودخانه

در نزدیکی رودخانه چه برای ممانعت دشمن و چه برای گذشتن
خود میتوان جا گرفت وقتیکه برای ممانعت کردن دشمن است
که از رودخانه بگذرند باید بقدر امکان اهتمام نمود که در وسط
جا گرفته شود از هر جا که دشمن میخواهد بگذرد بتوانند خود را بآن
محل برسانند در کنارهای رودخانه طوری قراولها باید ترتیب داد
که متوجه از حرکات دشمن شده و راه آمد و رفت خود نیز با قشون
باز باشد همینکه فهمیده شود دشمن از فلان محل میخواهد بگذرد باید
در کمال تعجیل سواره و توپخانهٔ سواره را به آن محل فرستاد که مانع
از گذشتن دشمن شوند و اگر چنانچه وقتی برسند که قدری از
قشون دشمن از رودخانه گذشته است باید بدون تعجیل و فوت
فرصت بقوت تمام حمله داد اگر زمین مساعد است حملهٔ سوار

بهتر از

بهتر از همه است و اگر زمین نامساعد است باید سواره در آن
پیاده شود و بطرز مجری حمله دهد توپخانه وهنهای توپها را بطرف
دشمن نموده متصل و پی در پی دشمن را بکوبد و توپخانهٔ بزرگ را
باید طوری جا داد که توپخانهٔ دشمن را از پهلو بزند و آنها را
از انداختن توپ مانع آید و الا حرکت سوار غیر ممکن خواهد بود
نتیجه گرفتن از این حالت موقوف بطول دادن جنگ و مانع شدن
از فرستادن امداد دشمن است باید جنگ آنقدر طول داده
شود اصل قشون که در وسط بود بتواند خود را به امداد سواره و توپخانه
برسانند این حرکت را باید خیلی با تعجیل نمود که امداد هر چه زودتر
برسد بهتر است گذشتن رودخانه از پیش روی دشمن با احتیاط
از چیزهای بسیار صعب است در صورتی میتوان گذشت که از دشمن
ممانعت زیادی نشود وقتیکه میخواهند از رودخانه بگذرند باید پیش از

از عبور از چند جا چنان وانمود کرده که میخواهند از آن نقاط عبور کنند
که دشمن مشتبه و حواسش پرت شده درست نفهمد که از کجا عبور
خواهد شد بهمین جهة در اکثر وقت عبور از رودخانه را شب
می اندازند زیرا که این حرکت را اول شب بهتر میتوان مخفی نمود
در نقطه عبور بجهة اینکه مانع برای عبورکنندگان زیادتر از
دشمن باشد چند شرط لازم است یکی اینکه عرض رودخانه در آنجا
باید کمتر باشد زیرا که درست کردن پل در آنجا بسهولت و سرعت
دست میدهد دیگر اینکه در همان نقطه پیچی در رودخانه بوده
باشد که توپخانه را در کنار آن پیچ بگذارند تا طرف مقابل را
بهتر مسلط شده و محاذات پل را نیز درست بزنند که بدین واسطه
عبورکنندگان بتوانند پس از گذشتن پل در محاذی پل قرار گرفته
هم از حمله دشمنان مأمون بوده و هم در حمایت توپخانه خود باشند

وهم

و هم از ضرر توپخانه خود ایمن شوند و باید بدقت ملاحظه نمایند
توپخانه در محلی گذاشته نشود که توپخانه دشمن بطور فلنک یعنی
از گوشه تا یک گوشه دیگر توپخانه مزبوره را محاذی و مسلط باشد
و نیز در این طرف پل یعنی در محلی که قشون بآنجا عبور میکند رفع
موانع و پناهگاهها بوده باشد که عبورکنندگان بتوانند خود را
از صدمه توپ و سوار دشمن تا گذشتن تمامی قشون محافظت نماید
اگر نزدیکی محل عبور رودخانه جزایر بوده باشد که قابل گذاشتن توپخانه
و پیاده باشد باید آنجا را تصرف کرده توپخانه و پیاده در آن گذاشت
که از آنجا بهتر میتوانند بممانعت حمله خصم بپردازند خاصه در صورتیکه
جزایر مزبوره جنگل داشته باشد که در این صورت تصرف و قشون
گذاشتن در آنجا از واجبات میباشد دیگر اینکه وقت عبور از پل
بانظم زیاد و خاموشی تمام و بدون قیل و قال باید حرکت نمایند

و توپخانهٔ سنگین را باید در کنار پل چنان چپ و راست قرار دهند
که هم سر پل و هم مقابل پل را که محل اجتماع عبورکنندگان است
محافظت نماید و هم دشمن را از هجوم آوردن بر آنجایی که عبور کرده اند
ممانعت کند و اگر پس از گذشتن مجرای قشون پیش قراولان دشمن
از عبور اینها واقف شده هجوم آور شوند میباید بعض اتمام پیلگوق
قشون قراول و یلگوق قشون پیش قراول که از همه اصناف لشکر
بوده باشند پیش از سایرین از پل بآنطرف بگذارند که حمایت از قشون
مجرای مزبور نموده پشت سر هم سایر قشون نیز بامداد اینها برسد
این پیش قراولان میباید با کمال احتیاط حرکت نموده خود را
در حالت دفاع نگاه دارند زیرا که منظور از مأموریت ایشان
در این ماده فقط همین است که دشمن را معطل کرده فرصت عبور
برای بقیهٔ لشکر بهم رسد و قاعدهٔ عبور قشون از پل منتهی بحالت
دشمن

دشمن و بوضع محلی است که به آنجا عبور میشود غالباً از اینقرار است
که بعد از پیش قراول توپخانهٔ سنگین را عبور میدهند که در آنطرف
جا داده و شروع بشلیک کرده دشمن را از آن حوالی دور دارند
و بعد قشون پیاده و بعد سواره و بعد توپخانهٔ سواره را عبور میدهند
بعضی اوقات هم نظر به اقتضای حالت توپخانهٔ سواره و سواره را
پیش از همه عبور میدهند خوبی عبور بکلی بسته بخوب جا دادن
توپخانه است که بحمایت عبورکنندگان مقرر است و توپها را باید
بنقطهٔ بیندازند که دشمن بآن نقطه زور می‌آورد و وقتیکه میخواهند
از رودخانه عبور نمایند باید اینرا فهمید که اشکال در درست کردن
پل نیست زیرا بهر نحوی که باشد پل را بامداد توپخانهٔ خود که زیادتر
از توپخانهٔ دشمن باشد میتوان تمام نمود ولی عبور از پیش روی
دشمن که یقیناً تمامی زور و قوت خود را در ممانعت از عبور بکار

خواهد آورد اگر فریب ندهند امر عبور زیادتر مشکل خواهد بود اما بین
مشکل‌تر این است که در حالت برگشت وقتی که دشمن تعاقب نموده باشند
بخواهند از یک رودخانه عبور نمایند بسی مشکل خواهد شد که قشون را طوری
از رودخانه بگذرانند که ضرر کلی براو وارد نیامده بدون استیصال
و صدمهٔ زیاد خلاص شوند استخلاص قشون در چنین حالت همیشه
موقوف بصاحب‌منصب و علم اوست نقطهٔ عبور در چنان وقت باید
مثل نقطهٔ باشد که سابقاً در حالت حمله بیان شده است علاوه بر موانع
طبیعی باید بعضی موانع دستی نیز ساخت که دشمن را در دور نگاه داشته
نگذارند که وقت عبور قشون عقبی برای تعاقب آنها زیادتر نزدیک شوند
در چنین حالت باید پیش از حرکت هر نحو حیله که ممکن است بکار برده
این قدر وقت پیدا بکنند که لامحاله شش فرسخ با دشمن فاصله
داشته باشند توپخانه سنگین باید پیش از همه راه بیفتد که از رودخانه

گذشته

گذشته خود را در آن طرف جا بجا نماید که در وقت عبور قشون بتواند
آنها را حمایت کند و برای قشون معاودت کننده در وقت حرکت
باید پس قراول بسیار محکمی ترتیب داد که با قشون دشمن
مقاومت نموده نگذارد که دشمن در تعاقب زیاد نزدیک شود و پیش
قراولان عبور خود را بعکس آنچه برای حمله در پیش گفته شده است
بعمل آورند تشویش کلی در دست‌پاچگی است باید طوری قشون را
حرکت داد و بمحل عبور رسانید که موافق قاعده در وقت و نوبهٔ
خود بمحل عبور رسیده و بدون معطلی بگذرند مانع آمدن بعبور دشمن
از یک رودخانه که هم تنگ و هم از چند جا میتوان بدون پل از آن عبور
کرد باین نحو است اول باید بقدر امکان محلی را که دشمن میتواند
عبور کرد خراب کنند و بعضی سنگرهای کوچک در مقابل آن محل
بسازند چون در اکثر اوقات در چنین محلها دشمن توپخانه خود را

طوری ترتیب میدهد که آنجا را درست بکوبد لهذا چاره چنین است
که باید در طرف مقابل یعنی از آنجائیکه خواهند گذشت سنگها ترتیب
داده پیاده و سواره در آنجا گذاشته شود که در مدت عبور
تیراندازی نموده بمحض رسیدن دشمن باینطرف حملهٔ نیزه پیش
دهند و در حین حملهٔ پیاده که بلاحرف اغتشاش خواهد شد پیاده
بسنگر مراجعت نموده از مزغلهای سنگر در کمال تعجیل بجدی گشاد
مینمایند که سواره از آنجا گذشته حمله بدشمن کند خراب نمودن گذرگاه
رود خانه بچند قسم است یکی آنکه سنگهای بزرگ به آنمحل میریزند ویا آنکه
تیرها بته رود فرو میکوبند بهترین طرزها این است که کنار آنجارا
سراسر خندق بکنند از برای عبور دادن قشون خود از چنین محل
باید اول از عرض وطول و عمق آن درست مطلع شد اکثر اوقات
در کوهستانات سنگهای زیاد پیدا میشود اگر این مانع را رفع
نمودن

نمیتوان نمود باید از آنمحل دست کشیده و آنجا را محل عبور منظور نکرد
بهترین گذرها برای عبور محلی است که ته رود خانه ریگ بزرگ باشد
ته رود خانه در ممالک زراعت کرده شده اکثر اوقات ریگ ریز
و متحرک است واین برای سوار خیلی بد و با احتیاط است عمق گذر
یک رود خانه برای سوار نباید زیاده از یکذرع و یک چارک باشد
برای توپخانه سه چارک و برای پیاده یکذرع اگر جریان رود خانه
خیلی تند باشد زیادتر از سه چارک عمق نباید برای عبور پیاده
اذن داد که با خطر خواهد بود قرار عبور قشون این است که پیاده
پیش از همه عبور مینماید بعد توپخانه و بعد سواره پیادگان در وقت
گذر باید از دست همدیگر بگیرند و با پیاده چند نفر سوار از بالا و پائین
باید عبور نمایند که هم جریان آب کمتر خواهد بود و هم در وقت ضرورت
امداد به پیاده خواهند کرد و نتیجهٔ عبور از این گونه گذرها بسته

بجرئت و جسارت قشون طرفین است و گذر نمودن بواسطهٔ حمایت
توپخانه همیشه سهل و آسانست

باب چهارم در بیان پیش جنگ و پیش قراول مشتمل به پنج فصل است

فصل اول محل گرفتن پیش جنگ

برای قشون اصلی مخفی داشتن مکان و حالت خود از دشمن از جملهٔ
واجباتست زیرا که در اینصورت دشمن مجبور میشود که در حرکت بعضی
احتیاطها نگاه دارد و پیش از حرکت خود از هر محلی که خواهد گذشت
درست بشناسد و از ترس اینکه مبادا اغفلتاً ضرری باو برسد دشمن را
از اقدام به بعضی حرکات جسورانه که بتواند ضرری بقشون برساند
مانع خواهد بود برای تحصیل چنین حالت فیمابین قشون اصلی خود و طرفی
که آمدن دشمن از آنجا متصور است یکجوق قشون که آنرا پیش جنگ
مینامند میگذارند و هر جوقهٔ قشونرا که از اصل قشون جدا شده باشد

خواه در وقت حرکت که راهنمای قشون باشد آنرا پیش جنگ مینامند
پیش جنگ کمقشون عمده باید از همه صنف قشون داشته باشد و قدر آن
پیش جنگ موقوف به قدر قشون اصلی و بمقاومتی است که خواهد کرد
و همچنین موقوف بوسعت زمین است که باقتضای آن باید قشون پیش جنگ
و پیش قراول در پیش رو و در یمین و یسار ترتیب دهند عدد
پیشجنگ از یک ثلث تا یکخمس قشون اصلی میتواند بود وقتیکه قشون
اصلی زیاد است و محل هم چنان است که پیش قراول زیاد لازم است
باید عدد قشون پیش جنگ را زیاد کرد زیرا که باید ثلث و بلکه نصف
قوت خود را به پیش قراولی صرف کند در قشون قلیل که عبارت
از سه چهار هزار کس باشد یکجوق قشون را همین به پیش جنگی مامور
میتوان نمود مقصود کلی ازین مأموریت این است که در هر صورت
اینقدر قشون مأمور نماید که مقاومت بدشمن نموده نگذارد که دشمن

شناسایی محل و اوضاع حاصل نماید که ممانعت آن بیشتر از اندازه
لازم است و بعضی وقت هم باید قشون پیش جنگ اگر لازم باشد
بحالت حمله درآید که دشمن اطلاعی از حالات و حرکات قشون پیدا
نکند در حالت مدافعه پیش جنگ و پیش قراولان باید با آرامی و با احتیاط
معاودت نمایند که قشون اصلی وقت داشته باشند برای مدافعه خودسازی
نمایند وقت حمله حرکات پیش جنگ باید خیلی تند و سخت باشد
و از هر طرف باید بهیئت اجتماع حمله برند که تزلزلی بمیان دشمن
بلکه اگر ممکن شود تفرقه درمیان صفوف ایشان اندازند و وقتیکه
اقامت بمحل منظور است باید همه موانع و پناهگاهها را که در پیشرو
و دور جانبین آن اتفاق افتاده است نگاهداشت که بواسطهٔ آن موانع
چه در حالت حمله قوت قشون خواهد افزود از چنین موانع نباید مدافعه و چه در حالت
باسانی بیرون روند مگر در صورت مجبوریت زیرا که اگر بعد از
بیرون

بیرون رفتن از موانع مزبور لازم شود که دوباره انجا را تصرف
کنند ضرر تسخیر آن زیادتر از ضرر نگاهداری خواهد بود و اهتمام
زیاد باید نمود که محل پیش جنگ و پیش قراولان مناسب بحرکات
و مأموریت خود باشد باید در محلی جا گیرند که از آن محل هم باسانی
بتوانند از حرکات دشمن مطلع شوند و هم مانع از شناختن دشمن
از حرکات قشون و محلی که در آنجا قشون اصلی خود جا گرفته است
باشند و هم درست متوجه شوند که از پیش رو و از جانبین دشمن
بقشون غفلتاً ضرری نرسد در حقیقت اصل مأموریت پیش جنگ
عبارت از همینهاست اگر چنانچه بجهت این ملاحظات مجبور شوند
که پیش قراول را زیاد نموده دیگر نتوانند بحملهٔ پرزور دشمن
مقاومت کنند بهتر اینست که خود را عقب کشیده در اینصورت
باید متوجه باشند که دشمن خود را بمیانهٔ پیش قراول و امدادی آن

داخل کنند باین نحو که در عقب در یکجای مناسب پیش قراولان با امداد
خود ملحق و جمع شده مرتب میشوند اگر دشمن بملاحظه حرکت میکند
حمله داده از پیش بر میدارند در جنگ پیش قراول خیلی احتیاط
و نظم لازم است و بهمین جهت بی‌مبالاتانه نباید از پیشجنگ پیش قراول
مجزا نمود و همچنین از قشون اصلی پیش جنگ و قشون تازه به امداد
محلی که دشمن حمله آورده است نباید فرستاد وقت خود مشخص
میکند که چه باید کرد در اصل قاعده کلیه اینست که نباید قوت قشون خود را
برای محلی که بالطبع ضعیف است صرف نمایند اگر قشون پیش جنگ
نتوانند با قوت خود خود را در حالت مدافعه نگاهداشته و حفظ
نماید بهتر اینست که خود را با نظم تمام عقب کشیده قوت خود را با قوت
قشون اصلی مجتمع ساخته باالاتفاق دشمن را عقب نشانند
عمل پیش جنگ مجزا بودن از حرکات دشمن و مشغول ساختن او است
که قشون

که قشون فرصت کرده خود را حاضر بحمله نماید حمله بردن پیش جنگ
نه من باب اینست که از حمله خود منفعتی بردارد و یا اینکه دشمن را
شکستی دهد باید قشون پیش جنگ را از قشون سبک مشخص کنند
این نوع قشون در دست یک سردار کاردان و با احتیاط در شدت
راحت قشون محبوب میشود بدون معطلی حاضر شده دشمن را
از هر طرف مجبور برعایت احتیاط خود و حفظ عقب و جوانب خویش
میسازند و این معنی متضمن خستگی و کوفتگی دشمن میگردد و قشون
اصلی به برکت این قشون پیش جنگ همیشه آسوده و تازه نفس و آماده
کارهای بزرگتر میشود

فصل دویم در خصوص قراول و پیش قراول مشتمل به شش فقره

فقره اول در قراول

در توقف و همچنین در حرکت مأموریت دستجات قراول بیک طرز است

اوّلاً اینکه درست از حالت دشمن اطلاع بهم رسانیده و بهر نحوی
که ممکن است قوّت حالت محلّ و حرکت دشمن را کما ینبغی بفهمند و وقت
حملهٔ دشمن آنقدر او را باید معطّل ساخته در دور نگاهدارند که قشون
اصلی برای مقاومت دشمن خود را آماده سازد اگر مأموریت
دستجات قراولان درست و با نظم کرده شود قشون اصلی همه وقت
حاضر و آسوده بوده بغیر از قراولی معمولهٔ خود کار دیگر نخواهد داشت
در این صورت بجهت کثرت عدد زود زود عوض میشود بهر نفری
وقت بسیار کم خواهد رسید و هر کس استراحت لازمهٔ خود را خواهد
نمود و مأموریت دستجات قراولان نگاهداری پیشرو و جانبین
دشمن است و حمله دادن و مقاومت نمودن نیز در بعضی اوقات
برای آنها اتفاق می افتد و همچنین باید در همه وقت از حرکات
و خیالات دشمن مخبر شوند لهذا آنها را در سر گذرهائیکه محتمل آمدن
دشمن است

دشمن است میگمارند برای این کار بهترین شقوق اینست
که پیش قراولان را بطور قطاع الدایره ترتیب دهند خطّ وتری
آن که بسمت خارج و بزرگی قوس دایره خواهد بود آنخط را خطّ
پیش قراول مینامند و فاصله در میان هر یک از دستجات
پیش قراولان و همچنین در پیش روی آنها تک قراول نیز
میگذارند که احدی از آنجاها نتواند عبور کند مگر اینکه آنها ببینند و خطّ
دویم را که آنهم خطّ قوسی و بسمت داخل دایره و متوازی بخطّ اوّل
و از آن قدری کوچکتر خواهد بود خطّ قراول بزرگ مینامند که جمعیت
آن زیادتر و نزدیک بهم و در سر گذرهای راههائی خواهند بود
که از محلّ پیش قراولان بسمت قشون اصلی میگذرد و منفعت این قراول
بزرگ آنست که برای هر یک از پیش قراولان اگر کمکی لازم شود باشتاب
و زودی برسانند و اگر مقتضی شود که پیش قراولان برگردند با آنی

وسهولت خودشان را بقراولان بزرگ ملحق سازند همچنین
خط سیمی نیز قرار میدهند فیما بین خط دویم و محل قشون پیش جنگ
و اسم آنخط را پیکه میخوانند و پس آنخط که کوچکتر از خط دویم و بعد سوا خط
جمعیت آن زیاد نزدیک بهم و بجهت قوت و جمعیت زیادتر از آنها
بوده و در سر گذرهائی میباشند که از خط اول و دویم بسمت قشون
پیش جنگ میگذرد و فایدهٔ این آنست که اگر کمک و تقویت بدو خط اول
و دویم لازم آید بزودی از آنها فرستاده شود و اگر آنها اراده
مراجعت نمایند زودتر خود را بایشان رسانند و علاوه بر اینها بعضی
دسته‌جات گزمه قرار میدهند که فیما بین گذرهای خط اول و دویم و سیم
تردد داشته احوالات خط اول را بثانی و حالات خط ثانی را بثالث
رسانیده و بدین واسطه آنها از احوال یکدیگر همیشه واقف و مستحضر
میباشند آئین گزمها باید تا پهلوی تک قراولان پیش روی خط اول
نیز

نیز رفته از حالات آنها و مواظبت ایشان بامر قراولی خودشان
مخبر شوند این طرز خوبی که ترتیب داده شده است دو منفعت دارد
یکی اینکه از احوالات دشمن آناً فآناً آگاهی حاصل میشود دیگر اینکه
در وقت حمله میتوانند بهمدیگر امداد رسانند

فقره دویم در تکلیف پیش قراولان

تکلیف پیش قراولان و قراولان بزرگ که عبارت از خط اول
و دویم باشد همین است که از حالات دشمن آگاهی حاصل کنند و اگر
بر حسب اتفاق حرکت جسورانه از آنها ناشی شود از قبیل حمله نخواهد
بود بلکه فقط امتحان زور دشمن خواهد بود و هیچوقت نباید از ملاحظهٔ
حالات دشمن تغافل کنند و لیکن به مامورین خط سیم پیکه لازم است
که وقت ضرورت مقابله با دشمن نموده آنقدر پیش روی دشمن را
نگاهداری نماید که قشون پیش جنگ خود سازی کرده آمادهٔ دفع

دشمن شود و در تعیین محل پیش قراول لازم است که دقت کرده
چنین جائی مشخص نمایند که پارهٔ موانع و پناهگاهها داشته باشد
که پیش قراولان بتوانند بواسطهٔ آنها زیست و دوام کنند و همچنین
فیمابین دستجات پیش قراولان مراوده بوده باشد که از حالت
خود واقف باشند و فاصله مابین خط پیش قراول و خط یکم یعنی فاصله
مابین خط اول و سیم بسته بوضع زمین است اگر مسطح و هموار باشد
فاصله زیادتر میشود و اگر پست و بلند و ناهموار باشد فاصله کمتر میشود
ولیکن غالبا فاصلهٔ این دو خط بقدر یکنیم فرسخ میباشد اما در محلی
که بنا بتوقف است و همچنین در محلی که از دشمن بغلبه و زور انتزاع شده است
فاصلهٔ دو خط مزبور را قدری زیادتر میکنند که بدینواسطه آسودگی
قشون زیادتر گردد و پیش از تعیین محل پیش قراول لازم است
که تمامی راهها و گذرها و تنگها و معبرها و نهرها و همچنین جاهائی را

که دشمن

که دشمن میتواند از آنجاها غفلتا سر در آورد و یا میتوان در آنجاها برای
حمله و خرابی دشمن جوقی گذاشت بدقت ملاحظه نموده و از تمامی آنها
از روی بصیرت آگاه شده بقدر امکان چنان محلی برای پیش قراولان
منتخب نمایند که بسبب پارهٔ موانع طبیعی آنها خود را در حالت دفاع
نگاهداشته و بتوانند از حالات و حرکات دشمن آناً فآناً مستحضر شوند
و محل قشون در نظر دشمن مخفی و پوشیده باشد و اگر چنین
محلی برای پیش قراول بهم نرسد لابدا باید پاره موانع دستی که
متضمن همان نتیجه بوده باشد قراولان ترتیب دهند جناحین
پیش قراولان نیز لازم است که متصل بیک مانع طبیعی بوده باشد
و اگر در آن نزدیکی چنین مانعی بهم نرسد لابدا باید یک دسته بزرگ
از صنف سوار یا از صنف پیادهٔ سبک در عوض آن در جناحین
پیش قراولان بگذارند و فیمابین این دستجات موانع و طرف دشمن

بعضی گزمها قرار دهند که آنها نیز برای این دستجات موانع [illegible]
پیش قراول محسوب کردند عده هر دسته پیش قراول موقوف
بفاصله فیمابین همدیگر و ترکیب زمین و عده تک قراول است
که از هر کدام این دستجات باید گذاشته شود و پیش قراولان که از
قراول بزرگ مجزا شده اند بقدر مقدور باید از قراول بزرگ
مخفی باشند و همچنین تک قراول از نظر دستجات پیش قراولان
مزبور و اگر بجهة ناساعدی زمین این حالت میسر نشود باید فیمابین
دستجات پیش قراولان یا تک قراولان تک قراول علاحده
ترتیب دهند که آن تک قراولان مزبور از حالت دستجات
پیش مجزا شده نزودی بدستجات عقبی خبر دهند که بدین واسطه
از حالت همدیگر مطلع شوند اگر آن دستجات پیش قراولان پیاده
باشند نباید زیاده از ششصد قدم فاصله از هم داشته باشند

ولی

و تک قراول نیز از ششصد قدم زیاده نباید فاصله داشته باشد
اگر پیش قراولان را از سواره منتخب کرده اند میتوانند تا هزار و پانصد
قدم فاصله فیمابین همدیگر بگذارند و ششصد تا الی هشتصد قدم تک
قراولان آنها میتوانند فاصله داشته باشند هر دسته پیش قراول
باید چهار مقابل از تک قراولان که خارج فرستاده شده است
زیادتر باشد

فقره سیم در بیان تک قراولان

تک قراولان را در پیش رو و در محیط و در جاهای مناسب باید طوری
ترتیب دهند که خود از نظر دشمن مخفی بوده و دشمن را در مد نظر
داشته باشند چون اصل مأموریت آنها مانع بودن از عبور آن خط است
لهذا باید طوری برای آنها جا گیرند که فیمابین خود و پیش قراولان را
دیده و بتوانند هر کسی را که بخواهد از آن خط عبور کند ممانعت نمایند

در شب و روزهای تاریک که هوا را مه گرفته باشد باید تک قراولان را
علاوه نموده و نزدیک تر به پیش قراولان گذاشت

فقره چهارم در قراول بزرگ

چون از قراول بزرگ دستهای پیش قراولان را مجزا می نمایند
هنگام ضرورت نیز باید امدادی بآنها برسانند لهذا نباید زیاده
از ثلث آن بخارج مأمور شود قراول بزرگ را در ره گذرهای عمده
که بطرف قشون امداد میرود میگذارند که در وقت معاودت بتوانند
خود را بامداد خویش برسانند قراول بزرگ مزبور را اگر پیاده
باشد دویست قدم و اگر سواره باشد ششصد قدم در عقب پیش
قراولان باید جا داد فیما بین او و پیش قراولان نباید هیچ مانعی
باشد اگر چنانچه بعضی موانع بوده حالت زمین مساعد نشود
و برای دشمن آسان بوده باشد که خود را داخل عقب پیش قراولان

نماید

نماید در آنوقت باید از آنطرف موانع و یا از این طرف موانع و محاذات
پیش قراولان مزبور را ترتیب داد و اگر موانع مذکور خط قراولان را
قطع نکند اینطرف بهتر است و اگر قراول بزرگ از دشمن احساس حمله کند
باید در همان آن به سرکرده خود اطلاع دهند چنانچه او در خود قوتی
در حالت مناسبتی مشاهده کند حمله میدهد و الا تا رسیدن امداد
خودداری نموده منتظر امداد خواهد بود قراول بزرگ را هیچوقت نباید
بمحل مسطح که سوار دشمن بتواند حمله برد مأمور نمود اگر مجبوراً مأموریت
پیدا کنند باید سنگرهای کوچک در دور خود بسازند و بقدر امکان
احتیاط کنند که پشت ایشان بجنگل متصل باشد تا جای آنها را
قرار دادن در محلی که دور آن را در تصرف خود دارند بهتر است

فقره پنجم در بیان پیکه

خط سیم که او را پیکه نیز گویند یکدسته قشون مجزا شده از قشون

پیش جنگ است مأموریت آن امداد نمودن به پیش قراول و قراول
بزرگ است خط مزبور را در گذرهای خیلی عمده که بطرف پیش جنگ
میرود باید گذاشت اصل عمل او نگاه داشتن دشمن را در دورتر است
و باید آنقدر قوت داشته باشد که بتواند ممانعت زیادی از دشمن
بکند و در این صورت لازم است که در محل آن خط مزبور بعضی موانع از قبیل
دره و تنگه پیش از جا دادن به او منظور نمود که بتواند بطور دفاع
بخوبی مقابله بدشمن کند اگر چنان محل بهم نیاید باید بعضی موانع
غیر طبیعی که فرصت ساختن آنها ممکن باشد از قبیل سنگر و جان
پناه بسازند محل خط مزبور باید در وسط فاصلهٔ خط پیش قراول
و خط پیش جنگ باشد از خط نیم چند جوقه قراول مجزا نموده در میان
خود و قراول بزرگ میگذارند که در وقت ضرورت امدادی بقراولان
مزبور نیز بکند و اگر فاصلهٔ خط پیکه و قراول مذکور زیاد باشد بعضی

دستهای

دستهای قراول ترتیب میدهند که بتوسط آنها از حالات پیکه که دورتر
مخبر میشوند و باید بهیچوجه از ساختن سنگرهای زیاد در میان دشمن
و محل پیش جنگ مضایقه نمود و بخصوص در آن گذرهائی که از پهلو بطرف پیش جنگ می‌آیند اما از آنها بکلی
دشمن
بدون ضرر کلی نمیتوانند حمله برد چندان لازم نیست و اگر در میان
پیش قراولان و پیش جنگ تنگه و یا زمین ناهموار بوده باشد که
دشمن از گرفتن آن راه معاودت پیش قراول را امید و بسازد باید
در چنین محل یکدسته قشون گذاشت که هم اینطور اتفاق نیفتد و هم
معاودت پیش قراولان اگر لازم شود بی صدمه باشد

فقرهٔ ششم قوت و عدد قراولان

قوت و عدد دستهای قراولان و عدد قراولان دستهای پیش رفته
و قوت قشون پیکه و قراول بزرگ و پیش قراول همه موقوف بمحل و بهیئت است
که تا چه پایه برای دشمن مساعدت کند بندرت اتفاق می‌افتد که در همهٔ آن محل

اینقدر قشون گذاشتن ممکن شود که بتوانند به محافظت آنجا کفایت کند
نوبت پیکه را باید موافق اقتضای محل و زمین ملاحظه و مانعی که بدشمن
خواهد کرد ملاحظه کنند و قلعه‌که در دفاع باید خیلی ایستادگی نماید اگر اوقات
آنها را بچند صد نفر که از همه اصناف قشون باشد قرار میدهند قراول بزرگ
و پیش قراول و همه گزمها باید زیاده از ثلث قشونیکه از او مجزا شده
باشد گزمهارا از سواره و از پیاده مشخص میکند تعیین آن نیز موقوف
بترکیب زمین و پست بلندی اشکالات آنست توپخانه را بندرت
در پیش قراولی بکار میبرند مگر یکدو عراده که بجهت نگاهداری تنگه و گذر
واقعه در پیش رو عدو آن و دسته‌جاتیرا که توپها در میان آنهاست
باید علاوه نمود که هم حافظ توپها و هم جای معاودت آنها باشند
و اگر بجهة ترکیب زمین مجبوریت بهم برسد که همه پیش قراولان
پیاده باشند باز باید قدری سوار بعنوان گزمه تعیین نمایند

که در پیش

که در پیش روی آن محل بوده هر چه اتفاق بیفتد قشون عقبی را
مخبر سازد و قلعه‌که و دسته‌جات مجزا شده خط سیم با پیکه بجهة مانع
بودن دشمن از پیش آمدن جنگ میکنند باید جنرال پیش جنگ با قدری
توپخانه و قشون پیش جنگ در نقطهٔ وسط در پشت سر پیکه
آماده ایستاده باشد که اگر دشمن خیلی زور بیاورد امداد به
دسته‌جات مزبور نماید خوبی این محل از لوازم است زیرا که نجات
پیش قراولان و بلکه کل قشون در اکثر وقت بسته به این محل است
بعد از آنکه جمیع دسته‌جات در محل خود جابجا شدند آنوقت تکلیف صاحب منصب را
در باب معاودت بنقاطی که لازم خواهد بود باید بگویند از قبیل
اینکه دسته را کجا بیاورد و از کدام راه باید بیاید و چه اشارت
بجهة بیان نمودن حرکت پیش آمدن دشمن کنند و در کدام
محل باید بعد از ملحق شدن بقشون امداد خود جا گیرند صاحب منصبی

که مأمور بفرماندهی پیش قراولان است باید خیلی زیرک و رشید
و با بصیرت باشد و باید یک دوربین خوب و نقشهٔ آن مملکت و چیز
برای نوشتن لازم است همیشه همراه خود داشته باشد و باید شناسائی
آن محل را قبل از آنکه سربازان خود را جابجا نموده است حاصل کند
و هر قدر ممکن باشد شناسائی محل مزبور را دورتر نماید بهتر است
و هرکسی از اهالی آن ملک دچار او بشود باید در کمال تحکّمی احوالات
آن محل را از او سؤال نماید همین که محل را مشخص نمود نصف سربازان
خود را برداشته و آنها را یکی یکی در محلی که قراول لازم است
بگذارد و صاحبمنصب یکدسته اگر بخواهد در محل قراولان که پیش
از او بوده است تغییر و تبدیلی بدهد باید در همان وقت بفرمانده خود
که در میان قراول بزرگ در عقب همان دسته است اطلاع دهد
و وقتیکه صاحبمنصب ببیند دشمن از دستهٔ مزبور دور است
باید

باید بتوسط گزمه همه راهها را که بطرف دشمن میرود بجیده
و در فهمیدن حرکات دشمن بهیچ وجه فروگذاشت ننماید
از آتش اوجاقها و صدای اردوی خصم و گرد ایشان جبال
و حرکت دشمن را استنباط نماید و ماحصل آنرا بخط خانا و بطور
اختصار آنچه که خود دیده و آنچه که از دیگران شنیده بفرمانده
قشون قراول بزرگ را پورتی نوشته بفرستد و باید زیاد دقت
کند که هیچ آمد شد از دشمن با آن خط نشود و هیچ فرستادهٔ از آن
خط بدون اذن فرمانده کل نگذرد و صاحبمنصب دستهٔ مزبور
نباید اذن دهد که همه سربازان بهیئت اجتماع مشغول غذا خوردن
شوند و همچنین بهیئت اجتماع استراحت کنند اسبان را یکی یکی و دو دو تا
دو تا آب دهند و در شب نصف دسته مسلح و نصف دیگر اسلحه
در نزد خود به استراحت مشغول باشند و هرگز نباید اذن داده شود

که در خانه منزل نمایند و اگر بجهة برودت هوا لازم باشد
که آتش بیفروزند باید بقدر مقدور آتش را مخفی دارند نصف
سربازان در دور آتش و نصف دیگر از آتش قدری دورتر
ایستاده آماده جنگ باشند در یک محل که مدتی توقف خواهند کرد
اگر آن محل کوهستان باشد باید گاه بگاه بلکه هر روز جای پیش قراولان را
عوض نمایند روزها در بلندیها که دور را بهتر میتوان دید و شبها
در پستیها که حرکات بالای کوه بهتر مشاهده میشود پیش قراولان را
باید گذاشت و صبح خیلی زود باید پیش قراول را عوض نمود بجهة آنکه
دشمن اینکه اکثر اوقات برای حمله دادن به پیش قراول همان
وقت را معین میکنند و در این صورت میتوانند به پیش قراولان جدید که بجهة
عوض آورده شده است امداد شوند و بهمین ملاحظه تا اینکه
از گزمها خبری صریح نیاید که هیچ نقلی نیست پیش قراول قدم

از

از جایش حرکت نمی کند قاعده کلیه این است که هرگز پیش قراول
نباید از پیش روی دشمن که از خودش ضعیف تر است معاودت
کند اگر دشمن زیاد و مقابله غیرممکن است باید در یک وقت بدون
نزدیک شدن با برخی حرکات دشمن را بقدر دور نگاه دارد
تا اینکه قراول بزرگ تدارک خود را دیده آماده جنگ شود اگر
از حرکات دشمن قوت زیاد مشاهده شود باید صاحبمنصب پیش
قراولان را خواسته بطور مجزا از خود در عقب کشیده بقراول
بزرگ برساند و قراول بزرگ دو قسمت شده یکی در عقب بجهة
امداد به معاودت قشون جا گرفته و دیگری پیش رفته هم امداد
به پیش قراول مزبور نماید و هم از حالت دشمن مطلع شود بعد
قراولان معاودت خود را بمیان پیش قراولان و پیش قراولان
بمیان قراول بزرگ باید از سمت پهلو بکنند که اگر بقراول بزرگ

لازم آید که به پیش حرکت نماید ایشان در پیش رو مانع حرکات
انها نشوند مقاومت پیکه موقوف به منظور و عمده بودن محلی است
که دارند ولی در هر صورت مادامیکه قراول بزرگ و پیش قراول
و تک قراولان به او نرسیده اند نباید از محل خود بعقب نشینند
و در شب لازم است نهایت احتیاط را نگاهداشته در حرکات
حزم را از دست ندهند و اگر صدائی از طرف تک قراولی بیاید صاحب منصب
ماموره به پیش قراولی باید قدری از دسته خود برای فهمیدن
سبب صدا برداشته خود را به تک قراول برساند اگر دشمن است
که میخواهد پیش بیاید و مقابله بی فایده است باید با آرامی و احتیاط
تمام خود را بقراول بزرگ برساند و اگر چنانچه از کم احتیاطی صاحب منصب
دشمن غفلتاً بسر دسته بریزد باید در عوض بی احتیاطی که از او سر
زده است خود را بصف دشمن زده از میان صف راهی برای
خود

خود باز نموده بقشون عقبی خود ملحق شود

فصل سیم در خصوص پیش جنگ در حال حرکت مشتمل به چهار فقره

فقره اول در رعایت احتیاط

رعایت احتیاط در وقت توقف قشون خیلی آسانتر از وقت حرکت
اوست اگر در توقف چند روز تغییر و تبدیلی در محل داده شود محض
برای بهتر شناختن محل و زمین است ولی در حرکت بعکس این است
زیرا که حالات در هر آنی تغییر و تبدیل یافته و هر لحظه منتظر یک نوع
حمله میباشند بنابراین در حالت حرکت همیشه رعایت کمال احتیاط
لازم است که پیوسته برای ادای هر نوع تکلیفی از حمله و رد حمله
حاضر و مهیا باشند احتیاطهائیکه در این حالت رعایت آنها لازمست
مثل احتیاطهای حالت توقف است ولی صعوبت آن بدین علت است
که در هر آنی تغییرات مختلف بحسب اختلاف زمین لازم می آید در حرکت

حرکت باید احتیاط خود را از حملهٔ پیش رو و حملهٔ عقب و حملهٔ کنارین
بلکه هر دو جانب رعایت نمایند برای همین احتیاط لازم است که در
هر یک از این جهات چهارگانه قراولان متحرک قرار دهند که باندازهٔ
حرکت قشون آنها نیز در حرکت باشند و فاصلهٔ آنها از قشون باید
بحدّی زیادتر و دورتر باشد که هر چه در دور اتفاق می‌افتد
بزودی مستحضر شده اخبار از وقت و موقع بقشون خودشان
برسانند و تسمیات این قراولان را هرچه در پیش روست
آوانقارد یعنی پیش جنگ و هرچه در جانبین است فلانکور یعنی قراولان
میمنه و میسره و هرچه در عقب است اَرِیِر قارد یعنی چنداول می‌نامند
چون سر ستون قشون از همه جا ضعیف‌تر و احتمال وقوع حمله
و ورود صدمه از آنجا بیشتر است لهذا قراول آنطرف را یعنی
اوانقارد را باید زیادتر و با قوّت‌تر از سایر اطراف نمایند که بتوانند

در وقع

در وقوع حادثه آنقدر ممانعت بکنند که مدد قشون عقبی بآنجا برسد
قشون اوانقارد باید از هر صنف قشون باشد که بتوانند در هر نوع
زمینی بحملهٔ دشمن مقاومت نماید ملاحظهٔ دشمن و مدافعه با آن و مقاومت
در مقابل آن تا وصول قشون عقبی و حمله به پیش قراولان دشمن
و عقب نشاندن آنها از جملهٔ تکالیف لازمهٔ پیش جنگ است من جمله
برای ملاحظهٔ احوال دشمن چند نفر بلکه چند دستهٔ کوچک معیّن می‌نمایند
که آنها وضع محلّ قشون را بطور تکرزمه ملاحظه کرده آگاهی دهند
این مقوله قراولان را از صنف سوارهٔ سبک مشخص و منتخب می‌سازند

فقرهٔ دویم مقدّمهٔ پیش جنگ

مقدّمهٔ پیش جنگ عبارت از قوّتی است مرکّب از پیاده و سواره
و قدری بیلدار و نقب زن که همیشه در پیش روی پیش جنگ
بوده مأموریت آنها ملاحظهٔ حالت راه و کندن برخی جاهاست

که احتمال پنهان کردن ادوات ضارّه از قبیل چاتلامه و غیره
میرود و همچنین رفع کردن برخی موانع راه عبور ستون قشون است
در میان تک کرفهای پیش و قراولان جانبین تک قراولانی
معیّن می‌نمایند که آنها همگی باهم مربوط بوده و بدینواسطه تمامی دور
قشون مأمون باشد قوّت و عدد تمامی این اجزا منوط بحالت
مملکت و اقتضای طرفیست که حملهٔ دشمن از آنجانب محتمل است
غالباً در محافظت از صدمهٔ دشمن کویا همین قرار کافی باشد
که عدد تک کرفهای پیش معادل یک ربع پیش جنک و عدد قراولان
جانبین و چنداول هریکی یک ثمن پیش جنک بوده باشند
دستجات قراولان نسبت بهم به حدّی فاصله باید داشته باشند
که در وقت ضرورت بتوانند بهم دیگر امداد نمایند و آن دستهائی
که در جانبین واقع شده‌اند باید قدری از هم دیگر پس و پیش
باشند

باشند دستجاتی که از همه پیش‌اند باید همه سواره باشند مگر در جائی
که کوهستان و یا مشتمل بر رود خانه و انهار زیاد باشد آنوقت
باید پیاده سبک برای این کار مأمور نمایند فاصلهٔ مقدمهٔ پیش جنک
از خود پیش جنک موقوف بحالت قشون و اقتضای وقت است
چنانچه در فوق مذکور شده در هر صورت نباید زیاده از دوازده
هزار قدم فاصله داشته باشد دستجات کوچک پیش رو از مقدمهٔ
پیش جنک از دویست تا ششصد قدم میتوانند فاصله داشته
باشند و تک کرفها صد قدم از این دستجات کوچک مزبور پیشتر
خواهند بود

فقرهٔ سیم ترتیب پیش جنک

ترتیبی که در اوّل برای پیش جنک ذکر شد همانرا برای هر نوع
زمین قاعدهٔ کلّیه محسوب نمود در میان دستهٔ پیش روْ باید

یک صاحب‌منصب اما مأمور با چند نفر سوار مأمور نمود و بعد از او چند
دستهٔ کوچک از سواره و یا پیادهٔ سبک در صورتیکه زمین
مساعدت بسواره داشته باشد و بعد بخط مخبرین از هم پاشیده
ترتیب دهند که همهٔ خط بقدر یک هزار قدم در پیش‌رو طول
داشته باشد در پهلوها باید اِکلارُورها یعنی گزمها ترتیب دهند
که مأمور بعمل گزمگی اطراف باشند و شصت قدم بعد از دستجات
عقبی که عبارت از مقدمهٔ پیش جنگ است میآیند و اصل قشون
پیش جنگ بفاصلهٔ صد قدم عقب‌تر از مقدمهٔ دستجات مزبور
میشوند و عقب همه چنداول است که در بالا ترتیب آن ذکر شد
و تکرار لازم نیست اگر ترتیب قشون پیش جنگ را در حالت
حرکت با ترتیب آن در وقت توقف قیاس و مقابله نمایند
خواهند یافت هر دو مناسب یکدیگر اند در هر دو حالت مقصود
یکی است

یکی است در حالت حرکت باید بقدر مقدور کیفیت زمین و ترتیبی را
که گفته شد منظور دارند اگر چنانچه بسبب موافقت محل جمع شدن
قشون لازم آید باید ترکیبی بر خود قرار دهند که وقت ضرورت
بتوانند بحالت اولی در آیند خطِ اولِ گزمها هر قدر پیش میروند
باید زمین را درست ملاحظه کنند برای عمل آوردن این مقصود
باید دو تا دو تا پیش رفته و خود را از نظر دشمن مخفی دارند اگر
بدشمن دچار شوند باید در همان آن تدارک مقاومت او را
نمایند خط مخبران را علاوه نموده قشون امداد او را بکمک
ایشان میفرستند و اگر در آنجا توپخانه باشد طوری میگذارند
که دشمن را از پهلو بگیرد در چنین حالت همه دستجاتِ پیش
برگشته ملحق به پیش جنگ میشوند و حالتهای سایره موقوف
باقتضای وقت است و زیاده از حد بیان تنگ گزمهای پیش جنگ

باید نظم را منظور دارند و بهیچ چیزی اذن ندهند که خیال سربازان را
از مأموریت خود که عبارت از ترصد دشمن و مراقبت اطلاعات
پیش آمدن دشمن باشد پرت کند و بخصوص باید تفنگ خود را
بکار نبرند مگر در حالتی که دشمن غفلتاً بسر آنها بریزد و در حرکت
شب باید تمامی احتیاطها را علاوه نمایند و مقدمهٔ پیش جنگ را
جمع کرده در سر راهها نگذارند و بمحض مشاهدهٔ دشمن همان آن
به پیش جنگ اخبار کرده خودشان نیز با کمال آرامی و بی صدا
آمادهٔ جنگ شوند هر تنگه بهر امتدادی که باشد میباید بیک گزمها
پیش از آنکه قشون داخل آنجا شود ملاحظه و تفتیش نمایند و بعد
طریق احتیاط بیرون آمدن از تنگه را که مبادا تمامی قشون
از تنگه نیامده دشمن حمله بیاورد رعایت کنند و سواره
باید جنگل واقعه در پیش رو را که دورادور آن پر طولانی نباشد
بگردند

بگردند و اگر بسیار پر درخت و انبوه باشد باید از هر طرف
بقدر یکصد قدم بداخل آن بروند باری قاعدهٔ کلیه این است
هر محلی که اندک احتیاط داشته باشد باید قشونی که در پیش رو
میرود آنجاها را بدقت رسیدگی و تفتیش کنند و مادامیکه این
مقوله احتیاطها ملحوظ نگشته و چنین جاها تفتیش نشده است
نباید قشون اصلی را از نزدیکی گلوله رس تفنگ آنجاها ممنوع دارند

فقره چهارم در گزمهای جانبین قشون

علاوه بر دستجات قراولان جانبین که موسوم به گزمه وجود
دستجات پیش قراول متحرک هستند چند دسته نیز مخصوصاً مأمور
میشوند که گزمگی دو جانب ستونهای قشون اصلی را بکنند و میان
این گزمها و دستجات گزمه نیز یک گزمه قرار میدهند که رابطه
باشند مابین آن دستجات و این گزمها چون این گزمها غالباً

اوقات دورتر میشوند و هنگام وقوع حمله با آنها مدد رسانیدن
ممکن نمیشود علهذا میبایدکه همیشه همان احتیاط را منظور دارند
که برای یک قشون بجهة محافظت خود لازم است و این گزمهای سوسته
متوازی خط ستون اصلی راه رفته راهها و تنگها و اماکنی را
که مساعدت بحملهٔ دشمن وارد از دو جانب ملاحظه و تفتیش کنند
تا اینکه قشون از آن محلهای با خطر بگذرد و صاحبمنصبی که فرمانده این
گزمهات میباید در وقت مشاهدهٔ دشمن با قوت ممیزهٔ خود
مشخص کند که آیا بدشمن حمله برد یا اینکه اگر دشمن از آنها
بی خبر برای میرود ترک حمله نموده دشمن را بحملهٔ غیر لازم
خود واقف نسازد

فصل چهارم در بیان چنداول

مأموریت چنداول موقوف بقوت و شدتی است که دشمن در تعاقب
انها

آنها دارد اگر خیلی قوت و چابکی بکار میبرد هوش زیاد برای
صاحبمنصب فرمانده مأمور چنداول و قوت و استحکام برای
سرباز آن لازم است که خود را محافظت نموده نگذارد که دشمن
بستون قشون از سمت پهلو ضرری برساند نگاهداری دشمن
در دور تا وقتیکه ستون قشون از محل خطرناک بگذرد لازم است
بیرون آوردن خود از چنان مهلکه بدون اینکه ضرری زیاد
عاید شود و ممانعت دشمن از تعاقب که مبادا ضرری به خود
چنداول که جای ستون است برساند اینها همه از امور بسیار
معظم است که تنبیه و حل آن در نهایت اشکال است تحمل این همه
زحمات از لوازم مأموریت چنداول است و محض بیرون آمدن
از عهدهٔ این کار قشون کارآمد و صاحبمنصبی که در قابلیت از درجهٔ
اول باشد لازم است و چون قشون چنداول که مرکب از همه صنف

خواهد بود باز موقوف بآسانی حمایتی است که بهمدیگر میتوانند نمود
وهمچنین موقوف به هشیاری آنهاست که از هر نوع موانع زمین
بهره برداشته و در آنجاها تا هر قدریکه لازم دارند خودداری کنند
مقاومت سخت از جانب مخبران چنداول و خوب بکار بردن
توپخانه و حملهٔ بموقع سواره میتواند ستونی را که در معاودت است
از چنان مهلکه خلاصی دهد و گاهی هم میشود که ضرر زیاد بدشمن
وارد آورده بدین جهت او را مجبوراً از تعاقب خود باز دارند
حرکت چنداول بسیار صعب و مشکل است زیرا که باید متصل
در جنگ باشند و باید همه حالات را موافق این خیال ترتیب
دهند عقب‌تر از همه مخبران را ترتیب میدهند و امدادی نیز
برای او مقرر میکنند احتیاط و گم نکردن دست و پا و سختی
و در امور از لوازم اعمال سربازان آن خط است و باید باروت

و گلوله

و گلوله خود را با احتیاط زیاد مصرف نمایند و تفنگی خالی نکنند
مگر اینکه درست فاصله را ملاحظه نموده باشند که دشمن در تیررس
باشد و اگر مخبران تاب دشمن را که پرزورتر از اوست نیاورده
ولابد شود که عقب نشیند باید در پهلوی قشونی که عقب او باشد
جمع شوند و پیش رو را بازگذارند که توپخانه یا سواره و یا پیاده
از آنجا بتواند حمله کند و برای اینکه از خطر پهلو چنداول محفوظ بماند
باید چند دسته گزمه ترتیب دهند که یمین و یسار خود را حافظ باشند
و باید دستجات گزمهای مزبور طوری ترتیب داده شود که در همه وقت
دنبال قشون چنداول را که جای آن هستند ببینند و رابطهٔ
خود و چنداول را نگاه داشته زیاد از او دور نشوند

فصل پنجم در بیان محل گرفتن دستجات در دهات

وقتیکه یک دسته قشون در ده و یا در شهر محل میگیرد او را

کانتونمان نامند اگر اوقات یا در متارکه و یا بجهت بدی هوا
و یا اینکه بعد از حرکات خیلی سخت برای سربازان قدری استراحت
لازم میشود در چنین محلها جای گیرند برای حفظ نمودن خود در چنین
حالت زیادتر از سایر اوقات رعایت احتیاط لازم است
بنابراین یک خطی برای حفظ کانتونمان ترتیب میدهند و بجهة حفظ
رابطهٔ چند کانتونمان راههای سهل و آسان را منظور میدارند
که وقت ضرورت بزودی و بسهولت بتوانند بهمدیگر ملحق شوند و برای
حفظ آن راهها بعضی موانع عملی از قبیل سنگر وغیره ترتیب میدهند
و حتی المقدور مدت اقامت قشون را در شهری و یا دهی نمیگذارند
امتداد بهم رساند که قشون را بد آموز و تنبل می کند و بدین علت
برای قشون بدترین اسباب تخریب میشود بسیار دیده شده است
که در چنین حالتها هرگز انتظار صدمه نداشته اند بسبب همین اطمینان

صدمات زیاد

صدمات زیاد بقشون وارد آمده است

باب پنجم در بیان شناسائی محل مشتمل به سه فصل

فصل اول در شناسائی مشتمل بدو فقره

فقره اول در تحصیل اطلاع لازمه جنگ

بهر ماموریتی که یک صاحب منصب منصوب شود هیچ چیز عمده تر
از آن نیست که اطلاعات لازمه را برای حرکات عمومیه و یومیهٔ
جنگ تحصیل و تنظیم کند و برای عمل آمدن این منظور لازم است
که در علم جغرافی و تپوگرافی (یعنی نقشه کشی) و ستاتیستیک (احوال مملکت) سررشتهٔ کامل داشته
باشد و نظر نظامی و درست بینی نیز از جملهٔ لوازم است هیچگونه نقشه
اگرچه مفصل تر هم باشد باز نمیتوانند که یک صاحب منصب در تمامی
جزئیات لازمه برای کشیدن نقشهٔ یک حرکت متعارف کارسازی
و کفایت نماید تا چه رسد به نقشهٔ حرکتی که اخذ نتایج آن راجع

به حالات اتفاقیه است بنابراین لازم است که با وجود داشتن
نقشهٔ مفصل باز حالات آن زمین را بچشم دقت ملاحظه نمایند و نقاط
لازمهٔ حرکت را زبانی تحقیق کنند این مقوله عمل را عمل شناسائی
نامند این عمل اگر بدرستی و آشکاری از قوه بفعل آید موجب کمال
سهولت حرکت سردار کل و اخذ نتایج کلیه نمودن آن می گردد
این مأموریت را بعهدهٔ صاحب‌منصبی میتوان محول نمود که بسیار زرنگ
و آرام باشد یعنی در کارها مضطرب و مشوش نشود و بعهدهٔ او
لازم است که هرچه خود دیده است بدرستی بیان نماید و راپورت
او چه تقریراً و چه تحریراً باید بسیار آشکار و بعبارات واضحه باشد
و هرچه خود دیده یا از دیگران شنیده است در راپورت خود
تصریح و مشخص کند و بیان هیچ حالت و مکانی را ترک نکند
و لازم است که یک نقشه و یک دوربین خوب و برخی اسبابهاکه

از دور بکار گرفتن فاصله و تعیین مسافت و قطر آن می‌آید و همچنین
اسباب تحریر و چند نفر بلد خوب همراه داشته باشد و هر کسی را
که از اهالی آن مملکت مشاهده نماید تحقیقات دایره بمأموریت
خود را از آنها سؤال و استفسار کند و قصوری در این باب
جایز ندارد و مهارت درست دیدن حالات و درفهمیدن تناسب
نقاط بعیده امریست خداداد و لکن تجربه و عمل زیاد نیز تحصیل
میشود بعضی اشخاص هستند که مشاهده و بصیرت ایشان بامقوله
حالات مطابق واقع نیفتاده محل اعتماد نمی‌شوند و برخی هستند
که حقیقت حالت را بیک نظر مطابق واقع مشخص می‌نمایند و باندک
تجربه در این ماده فرد کامل میشوند و اختلاف کلی در قوت بصر اهل
شهر میباشد بدین علت قاعدهٔ معینی در حق آنها نمیتوان گفت ولکن
صحرانشینان از قبیل اعراب و غیره چنین نیستند زیرا که آنها بکلی

حالت محل دور را بیک قرار مطابق واقع می بیند و این صفت
کم از طرز زدن کمانی آنها که همیشه با این کارها بزرگ میشوند صاحبمنصب
باید بیش از همه بصیرت نظامی را یاد گیرد از قبیل اینکه بداند
که یک فوج یا یک دسته سواره در چه قدر زمین میتوانند جا گیر شود
و یا یک ستون در چه قدر زمین میتواند حرکت نماید و همچنین بداند
که بچه قدر وقت یک حرکت معین در محل معلوم بعمل می آید و این صاحبمنصب
میتواند بقیاس قدم خود و قدم اسب خود برای تعیین فاصله
و وقت قراری بدهد و قس علیهذا و نیز میتواند که ملاحظه و مشاهده
چیزها را از دور مشق نموده حقیقت آنها را از راه دور مطابق واقع
ببیند کلی این اعمال را زیاد وقتی تجربه آسان می کند و میتوان اکثر
اینها را با اسباب بسیار سهل بعمل آورد

فقره

فقره دویم در حالت دلیل و بلد

بلد درست و صادق از لکلهای عمده است ولی در مملکت دشمن
بسیار نادر بهم میرسد اشخاصی که خواه بجهة صنعت یا بسبب
میل زیاد بکوه و صحرا میروند یا از قبیل اشخاصی که از گمرک
و غیره مال می گریزانند و یا اشخاصی که شکارچی هستند که باقتضای
شغل و میل خودشان بلدیت زیاد بحالت کوه و صحرا بهم میرسانند
صاحبمنصبی که مامور شناسائی است میباید اولاً یک نفر همچو بلدی
پیدا نموده بوعدهای نیک و خوراکهای مرغوب او را مایل خود
نموده و بظاهر در پیش مردم او را آزار کند که اهل مملکت او از او
بدگمان نشوند و اگر از این مقوله آدمها پیدا نشود لابدا باید
یکی از معتبرین آن مملکت را بزور بدست آورده از او تحقیق حالات
لازمه را نماید اگر او بمیل خاطر حقیقت حالات را بگوید میباید باو

احترام زیاد کنند که در میان اهل ولایت باعث سربلندی
او شود هرگاه چنین آدمی بدست آید از او زیاده از مأمول
اخذ منافع میتوان نمود ولی در تفتیش حالات از او کمال تحقیق
باید بکار برد و گفتهای او را بمحض قول محل اعتماد نداشت مگر اینکه
تجربه و دلایل و قراین خارجه نیز مقوی صدق قول او باشد
بصاحبمنصب مأمور شناسائی لازم است که پیش از حرکت بسمت
محل مأموریت حقیقت حالات را از بلد خود تحقیق کند و اگر بلد او
اشخاص متفاوت باشند از هر یکی جدا جدا و در غیاب یکدیگر تفتیش
حالات را نماید اگر از اهل مملکت هم اهالی جو یا باشد باز باید
از آنها فرداً فرداً و در غیاب سایر رفقای ایشان بپرسد
و هر چه درستی و امانت از بلدها ظاهر شود باز نباید مطمئن شد
بلکه باید احتیاط انها را زیاد منظور داشت و اگر بلدها در گفتن
حقیقت

حقیقت مضایقه نمایند یا اظهار اکراه و هرزگی کنند میباید جیب
ورخوت انها را نگاه کرده آلات و ادواتی که دارند گرفته و باز
ایشان را بیک نفر سرباز ببندند که نتوانند بگریزند اگر بلد یک نفر
باشد محل آن در میان دسته در پهلوی صاحبمنصب شناسائی است
و اگر زیاده باشند هر کدام که باهوش تر است پهلوی صاحبمنصب
مزبور میشود که از او تحقیق حالات نماید سایرین را در پشت دسته
با قراول نگاه میدارند و غفلت نمی نمایند که مبادا بگریزند در ممالکی
که رابطه راههای آن اشکال است باز بلد لازم میباشد زیرا
که ممکن است در صورت دچار شدن دشمن بعضی بیراهه نشان
بدهند که خلاصی از چنگ دشمن ~~بعضی بیراهه نشان بدهند که~~
~~خلاصی از چنگ دشمن~~ میسر شود بنابراین در هر دو صورت
همراه بودن بلد از جمله لوازم است

فصل دویم در مقصود از شناسائی مشتمل بهفت فقره

فقره اول مقصود در شناسائی مطلق

هر نقطه که میتواند از اجزای شناسائی بشود اگر تفصیل بخواهیم
آنها را بیان کنیم خارج از حوصلهٔ این رساله خواهد بود ولی مذاکرهٔ
اهم آنها بعنوان مثل و قاعده گویا بحد کفایت بوده و عقل صاحبمنصب
بآنها احاطه نموده در وقت ضرورت بتواند بکار برد اولین امر
عمده آنست که صاحبمنصب شناسائی پیش از توجه جزئیات حالت
عمومی محل را مشخص نموده تناسب هر قسمت مختلف را بیکدیگر
بطور درستی بفهمد و این معنی برای صاحبمنصب که اندک آگاهی از علم
جیوقرافی داشته باشد بهیچوجه صعوبت و طول و تفصیل ندارد مثلاً
اجمالاً میتواند بداند که در مملکت مسطح زراعت بیشتر میشود کثرت
زراعت مستلزم کثرت انهار است و همچو محل برای جنگ بکار نوش

یعنی

یعنی غیر جنگ سلطانی مناسب است و بعضی اوقات مانع حرکات
توپخانه و حملهٔ سواره میگردد و در مملکت کوهستان تنگهای
باخطر و راههای تنگ بسیار بهم میرسد ملاحظه و احتیاط
مخصوص هریک این نقاط از جملهٔ لوازم است و صاحبمنصب مزبور
منافع این نقاط و ضررهای آنها را باید در ضمن راپورت خود
بصراحت مشخص کند

فقره دویم در بیان راه

اگر شناسائی بجهة حرکت کردن به پیش است صاحبمنصب میباید
منازل و هر نقاطی را که در راپورت خود اسم خواهد برد فاصله
و مدت طی شدن آنها را که بچند ساعت ممکن است مشخص نماید
و بنویسد و همچنین حالت راهها و موانع آنجاها را جزءاً جزءاً
از روی دقت تحقیق کنند و اسبابی را که از قبیل کالسکه و اسب

و آذوقه و بعضی ادوات رفع موانع بکار قشون می آید و همچنین
تفصیل راههائی که بسمت بعضی نقاط از بعضی محلها منشعب میشود
یا بسمت بعضی نقاط از خارج می آید و حالت نشیب و فراز آنها
و نهر و رودخانه و رباطات و دهات و پل و آثار سایر قلعه
در آن حوالی را با قطر و ارتفاع و اسمای معروفهٔ آنها در میان
عوام و اسمای معروفه در میان خواص را که عوام چه می گویند
و خواص چگونه می نویسند بتفصیل رسیدگی کرده در جزو راپورت
خود قلمی کنند و منزلگاه قشون و منافعی را که از آنجا قشون
میتواند عاید شود و استراحتی که برای قشون در آنجا میتواند حاصل
گردد تحقیق و مشخص نماید و اگر مدتی در آنجا یا برای انتظار کشیدن
دشمن یا برای مقابله و مدافعهٔ دشمن اقامت خواهند کرد بنا
مواضعی را که در آنجا و حوالی آنجاست و جاهائی را که برای مریضخانه
قابل است

قابل است و راههائی را که یا بجهة عقب رفتن و یا به پیش حرکت
کردن در آنجا هست درست رسیدگی کند

فقرهٔ سیم در شناسائی جنگل

اولاً محل جنگل و عرض و طول و پاشیدگی یا مجموع بودن بوته
و اشجار آن را باید مشخص نمایند و ملاحظه کنند که در حالت
بودنِ در میان آن ممکن است که دشمن آسیبی از طرف پهلوی قشون
رساند یا نه و محل جنگل زمین صاف است یا کوه و در میان آن
جمعی متوطنین هستند یا خالی است و دور آن زراعت دارد یا نه
و از کنار آن تا زراعت چه قدر مسافت است

فقرهٔ چهارم در شناسائی مرداب و امثال آن

بصاحبمنصب لازم است شناسائی باتلاق و مرداب و بزرگی
عرض و طول و عمق آنها و اینکه در میان آنها راهی ساخته است

یا نیست و اینکه راهها از کدام طرف است و ستون سرباز از آنها
میتواند بگذرد یا خیر و چگونگی هوای آنها که تعفن پذیر است یا یکنوع رخوت
معنی دارد که متعفن میشود و حالا سلامت است یا نه و مزید
احتیاط را در گذرگاه آن با طلاقها باید بکند که آیا قابل گذشتن
ستون سرباز بخصوص ستون سوار است یا نه بسا میشود که چند
نفری میتوانند بگذرد اما وقت گذشتن یک ستون فرو میرود و اگر
قابل تحمل ستون هم باشد میتوانند که تاب تحمل ستون سوار
نداشته باشد این هم از رنگ گیاهی که در آنجاها روییده است
مشخص میشود هر کجا که گیاه بلندتر اکثر سبز مایل بزردی
باشد عبور از آنجا خطرناک خواهد بود

فقره پنجم در شناسائی کوهستان

در شناسائی کوهستان سلسلهٔ عمدهٔ کوهها و راههائی که از آنها
می‌گذرد

می‌گذرد و جاهائی که میتوان استحکام داد و تنگهائی که خطرناک است
وصف قشونی که برای حمله یا دافعه در آنجاها بکار می‌آید و بوته
و اشجار که در آن کوهها است و نقاط و محلهائی که از آنها به
پهلوی دشمن گذشتن و باو ضرر رسانیدن یا گذشتن دشمن
از آنها بپهلوی قشون متصور است باید بتفصیل رسیده گی شود

فقره ششم در شناسائی رودخانه

در شناسائی رودخانه عمق و عرض و محل گذر و کنار و حالت ته
رودخانه که ریگ است یا سنگ یا غیره و تندی و آرامی جریان
آب و یا بسهولت و صعوبت کار کردن کشتی در آن نقاطی
که قابل بستن جسر است میباید مشخص کرده و همچنین تشخیص چشمه
و قناتها و مقدار و خوب و بدی آب آنها و چگونگی محل آنها که میتوان
بسهولت از آنها آب بدواب داد یا نه از جمله لوازم شناسائی است

فقره هفتم در شناسائی دهات

از جملهٔ لوازم شناسائی حالت دهات آنست که عدد خانه‌ها و طرز
آنهارا که بچه ترکیب اند و از چه ساخته شده اند دیوار و غیره
در دور آن هست که بکار مدافعه برآید یا خیر و همچنین راههائی که
از خارج بآنجا و از آنجا بخارج میرود و عدد اهالی و صفت آنها
و حالت ایشان نسبت بدشمن و عدد دواب آنها و چیزهائیکه
بجهت خوراک قشون بکاری آید میباید بتفصیل ملاحظه و مشخص
شود همینهاست نکات لازمهٔ عمده که صاحبمنصب شناسائی
ملاحظهٔ آنهارا باید بدقت منظور داشته همه را مفصلاً در راپورت
خود قلمی دارد

فصل سیم شناسائی قشون مشتمل به فقره

فقره اول شناسائی قشون دشمن

شناسائی

شناسائی پیش روی دشمن را باید بامداد یک دسته قشون
نمود و عدد و قوت آن قشون موقوف بمنظوریست که دارند و
خطریست که از جانب دشمن متصور شود اگر خواسته باشند
که شناسائی قشون دشمن و کیفیت محل آن را مخفی بعمل آورند یک
دستهٔ مختصر از سوار سبک مأمور می‌نمایند که یک بلد خاطر
جمع آنهارا از بیراهه و در کمال چابکی بمحل مأموریت برسانند
ولی باید که لازمهٔ احتیاط را بجهت معاودت خود بعمل آورند
که دشمن نتواند در بعضی جاها پنهان شده دستهٔ مزبوره را
غفلتاً گیر بیاورد و وقتیکه میخواهند بجهت شناسائی دشمن را
از جای خود حرکت داده همهٔ قوتش را فهمیده حرکات او را
ملاحظه نمایند لازم است که یکدستهٔ معظمی برای این کار مأمور
نمایند که از همهٔ اصناف قشون مرکب باشد و قدرت این را داشته باشد

که دشمن را با قوت تمام از جای خود حرکت داده معاودت
خود را با آسانی بتوانند بعمل آورند و صاحب‌منصبی که مأمور شناسائیست
باید در همه وقت باهوش و بصیرت باشد که در وقت فرصت
و موقع بتواند همهٔ محل دشمن و حرکاتی را که بر خود قرار
داده است ملاحظه نماید و نقاطی که باید درست شناخته شود
محل توپها و محلی است که استحکامات ساخته شده است از محلی که
قشون جا گرفته است و از طول دشتبان و عدد چادرها و آتش
اوجاقها میتوان قوت دشمن را فهمید وقت صبح را که بهتر
میتوان نتیجه گرفت برای این کار معین مینمایند زیرا که برای
اکثر کارهای مختلف در این وقت همهٔ قشون دشمن در زیر
اسلحه میباشند و بعضی اوقات هم در پیش روی خط پیش قراولان
و گزمه مأموری کند که حرکات دشمن را ملاحظه نماید و قوت
آنها

آنها نیز موقوف به مأموریتست که دارند و بفاصله ایست که از
قشون پیدا خواهند کرد و در یک مملکتی که تنگهٔ آنجا کم است و طرق
بی راهه کم هم میرسد جمعیت نفر سوار بجهة گرمی زمینیکه
دور آن ده فرسخ باشد کافی است و بالعکس در مملکتی که طرق
زیاد و بهم میرسد بخصوص اگر دشتبان قشون دشمن خیلی طولانی
باشد دو مقابل این عدد مذکور زیاد نخواهد بود و صاحب‌منصب
مأمور باین کار باید زیاد هوشیار باشد و بهیچ وجه در مأموریت
خود تکاهل نکند و اگر از اهالی آنجاها و یا از فراریان دشمن
دچار او شوند باید هر آنچه برای مأموریت او لازم است از آنها
سئوال نماید و برای فهمیدن بعضی چیزهای عمدهٔ لازمه نباید از
هیچ نوع مخاطرات اجتناب کند و بعضی وقتها لازم است
که رشادت را مبدل به تهور و جسارت نماید زیرا که در مخاطره

افتادن کمتر ارزش دارد بمنافع کثیرهٔ که از تهور او عاید لشکر
خواهد شد و نیز باید احتیاط کند که خود را بدون جهة بمهلکه نیندازد
و همچنین طوری ننماید که هم خود تلف شود و هم منفعتی بقشون نرسد
اکثر اوقات بخصوص شبها گزمها توجه خود را زیاد می کنند
صدای سگان و صداهائی که از دور می آید و شعلهٔ آتشها را هم
باید ملاحظه نمایند و بمکانهای مسکون که میرسند باید چند نفری بآنجا
بفرستند که رفته بفهمند چه خبر است و چیزیرا که باید صاحب منصب
در چنین حالتها خیلی منظور دارد احتیاط زیاد است مأموریت
مخصوص آنها ملاحظه نمودن دشمن است بدون اینکه دشمن آنها را
ببینند

فقرهٔ دویم کار بردن جاسوس

برای کار بردن و منفعت برداشتن از جاسوس خیلی مهارت
لازم است

لازم است اینها را از آن قبیل اشخاص معین می کنند که احتمال
جاسوسی در حق اینها کمتر برود و چند نفری را مشخص بنمایند که هیچ
یکی با دیگری رابطه نداشته باشند و هیچ کس بغیر از خود صاحب منصب
که آنها را مأمور مینماید نباید از مأموریت اینها مخبر شود و همچنین
خود آنها نیز نباید از کار و مأموریت همدیگر مطلع شوند و بتدریج
مأموریت آنها را عمده تر می کنند اگر از عهدهٔ مأموریت خوب
بیرون آمدند در انعام دادن و محبت کردن با آنها نباید کوتاهی
نمایند و اگر از آنها بدخواهی و خیانت ظاهر شود در تنبیه
و سیاست آنها هیچ وجه نباید فروگذاشت کنند و هرگز نباید
بصدق آنها خاطر جمع شوند و نباید هیچ وقت از خیالی که فاش
شدن آن ضرری بقشون خواهد داشت اینها را اطلاع دهند
و نباید بفراریان دشمن مطمئن شوند زیرا کسی که بیدق خود را

ترک کرده است میتوانند بجهة منفعت خود بیدق دیگری را نیز ترک کنند
و میشود هم که اکثر اوقات جاسوسان دشمن بجهة شهرت دادن
بعضی اخبار یا بجهة فهمیدن بعضی اسرار و اطلاع دادن برئیس
خود بطرز فراریان داخل قشون شوند

فقره سیم حرکات دتاشمانها

پیش از حرکت صاحب منصب دتاشمانها اسباب و اسلحه قشون
و درستی و تکمیل آنها را و حالت اسبان و محکمی عراده‌ها و حالت
توپها و آذوقه قشون و اسبان و مهمات حربیه از قبیل قورخانه
و غیره را جمیعاً با کمال درستی و دقت باید وارسی کند و اگر [illegible]
برای مملکتی است که قشون از آنجا عبور خواهد کرد این مقوله ماموریت را
باید بعهده صاحب منصب با هوش و کاردیده محول دارند که آنقدر
قوه و استعداد داشته باشد که حالت راهها و بعضی موانعی را که بعبور
عراده

عراده و اسب مانع میشود و همچنین برخی موانع دیگر را که در
سر راهها بهم میرسد و فاصله منازل را که بچند ساعت میتوان
طی کرد بطور درستی فهمیده و مطابق واقع برئیس خود در راپورت
حالی کند و بجهة اینکه دشمن از مرور و عبور دسته مزبوره مخبر
نشود میباید با کمال نظم و جلدی و مخفی داشتن حرکات خود رفتار
نموده تا خودشانرا بمحل ماموریت خویش برسانند بنابراین تمامی
سربازان را باید همیشه جمع نگاه داشته به بیرون رفتن از صف
خود اجازت ندهند و اگر این کار را بواسطه راهنمائی بلد بعمل آورند
میباید تا انجام ماموریت بلد مزبور را اجازت بیرون رفتن
ندهند و طرز راه رفتن موقوف باقتضای حالت مملکت است
که قشون را بچند ستون قسمت نمایند که بتوانند با حرکت سهل و آسانی
بحالت دشتبان در آیند در مملکتی که مسطح است سواره در پیش رو

میرود و در مملکتی که مشتمل بانهار زیاد است نصف سواره در
پیش رو ونصفی درعقب میشود و در مملکتی که ازاین قبیل موانع
زیاد دور انجاهم میرسد پیاده درجلو خواهد بود محل توپخانه درحالی
که موانع زیاد نداشته باشد درمیان فاصلهٔ ستونهاست ودرحالی
که مشتمل بموانع زیاد است توپخانه بعقب قشون می افتد ولی درجهات
یکدستهٔ کوچک خواهد بود

باب ششم دربیان دتاشمان مشتمل به پنج فصل

فصل اول درتعریف دتاشمان وحرکات آنها

دتاشمان یک گروه قشون را گویند که ازیک صنف ویا ازهمه اصناف
قشون مرکب بوده از اصل قشون مجزا شود و مامور بکاری علیحده شوند
که مدخلیت بحرکات قشون داشته و بدون امداد او نیز جنگ
بتواند کرد مثل محل گرفتن درتنگه ویا حمله بردن به جهاتی که برای
دشمن

دشمن برده میشود ترکیب این گروه موقوف به اموریست
که مأموریت دارند وملاحظهٔ حالت مملکتی است که باید درآنجا حرکت
نمایند ومسافتی که باید طی کنند وجلدی وچابکی که درحرکات
خود باید بکار برند انتخاب این گروه ازصنف قشون سبک
بهتر است واگر مأموریت عمده است باید بقدر امکان تناسب
قشون را ملاحظه کنند که بکفایت وتقویت همدیگر بتوانند بهتر
ومحکمتر حرکت نمایند جنگ دتاشمان یعنی گروه مزبور در اکثر وقت
بطور مجزا میشود وهر صنف باید آماده باشد که بتواند امدادی
بدیگری نماید وتوپخانه از پیاده هیچ وقت دور نشود واگر سواره
حمله بدشمن کند باید خیلی سخت حمله نماید ولی نباید که حمله زیاد
طول بکشد بلکه باید بتندی تمام حمله نموده مراجعت کنند
که ازقشون دور نیفتند وصاحب منصبی که فرمانده دتاشمان است

باید از حرکات هر صف قشون سررشته تمام داشته باشد
و حرکات را چنان کند و محل را طوری مشخص نماید که بحرکات
هر صف مناسب باشد و بتوانند جای همدیگر شوند و فرصت
پیدا کرده از مدافعه بحالت حمله در آیند چنانکه در اکثر جنگهای کوچک
چنین فرصت خیلی اتفاق می افتد و برای همین گروه مثل حالت
حرکت یک قشون پیش جنگ و فلانکور و چنداول ترتیب میدهند
پیش جنگ اینها مرکب از سواره و پیاده میشود و یا از هر کدام
یک دسته معین می کرده ترجیح هر یک از این دو شق موقوف
بحالت محل است و بعضی وقت هم لازم میشود دو سه عراده توپ
جلو نیز با پیش جنگ مأمور نمایند قوت پیش جنگ یک دتاشمان
موقوف بقوت خود دتاشمان است اگر از دو هزار نفر زیادتر نیست
نباید پیش جنگ از خمس آن زیادتر باشد و اگر قوتش از دو هزار

زیادتر

زیادتر است تا یک ربع و بلکه یک ثلث میتوان به پیش جنگی انتخاب
کرد همهٔ اینها موقوف به امریست که مأمور هستند و هزار قدم
فاصله میان دتاشمان و پیش جنگ کافی است در هر صورت
نباید زیاده از این فاصله داشته باشند و در مملکتی که انهار
و غیره زیاد است و پیاده برای پیش جنگی مأمور است باید فاصله را
از ترس اینکه مبادا دشمن کمین کرده باشد کمتر گذاشت از این
نوع خطر میتوان بتوسط چند نفر سوار که بقدر صد قدمی در پیش روی
پیش جنگ بطور گزمه می گذارند احتیاط کرده خود را محافظت
نمایند و فلانکور را نیز که عبارت از دستهای کوچک برای احتیاط
طرفین است در صد قدمی بطور متوازی بخط ستون قرار میدهند
و از آنها نیز چند نفر مجزا نموده به کرکی مأمور می کنند که آنها
نیز از دستهای فلانکورها قدری پیشتر رفته متوجه حرکات دشمن

بشوند که دشمن حرکاتی نکند که از جانبین قشون ضرری برساند
وبعضی وقت هم چند نفر به سر تل و بلندیهای خیلی دور مأمور
می کنند که دشمن را از دور دیده و قشون را از پیش آمدن
آنها مخبر سازند چنداول همیشه جزئی تعیین میشود آنهم بجهة جمع
آوری پس مانده گان قشون است مگر در ممالک کوهستان که
دشمن را ممکن است به آسانی از عقب ضرری بقشون برساند
بقدر امکان نباید شبها حرکت نمایند مگر درصورتیکه خیلی لازم باشد
و اگر چنانچه بخواهند دشمن را غفلةً گیر بیاورند پیش جنگ را
باید خیلی نزدیک بستون نگاه دارند و نظم زیاد و خاموشی کلی
درمیان قشون مزبور از جملهٔ لازمات است که دشمن از آمدن
ایشان مطلع نگردد

فصل دویم احتیاط دتاشمان در مدافعه مشتمل به چهار فقره

فقره اول در جنگ دتاشمان در حالت حمله و مدافعه

در همه جنگهای دتاشمان چه در حالت مدافعه چه در حالت حمله
طرز مخبر پست متداول است این گروه قشون هیچوقت بجز طرز
مخبر پست طور دیگر جنگ نمی کنند علیهذا می باید محل را مناسب
این جنگ مشخص نمایند و نادر اتفاق می افتد که یک محل برای
دفاع چنان مناسب باشد که قشون از جانبین خود مطمئن
شود و باید جائی را مشخص نکنند که هیچ گونه پناهی برای
پیاده نداشته باشد و لازم است که برای توپخانه محلی معین
نمایند که هم بتوانند تیراندازی بدشمن کنند و هم زیاد در خطر
توپخانهٔ دشمن نیفتد و همچنین برای سواره نیز باید محلی مشخص
شود که اندک پناهی داشته باشد که تا وصول نوبهٔ خود بتوانند

خود را از آتش دشمن محفوظ دارد وضع جابجا نمودن این قشون
بسته باقتضای حالت زمین است بقدر امکان باید جای آنها را
متفرق معین نکنند تا بتوانند وقت ضرورت بهمدیگر امداد
کنند محلی که قشون را مجبور بمتفرق ایستادن می کند بهیچوجه
برای مدافعه مناسب نمیباشد توپخانه قریب صد قدم و پیاده
دویست قدم باید از پیاده فاصله داشته باشد و تمامی حالات
حمله بعهدهٔ سواره است که باید آنها را در کمین نگاه داشته
وقت فرصت و خستگی دشمن اذن حمله بآنها دهند و حمله بردن
پیاده را وقت زیاد و انتخاب وقت بسیار مساعد لازم است
چون هنگام حمله لابداً باید ستون فراز حرکت کرده شود
اگر شرط مزبور منظور نشود در اینصورت آتش دشمن
صدمهٔ زیاد بآنها خواهد رسانید تنگهائی که در عقب اتفاق
می‌فتد

می افتد برای دنباشمان انقدر خطرناک نیست که برای قشون عمده
خطر دارد زیرا که میشود اینقوله تنگها در معاودت بکار قشون
دنباشمان برآید و میتوانند در اینجا خودداری نماید ولیکن هیچوقت
نباید از دهنهٔ تنگها زیاد دور شوند چراکه ممکن است دشمن
از عقب پیچیده تنگه را گرفته در مراجعت معبر دنباشمان را سد
سازد برای محافظت این احتیاط چند نفر گزمه قرار میدهند
که در جانبین ستون راه رفته متوجه حرکات دشمن میشوند اگر
دشمن برای گرفتن تنگه بسمت عقب حرکت کند گزمهای مزبور دنباشمان را
از حرکت او واقف میسازند و اگر حالت مقتضی شود که دنباشمان
مراجعت کند در اینصورت لازم است که حتی المقدور سعی کرده اصناف
قشون خود را جمع نگاه دارد و به نقاطی که بکار می آید مجرات
بفرستند و قسمتی از سواران را همیشه برای حملهٔ دشمن آماده

نگاه دارد که باقتضای وقت حمله بدشمن برند و توپخانه را بنصف
دستجات قسمت بکند که نیم دسته بنقاط مناسب رفته تا که بستن
قشون از آنجا مشغول ممانعت حرکت دشمن بشود و نیم دسته
دیگر از آنجا گذشته در نقطهٔ دیگر بهمین کار مشغول شده نیم
دستهٔ دیگر عقبی آمده از آنجا بسمت نقطهٔ دیگر که در پیش روست
می گذرد و بهمین قرار حرکت رجعی مینمایند و اگر در حالت
مراجعت تنگه در سر راه بوده باشد بزودی و سرعت آن
تنگه را ضبط میکنند و اگر داخل آن قابل مدافعه بوده باشد
پیش از وقت چند نفری میفرستند که در آنجا موانع چندی
ترتیب دهند که بدینواسطه بتوانند دشمن را از تعاقب ممنوع
داشته دورتر نگاه دارند

فقره

فقره دویم در مدافعهٔ تنگه

تنگه عبارت از گذریست که قشون در میان آن نتواند بطور گشادن
حرکت کند بلکه مجبور باشد که بستون یا بقطار بگذرد از قبیل
راهی که در میان دو کوه واقع میشود و یا راهی که در میان مرداب
اتفاق می افتد یا پل و امثال آن در تنگه بدو ملاحظه جای گیرند
یا فقط برای محافظت خود تنگه و در دست داشتن آن یا برای
ممانعت دشمن از عبور آنجا جا گرفتن در پیش روی تنگه یا در عقب
آن موقوف باقتضای حالت زمین جابنین تنگه و بامتداد تنگه است
اگر پیش روی تنگه و عقب آن هر دو گشاده است و آتش دشمن را
نمیتوان ممانعت کرد و دشمن بقوت می آید در اینصورت نمیتوان
آنجا را نگاه داشت و دشمن را از وصل شدن با آن ممانعت کرد
و اگر یک تنگه را فقط برای ضرورت خود میخواهند نگاه دارند

میباید برخی موانع طبیعی را که در پیش روی آن تنگه و قابل
دفاع است بالتمام ضبط کرده جانبین آن تنگه را هم به برخی
موانع متصل ساخته و بدهند آن یک دسته شان پر قوت بگمارند
و هر نقاطی هم که در داخل آن برای دور نگاهداشتن دشمن یا برای
معاودت خود قشون بکار بر می آید در آنها بعضی استحکامات
از قبیل سنگر و جان پناه و غیره ترتیب میدهند و اگر لازم آید
که در عقب تنگه جا بگیرند در اینصورت میباید باز یک جوق دسته شان
کوچک در دهنهٔ پیش رو بجهة مراقبت دشمن بگذارند و اگر در جانبین
آن تنگه برخی نقاطی باشد که در صورت تسلط دشمن بآن نقاط
توپخانه و آتش دشمن مسلط بمحل قشونی که در عقب تنگه است
خواهد بود میباید نقاط مزبور را نگاهداشته کمال اهتمام را در مدافعهٔ
دشمن و نگاهداشتن آن نقاط بعمل آورند ترکیب دسته شان

که مأمور

که مأمور دفاع تنگه است باید بقدر امکان بمناسبت حالت
زمین معین شود و هر صنف قشون را باید در محلی جا دهند که مساعد
حرکات او باشد اگر در عقب تنگه محل گرفته باشند توپخانه را در جائی باید ترتیب داد
که داخلهٔ تنگه مزبور را بکوبد سواره دویست قدم فاصله از دهنه تنگه میگذارند که وقت
بیرون آمدن دشمن از تنگه حمله نماید و مجرای مزبور در نقاطی ترتیب
داده میشود که پیش از بیرون آمدن و بعد از بیرون آمدن
دشمن از تنگه مجرا انهای مزبور بتوانند از نقاط مذکوره بدشمن
اذیت رسانند و عمدهٔ پیاده را در جانبین تنگه در محلهای مناسب
جا میدهند که از آنجا تیراندازی نموده و بعد حمله نیزه پیش نمایند
و وقتیکه مشخص و مشاهده شود که محل پیش روی تنگه را
نگاهداری غیر ممکن است و بدست دشمن خواهد افتاد آنوقت
باید بنای معاودت گذارند عمدهٔ توپخانه را بغیر از دو توپ

از تنگهٔ مزبور مانع میشوند تنگهائی که درمیان دو کوه واقع است
و دشمن میتواند از بلندیهای طرفین بقشون ضرر برساند باید
با امداد چند دسته دتاشمان بلندیهای طرفین را پیش دستی
نموده ضبط کرد و همچنین راههائی که از میان دره وغیره
میتواند به تنگه بیاید در سر تمامی راههای مزبور باید دتاشمان
گذاشت و رابطهٔ دتاشمانها با قشون اصلی نگاه داشت و امدادی نیز
برای دتاشمانها معین کرد که اگر لابد بمعاودت شوند بهمان امداد
خود معاودت نمایند و در جائی که پیش از وقت برای آنها معین
شده است قرار گیرند و بجهة نگاهداری همین احتیاط در هر طرف
دتاشمانهای کوچک معین می‌کنند که در وقت معاودت ایشان
امداد نمایند دفاع در تنگه و مرداب و پل نیز از همین قرار است
که ذکر شد دفاع پلی که در پس و پیش موانع ندارد خاصه

که برای حمایت معاودت نگاه میدارند در عقب تنگه بطوری
جابجا مینمایند که بیرون آمدن دشمن را از تنگهٔ مزبور ممانعت
کند و بعد قدری از سواره پشت سر توپخانه از تنگه می‌گذرد
و قدری دیگرش بجهة چنداول در عقب برای پشت بندی و ممانعت
تعاقب دشمن میمانند و بعد نوبهٔ قشون عمدهٔ پیاده میرسد
آنها باقتضای وقت یا با حرکت از راست بچپ شکسته و یا از چپ
براست شکسته و یا از وسط معاودت می‌کنند چنداول باید
انقدر ایستادگی نماید تا قشون بالمره از محل خود گذشته باشند
و بعد از همه خود چنداول معاودت مینماید شروع بحرکت نمودن
سواره و یا پیاده موقوف به نقاطی است که در آن محل بجهة هرکدام
انها مساعدت دارد و بتدریج هرکدام که از تنگه بیرون آمدند
در جای مساعد بحرکات خود جا گرفته به بیرون آمدن دشمن

که پل رود خانهٔ کوچک باشد غیر ممکن است چارهٔ آن بغیر از خراب
نمودن که عبور دشمن ممکن نشود چیز دیگر نیست و اگر در پیش
روی پل ایستادگی بجهة قشون بسبب عدم حایل و مانع ممکن نباشد
و در عقب بعضی موانع بهم برسد که قشون را از آتش دشمن محفوظ
بدارد آنوقت باید در عقب پل جا گرفته و در دفاع آن بنحوی که
در دفاع تنگه گفته شد معمول دارند و اگر چنانچه بعکس این در طرف
مقابل دشمن دفاع ممکن و در طرف عقب غیر ممکن است باز دفاع
مشکل خواهد بود زیرا که اگر قشون مجبور بمعاودت شود بدون
ضرر کلی معاودت و عبور از پل مقدور نخواهد شد و اگر چنانچه
هر دو سر پل قابل دفاع است آن وقت باید یک دتاشمان
مأمور نمایند که طرف مقابل دشمن را محفوظ داشته و عمدهٔ
قشون در عقب پل مشغول محافظت پل و ممانعت دشمن باشند

فقره

فقرهٔ سیم در بیان مدافعه در یک قریه

یک دتاشمان که از قوت خود خاطر جمع نیست نباید هرگز در یک
دهی که همه اطراف او باز است جا بگیرد ولی یک ده که حمله و یورش
آن از یک طرف ممکن اما جانبین او چسبیده بموانع طبیعی بوده
باشد و در عقب او راه مساعدی بمعاودت بهم برسد میتوان
با نتایج خوب در چنین محل ایستادگی نمود در هر صورت باید
در مقابل آن ده بلندی بوده باشد که دشمن از آنجا ده مزبور را
بکوبد بلکه باید طوری باشد راههائی را که آمدن دشمن متصور است
بتوانند سرکوب کنند همان آن که در ده جا گرفته شود باید صاحب منصب
فرمانده دتاشمان شناسائی همه اطراف آن ده را اگر زیاد
هم ممکن نشود لامحاله یک تیررس توپ بعمل آورده و بعد بدون
فوت فرصت کوچهارا سنگربندی کرده و بعضی سنگرها

که لازم است برای حفظ سربازها بسازند واین دفعه بعهده پیاده است
باید انهار ا به سه قسم منقسم ساخت قسمت اول را در نقاطی که ایمن است
از قبیل کوچه باغ وانهار وغیره می گذارند وقسمت دویم را
بچند تا شمان منقسم کرده هرکدام را در سر راههائی که در عقب
قسمت اول است وامداد بقسمت اول نیز میتوانند نمود جا میدهند
وقسمت سیم را در وسط ده دریک دو جای مناسب که بهمه
طرف بتوانند امداد رسانند جابجا می کنند برای توپخانه محلی را
مشخص می نمایند که سرکوب نقاطی باشد که دشمن برای حمله محاذی
غیر محکم لابد از انجا خواهد گذشت ومحل توپخانه را پوشیده
نگاه میدارند که بعد از وصول نوبه آن آشکار ومشغول
شلیک باشد درچنین دفاع یعنی در دفاع داخله ده سواره
نادر بکار می آید اگر سواره درمیان ده تا شمان باشد درصورتیکه
محل

محل محفوظ بهم برسد آنها را درطرفین آن می گذارند که باعث
قوت قشون میان ده باشد واگر جای محفوظ بهم نرسد
آنها را در پشت دهکده می گذارند که هرگاه دشمن بزور حمله دهکده را
بگیرد وقشون ملجا بمعاودت گردد سواران مزبور مانع تعاقب
دشمن شده معاونت بمعاودت قشون خود کنند ودردفاع
یک ده یا باید تاشمان برای عقب نشاندن دشمن بقوت
وتیراندازی خود خاطرجمع باشد یا اینکه عدد قشون از دشمن
زیادتر باشد آنوقت باید تاشمان کوچک حمله به بیرون ده ببرند
خاصه وقتی که از دشمن خبطی ظاهر شده ویا طرفین او بی کمک
مانده باشد ویا امدادی برای قشونی که مشغول جنگ است
بفرستند وبعد از آنکه لابد بحمله کوچک شدند میباید محل
بیرون رفتن آن جمع را که برای حمله رفته اند درست محافظت

نمایند که در وقت معاودت بدون صدمه و مانع بتوانند از هر محل
داخل شوند و حمله را هم باید با قوت زیاد و با احتیاط برند
اگر نتیجهٔ خوب از حمله عاید شد زیاد تعاقب نکنند زیرا که از
این بی احتیاطی و دست پاچگی میشوند در معاودت اشکالی
بهم برسد علیهذا بهتر این است که بعد از عقب نشاندن
دشمن بزودی میان امداد خود معاودت نمایند و اگر دتاشمانها
پیش حالت خود را چنین مشاهده نمایند که دشمن یک پهلوی
آنها را گرفته و در معرض خطر هستند در این صورت میباید
خودشان را با آرامی بمیان ده کشیده و در محل خود که پیش از وقت
معین شده است جا گیرند و نتیجه اینکه این حرکت بخوبی و با نظم عمل آید
لازم است که امداد و دتاشمانها طرف دیگر دشمن را نمود حمله
کنند که بسبب مشغول بودن دشمن حرکت دتاشمانهای مزبور
موافق

موافق نظم از قوه بفعل آید وقتی که معلوم شود قادر بحفظ ده
مزبور نخواهند بود در اینصورت دتاشمانهای امداد و همچنین
مجبرانها بالاتفاق در هر نقطه که قابل دفاع است دشمن را
مشغول و معطل نمایند تا اینکه قشون عمده رفته در عقب جائی
بگیرد که بواسطهٔ حمایت قشون مزبور معاودت دتاشمانها
و مجبرین مذکور که مشغول مدافعه و معطل نمودن دشمن بودند
بسهولت عمل آید و معاودت را باید طوری کنند و از محلی
مراجعت نمایند که مانع حرکات قشون خودشان نه بوده
و حایل آتش ایشان نشوند

فقرهٔ چهارم مدافعه در حصار و رود خانه

دفاع حصار و خانه بعضی وقت اتفاق میافتد که لازم میشود
یک حصار و یا یک خانه را نگاهدارند که دشمن نتواند بمحلی که

عمده است نزدیک بیایند و در دفاع خانه باید اول در و پنجره را
محکم خاک ریز کنند و در بعضی از پنجرها که میتوان دشمن را زد
آدم گذارند ولی باید طوری ترتیب داده شود که سربازها
محفوظ باشند و علاوه بر این اگر خواسته باشند که آتش تند
تر باشد در دیوارهای خانه مزبور نیز مزغلها درست کرده
آدم بجهت تیراندازی بگذارند و اگر حالت چنین اقتضا نماید
که سربازان تا نفس آخر در آن خانه ایستادگی کنند در این
صورت لازم است که متدرجاً برخی موانع احداث نمایند
که ایستادگی و مدافعه آنها درجه بدرجه بیشتر باشد و اگر یک
حصاری برای این چنین مدافعه اختیار شده است تقسیم قشون
در میان آن منوط بوضع و ترکیب آن حصار است اگر وسیع
و گشاد است قشون را به پشت دیوارهای دور آن جا داده

برای

و برای آنها نیز یک جای امداد قرار میدهند و بجا نهاد تاشان
گذاشته و به دتاشمانان هر طبقه آنخانه یک صاحب‌منصب مخصوص
بجهت فرماندهی معین میکنند و اگر سرباز زیاد باشد
مقابل هر مزغلی دو نفر آدم گذاشته یک نفر هم با آنها امداد
میدهند و امداد مزبور بقدر مقدور نزدیک و مخفی از چشم
دشمن می‌ایستد و امداد عمده باید نزدیک بنقطه که دشمن
میتواند از آنجا داخل شود بایستد و تیراندازانی را که در دم
مزغلها معین شده است امدادانها را گاهگاهی بایکدیگر عوض
کنند یعنی امداد را بتیراندازی و تیراندازان را بامدادی تبدیل
میکنند در چنین حالات توپخانه زیاد بکار نمی‌آید مگر در صورتیکه
حصار مزبور زیاد وسیع بوده باشد که در این حالت میتوان
چند توپی بکار برد و سواره هیچوقت در چنین محلها نمیتوانند

بکار بیاید مگر اینکه در بیرون حصار جای محفوظ و مناسبی باشد
که سواره را در آنجا بکمین گذاشته در وقت مناسب از یکطرف
بدشمن حمله برند و حرکت این سوار بالمرّه خارج از حرکت قشونی
که درمیان حصار است خواهد بود و در این حرکت بجهة سوار
از قشونی که درمیان حصار است امدادی میسّر نخواهد بود لهذا
باید احتیاط خود را نگاه دارند

فصل سیم احتیاط در حمله مشتمل سه فقره

فقره اول در مطلق احتیاط

صاحبمنصبی که فرمانده یک دتاشمان است باید احتیاط خود را
در حمله بردن موافق بدانچه که دشمن برای خود قرار داده است
بکند اولاً از همه باید شناسائی درست از محل و از حرکات و طرز
قسمت نمودن قشون دشمن بعمل آورد در ملاحظه محل دشمن باید
پیش

پیش روی محل مزبور را درست ملاحظه کرده بفهمد که برای حرکات
سواره و پیاده و توپخانه تا چه پایه مساعدت دارد آیا از
یک طرف دشمن حمله برای دتاشمان ممکن است و بعد از آنکه
حمله دهند برای دشمن نیز معامله بمثل آسان و میسّر است
یا نه و ایضاً باید بدقت ملاحظه نماید که آیا دشمن موانع پیش
روی محل خود را منظور کرده و بکار برده است یا نه و هر صنف
قشون را در جائی که مناسب حرکات اوست جا داده است
یا خیر و مکانی را که دشمن محل گرفته قابل دفاع است یا نیست
و آیا طوریکه قشون خود را جابجا نموده است امداد بهم دیگر
میتوانند رسانید یا خیر و امداد عمدهٔ دشمن چگونه و بچه فاصله
از قشون خود گذاشته شده طوری دور گذارده شده است
که در وقت و موقع نتوانند امداد کنند و یا خیلی دور است که نخواهند

توانست بزودی خود را بمحل مزبور برساند و بچه طور قشون را
جابجا نموده است بعضی جا کم و بعضی جا زیاد است یا نه و آیا محل توپخانه
چنان ترتیب داده است که قشون را از پهلو بگیرد یا نه و تنگهائی
که در عقب واقع است احتیاط کرده آدم گذاشته است یا خیر
و میتوان از گرفتن تنگه راه معاودت او را مسدود ساخت
یا خیر اگر دشمن قشونش را طوری ترتیب داده است که از جمیع
موانع زمین که در پیش روی محل واقع است بهره مند است
انوقت باید ملاحظه نمود اگر ممکن است از پهلو او را گرفت و یا
چنان وانمود کرد که از پیش رو میخواهند حمله برند و به عقب
او گذشته و اگر مشاهده شود که طول خط قشون دشمن زیاد است
و قشونش از هم پاشیده هستند باید وانمود کرد که از پهلو میخواهند
حمله برند ولی از پیش رو با حملهٔ خیلی سخت صف او را باید شکست

حملهٔ پهلو هر چند آسانتر بنظر می آید ولی باید خیلی احتیاط
کرد و حملهٔ پهلو را باید هیچ وقت نکرد مگر اینکه مشاهده شود
که دشمن در حرکت خود معطل است والا دشمن میتواند معامله بمثل
نموده در عوض اینکه نتیجه خوب بخشد ضرر کلی حاصل گردد در وقت
حملهٔ قشون بخصوص توپخانه و سواره باید خود را در حمایت ناهمواریهای
زمین از آتش دشمن محفوظ دارند و توپخانه نباید هیچ وقت
و در هیچ موقع تنها بماند یک دتاشمان پرزور همیشه باید همراه او باشد
عمده کار در چنین جنگها و حملهها بعهدهٔ نیزه است و نباید هیچوقت
از بردن حملهٔ نیزه پیش در موقع خاص و فرصت خوب خودداری
نکند اگر از حملهٔ ایشان نتیجهٔ خوب حاصل گردد باید سواره آماده
بوده کار نصفهٔ آنها را با تمام برساند و توپخانه در تیراندازی
خود قدری خودداری نکند تا اینکه درست موقعش برسد همین که

موقع بدست آمد دیگر فرصت نداده راه دشمنان را برای
حمله باز نماید و اگر مجبر آنها توپشان نرسد که بدون ضرر زیاد و
خون ریزی کلّی دشمن را از محلّ خود بکوچانند توپخانه باید
امدادی بآنها برساند سواره در وقت حملهای خیلی برزور
باید احتیاط زیاد نماید و در وقت تعاقب نباید زیاد از قشون
دور افتد زیرا که مبادا بکمین دشمن دچار شده ضرر کلّی به او
و پیاده حملهٔ نیزه پیش را آنوقت کند که دشمن را از تیر توپ
و تفنگ خسته و لکنته کرده باشد و خیلی استادی میخواهد که بعد از
عقب نشاندن دشمن او را به تنگه بیندازند آنوقت چند تیر
توپ و یک حملهٔ نیزه پیش از هم پاشیدن دشمن را کافی
خواهد بود

فقرهٔ دویم حمله در تنگه

در حملهٔ

در حملهٔ تنگه باید قبل از همه طول آنرا و موانعی که در میان آن بهم
میرسد ملاحظه کنند وقتیکه طول آن بقدری است که گلولهٔ توپ
از دهنهٔ آن تنگه تا موانع مزبوره داخله نمیرسد عبور از آن
تنگه خیلی صعب و مشکل خواهد بود زیرا که دشمن میتواند با کمال
آرامی بعضی تدارکات برای ممانعت بیرون آمدن از آنجا نماید
و بدین واسطه ضرر کلّی بقشونیکه خیال عبور آنجا را دارد برساند
و اگر در تنگه سنگرها ترتیب داده شده است و در محافظت آن
میکوشند باز حمله بردن بآن خالی از اشکال و خطر نخواهد بود
بجهة حمله بردن به تنگه در راههائی که آتش دشمن کمتر بگیرد
قشون را جا میدهند و باید قبل از رسیدن به تیررس بحالت
دستبان در آیند مجبر آنها را بقاعده معموله متفرق کرده
رو بطرف موانعی که دشمن تکیه داده است میگذارند که سعی

کنند بلکه دشمن را از آن موانع بیرون نمایند و توپخانه نیز
به همان موانع مزبور تیراندازی میکند و عمدهٔ دتاشمان در محلی
که آتش دشمن کمتر بگیرد و بقدر امکان نزدیک بدهنهٔ تنگه باشد
منتظر اغتشاش صفوف دشمن و آماده حمله می ایستند همین که
موقع رسید با ستون فوراً حملهٔ نیزه پیش داده دشمن را
از محل خود عقب می نشانند و سعی و تعجیل مینمایند که بلکه متعاقب
دشمن از تنگه بیرون بیایند که خود دشمن یک نوع سپر
در مقابل مستحفظین خویش که در دهنه داشته شده است بشود
و بتدریج که بیرون می آیند در پیش روی دهنه در مقابل دشمن
محل میگیرند و برای نگهداری تنگهٔ مزبور بقدر لزوم آدم میگذارند
و قشون امداد و دهنهٔ تنگه را باید بقدری نگاهدارد که بعد جای آن
آدم گذاشته شود و بعد یک قسمت امداد و کل سواره و اکثر
توپخانه

توپخانه رفته در مقابل دشمن محل میگیرند و اگر از حمله نتیجهٔ خوب
حاصل نگردد قشون مزبور خود را بعقب امداد خود که بخصوص
مأمور حمایت این حرکت و مانع بودن دشمن از تعاقب است
میکشند و اگر خیال حملهٔ دوباره داشته باشند باید قشون تازه
نفس بکار ببرند و قشونی که در جنگ بود بجای امداد گذارند و اگر
از پیش رو حمله بردن غیر ممکن باشد باید از طرفین حمله ببرند
و دتاشمانان که بتدریج پیش میروند و حمله پرزورتر میشود باید
قوتشان را علاوه نمود اگر تنگهٔ که حمله داده میشود در کوهستان
واقع شده باشد در طرفین ستونهائیکه حمله میبرند باید دتاشمانهای
کوچک معین کرد که آنها به محلهای مختلف که در بلندیهای طرفین
در تصرف دشمن است حمله ببرند و نگذارند بهمدیگر امداد رسانند
دو ثلث قشون که دتاشمان از آن مرکب است بطور مجبر آن

حرکت مینمایند و یک ثلث دیگر را بجهة امداد معین میکنند
که محلهای گرفته را بتدریج ضبط نموده و در پشت سر قشونها
باشند همین که شروع بحمله شد باید بهیچ وجه فرصت ندهند
تا اینکه دشمن را از هر نقاطی که مسکن گرفته بازور آتش و حملهٔ
نیزه عقب نشانند در این بین عمدهٔ قشون دشمن را از
پیش رو مشغول مینماید که فرصت نکند به جانبین خود امداد رساند

فقرهٔ سیم حمله بیک ده

چون در یک دهی که دشمن بجهة دفاع مسکن گرفته است اکثر
اوقات علاوه بر موانع طبیعی موانع مصنوعی نیز میسازند
لهذا نباید بآن ده بدون لزوم حمله برد که خالی از خطر نخواهد بود
مگر در صورتیکه لابد باشند آن وقت هم اگر عدد و نظم قشون از
دشمن زیاد نباشد باز حمله بردن محل خطر است آنزا اینهائی که

از آتش

از آتش دشمن محفوظ و نزدیک بنقاطی است که میخواهند بگیرند بقدر
امکان پیش میروند و باید سعی کرده نقاطی را که سرکوب
دشمن میتوان بود بگیرند و از آنجا بمحلهای دشمن که محکم نگاه
داشته شده است شلیک نمایند نقاطی که حمله بردن بآن از همه
آسانتر است نقاطی هستند که بسبب عدم موانع طبیعی ضعیف
باشند و قشونیکه شایسته و لازم است برای مدافعه آن نگذاشته
باشند و موانع عملی نیز نساخته باشند و قشون باسانی بتواند نزدیک
آن محل برود به چنین محل و نقاط باید بقوت زیاد حمله داد
عمدهٔ حمله بعهدهٔ پیاده است توپخانه را چنان باید جا داد که مکان
دشمن را از پهلو بکوبد و توپخانهٔ دشمن را خاموش کند و نارنجک را
بحصارهائی که دشمن محل گرفته است بیندازد و راهی برای حملهٔ
پیاده باز نماید سواره را در جرگهٔ امداد حاضر نگاه میدارند

که هم امداد جانبین قشون حمله بر شود و هم مانع حرکات دشمن را
درصورتیکه بحالت حمله درآید مانع شود پیاده را به دیویزیان
تقسیم می‌کنند قسمت اول که عبارت از شش یک کل قشون است
باید بطور مخبرین حرکت نماید قسمت دویم که نصف کل قشون است
بجهت جای بودن بمخبرین مأمور گردد و قسمت سیم برای امداد معین
میشود دیویزیان اول فاصله را که فی مابین خود و مخبرین دشمن است
به تندی گذشته با حملهٔ نیزه پیش دشمن را مجبور بمعاودت
می‌کند و قشون جای او با حرکت شتابان از صد تا صد و پنجاه
قدم از عقب می‌آیند و بعد همان فاصله امداد میرسد و در هر مقام
باید بقدر امکان بواسطهٔ ناهمواریهای زمین از نظر دشمن
خود را مخفی دارند که آتش دشمن با ایشان ضرر زیاد و پیش از شروع
بجنگ وارد نیاورد و اگر از حملهٔ خط اول که عبارت از مخبران
باشد

باشد نتیجهٔ خوب حاصل شد دیگر نباید بهیچ وجه بدشمن فرصت
داده و بگذارند که او نفس بکشد و باید او را تعاقب کنند اگر دشمن
در داخلهٔ ده در میان یک کوچهٔ بزرگ بوده و خیال ایستادگی
در آنجا داشته باشد و بخواهد که مقاومت بجا نماید آنوقت باید
مخبرینهای مزبور را از پشت هر مانعی که در آنجا پیدا میشود با قوت
آتش خود صف دشمن را مجبور به پراکندگی کند همین که تزلزلی
در میان دشمن ظاهر شد آنوقت جای مخبرین و امداد با حملهٔ
نیزه پیش دشمن را از میان برمی‌دارند همینکه داخل ده شدند
مخبرین و جای آن مشغول به عقب نشاندن دشمن از بعضی
استحکامات میشوند و قشون امداد رو بمرکز ده میروند
اگر امداد دشمن در آنجانب است چنانکه اکثر اوقات میشود حمله
میدهند والا آماده و منتظر میشوند که درصورت ضرورت

بدتاشمنهای خود که در پیش است امداد نمایند اگر در میان
قشون دسته از قشون مهندس موجود است چند نفری را
بجهة خراب نمودن بعضی موانع پیش میفرستند و اگر نیست
بچند نفر سرباز که عادت این کار را دارند بیل و کلنگ
داده به این امر و امیدارند و اگر تاشمان پیش شکست بخورد
خود را باید بعوانی که در عقب اوست برساند تا اینکه به او
امداد برسد همینکه امداد رسید باز دوباره شروع بحمله کنند

فصل چهارم طرز کار بردن مجبران

قشون مجبران در جنگ و تاشمان و سایر جنگهای بزرگ و حمله
و مدافعه انقدر بکار می آید که لابد از تکرار این مطلب پرداخته
و شمه از طرز آن باید ذکر نمایم برای حرکات سواره
و پیاده عده و کار بردن مجبران موقوف باقتضای زمین
ومساعدت

ومساعدت آنست و نباید دیویزیان را از زیاد مجزا کردن مجبران
ضعیف ساخت در هر صورت از ثلث قوت اصل قشون نباید
علاوه باشد و اگر ملاحظه شود که بجهت کمی نمیتوانند مقابله
بدشمن نمایند در اینصورت اینها را عقب خواستن و در پهلوی
دیویزیان خود جا دادن بهتر است از اینکه از دیویزیان
دوباره مجبران مجزا نموده بامداد ایشان فرستاد و از
جابجا نمودن خط مجبران و امدادهای او و حرکات پیش رفتن
و عقب نشستن آنها و ایر تعلیم جنگ است در هر صورت میتوانیم
چند قاعده که مخصوصیت دارد مذاکره نمائیم از انجمله نباید
مجبرانرا از دیویزیان زیاد دور انداخت زیراکه اگر خیلی
دور باشند دیویزیان نمی تواند در وقت ضرورت امداد
بمجبران کند و همچنین مجبرها نمی توانند از پیش رفتن امر خود

ثمری بردارند قشون امداد که بحمایت مخبرین مأمور است بهمین جهة
باید در نزدیکی در هر جائی که از آتش دشمن محفوظ است گذاشته شود
و در یک محلی که قشون امداد بسبب عدم موانع نمی توانند خود را
محفوظ بدارد عدد آن باید یک ثلث مخبرین باشد و در صورت
بودن موانع یک ربع کافی خواهد بود از ترکیب محل میدان
جنگ جای مخبرینها را نسبت بقشون اصل معین مینمایند
باید پیش روی قشون و جانبین او را محفوظ بدارند قاعدهٔ کلیه
این است که در حمایت مخبرین تمامی حرکات و یورشها بعمل بیاید
چون نشانه را درست زدن برای آنها از ملزومات است لهذا
نباید آنها را مجبور بکاری دو است که خستگی بآنها وارد آید که مانع
درست نشانه زدن آنها شود و نباید بگذارند که خیلی تند تند
تفنگ خود را خالی کنند بعلت اینکه سعی به تند انداختن تفنگ
کرده

کرده درست نشانه زدن کوتاهی خواهند نمود وقتی که از محلی باید بگذرند
اگر موانعی برای حفظ خود نداشته باشند باید آن محل را در کمال
چابکی بگذرند و اگر مشاهده شود که دشمن میخواهد با سواره حمله
بمخبران آورد مخبرینها باید نزدیک بهم راه رفته و یا خود را
بامداد خویش برسانند تا اینکه بزمین ناهموار برسند که باز
بطور مخبرین پاشیده بحالت اولی درآیند و بعضی وقت
هم اتفاق می افتد که زمین طوری میشود که بجهت عقب نشاندن
دشمن از آن محل لابد باید با ستون حرکت و حمله دهند
ولی خیلی کم اتفاق می افتد که با مخبران کارآمد دشمن را
از جای خود حرکت دادن و ضرر کلی رسانیدن ممکن نشود
بخصوص در باز نمودن راه برای قشون و در بیرون کردن
دشمن از پستی و بلندیهای زمین که جا گرفته است و یا در عقب

نشاندن دشمن از طرف دیگر رودخانه که گذر او ممکن است
برای صاحب‌منصبان و سربازان حوصله و عادت زیاد لازم است
که بمرور منظور خود را بعمل آورند در این صورت باید نقاطی را
که از آنجا دشمن را سرکوب میتوان بود و یا از طرفین باو ضرر
میتوان رسانید بگیرند اگر بسبب این حرکت سربازان در خطر
زیاد باشند باید آنها را یکی یکی روانه نموده و طرز حرکت
آنها را بفهمانند و سه چهار نفر در یک جا جمع نشوند که مایهٔ خرابی
خواهد بود و اگر در تعاقب بسر تپه برسند باید در کمال احتیاط
بالای تپه روند زیرا که میشود دشمن در عقب تپه تدارک
محکم دیده و منتظر باشد اگر بی ملاحظه بروند میشود که ضرر
کلی عاید قشون گردد و وقتیکه دشمن در جائی محل گرفته است
که بامداد بعضی موانع عمل از قبیل سنگر و غیره خود را نگاهداری
مینماید

مینماید و یا اینکه در حیاطی خود را محصور ساخته است که بسبب
دیوار گرفتن آن خالی از اشکال نیست باید بزور نارنجک
دشمن را از آنجا بیرون آورند و بعد قشون را بطور مجبران ترتیب
داده حمله دهند همین که مجبرها بدویست قدمی آن محل محصور
رسیدند باید آن فاصله را به دو و تعجیل بگذرانند و در حملهٔ جنگل
نیز همین قاعده را معمول میدارند و بعد از بیرون کردن دشمن
از کنار باید زیاد احتیاط کنند که سربازان از هم زیاد دور
نیفتند و در همه وقت همدیگر را ببینند و بدون مجبران
در ملکهای کوهستان جنگ نمی‌توان کرد زیرا که بسبب
ناهمواریهای مختلف زمین بعضی محلها اتفاق می‌افتد که بیرون
کردن دشمن از آنجا خیلی مشکل میباشد و آن نیز بعد از ملاحظه
زیاد معلوم میشود در چنین حالتها مجبرها رفته در بلندیهای

راست وچپ آن مکان محل می‌گیرند و بواسطه راههای پی آمده
بجانبین دشمن گذشته اورا به تزلزل می‌اندازند واگر
دشمن را از یک محل مخصوص بیرون باید کرد مجبرانها فقط
در نقاط دورِ او که تیرشان بدشمن برسد جا گرفته مشغول
تیراندازی میشوند تا اینکه امداد یا با آتش و یا نیزه پیش
دشمن را از آن محل بیرون کنند در معاودت باید مجبرانها
همه نقاطی را که قابل دفاع و مانع بودن دشمن از تعاقب است
بگیرند چون احتیاط و خاطرجمع بودن از اینها کار عمده
و از ملزومات است لهذا باید قشون امداد در سر راههائی
که دشمن میخواهد عقب مجبرانها بگذرد جا دهند و مجبرانها نیز
در نگاهداری یک محل مخصوص زیاد احتیاط کنند که بسبب
ایستادگی زیاد در آن محل میشود از دیویزیان خیلی دور
افتاده

افتاده وبه این جهة دچار ضرر زیاد شوند ووقت نگاهداری
یک حصار اول باید راه معاودت را محکم کرده خاطرجمعی
حاصل کنند هرچند اصل قوت مجبرانها عبارت از آتش
و تیراندازی اوست ولی نباید که امداد او اگر فرصت و موقع
بیابد از حملهٔ نیزه پیش خودداری کند با قدری جسارت
با احتیاطی تواند دشمن را در دور نگاه داشته بلکه نیز
مجبور بمعاودت نماید آن وقت میتواند زمینی را که دشمن
گرفته بود پس بگیرد و این را نباید فراموش کرد که مجبران
بالطبع ضعیف است و در مقابل سواره و ستون پیادهٔ دشمن
نمی‌تواند مقاومت نماید تیراندازی دشمن از پیش رو
بجهة آنها ضرری چندان ندارد ولی از جانبین ضرر زیاد
میتواند رسانید پس باید خیلی دقت و احتیاط نمود

که آنها را در عقب بعضی موانع که توپخانهٔ دشمن از پهلو نتواند
گرفت جا دهند و همچنین در محل نزدیک و در زمین هموار
که ساچمهٔ توپ دشمن بگیرد نباید آنها جا داد باری
عمدهٔ علم کاربردن مخبران و جابجا نمودن در محلهائی است
که از آتش دشمن محفوظ باشند و آتش دشمن آنها را از پهلو
نگیرد و عمدهٔ ماموریت مخبران جا گرفتن در محلی است که از پیش
روی و جانبین دشمن را در تزلزل نگاه دارد و از پیش رو
دشمن را مشغول نموده تا اینکه قشون از جانبین پیش برود
و در همهٔ تبدیل فرونتها در حرکات پیش رفتن و عقب نشستن
باید مخبران حرکت خود را در کمال تندی و چابکی بعمل آورد
ولی کمال نظم را باید منظور و ملاحظه کند

فصل پنجم با نردبان ببالای بارو رفتن

در این

در این طرز حمله انگلیسها زیاد بخود معتقد هستند با اینکه
در جنگ اسپانیول نتوانستند درستی بعمل آورند و بدین
علت شکست خوردند و بعد منفعتی هم که بردند از جملهٔ اتفاقات
نادره میتوان محسوب داشت باز باید گفت که در هندوستان
در تسخیر بعضی قلعجات کوچک از استعمال آن نتیجهٔ خوبی اخذ کرده‌اند
بلی اینقدر میتوان گفت که اگر چارهٔ دیگر میسر نباشد این حمله را
در صورتیکه محصورین کسان بسیار کم جرئت یا غافل باشند
میتوان بکار برده و منفعتی اخذ کرد یکی از صاحبمنصبان مهندس
انگلیس که موسوم به کولونل رب بود در ضمن کتابی که در باب
حمله بردن به یک محل تالیف کرده در این ماده تفصیلی نوشته است
ماحصل آنرا اختصاراً می‌نویسیم که برای گذشتن از باروی قلعه
چند عدد نردبان لازم است که بقدر یک ذرع از دیوار سمت

داخل خندق بلندتر بوده بدین واسطه ایستادن سرباز در بالای
آن و گذشتن بسمت مردرو و بارو سهولت داشته باشد
و عدد نردبانها منوط بعدد نقاط حمله و وسعت محلی است که از آنجا
یورش میبرند قاعدهٔ کلیه این است که فاصلهٔ هر نردبانی از دیگری
مساوی پنج پا باشد و بحسب بزرگی و سنگینی چهار یا شش
نفر آدم یک نردبان را دوش گرفته تا پای دیوار بتوانند
رسانید نردبانهای کوچک هم برای پائین رفتن بخندق
ترتیب میدهند که آنها نیز در دوش آدمها بوده حاملین نردبانهای
کوچک جای حاملان نردبانهای بزرگ نیز مهیا باشند و تمامی
این نردبانها را پیش از آنکه حرکت دهند در زمین بنظم و ترتیب
میگذارند بفرمان اول سربازانی که باید ببالای بارو صعود
کنند بطول نردبانها حاضر ایستاده نردبانها را از زمین بر میدارند
بفرمان

بفرمان ثانی شروع بحرکت کرده نردبانها را بسمت خندق
میبرند و مجرانی هم پیش از وقت ترتیب میدهند که در این
حالت تیراندازی کرده و دشمن را مشغول ساخته نگذارند
حواس دشمن متوجه سمت آنها شود ترتیب مذکور در حق نردبانهای
کوچک نیز بعمل آمده بفاصلهٔ صد قدم از عقب نردبانهای بزرگ
باتفاق امداد سربازان قبل روانه میشوند همینکه سربازان
پیش بکنار خندق رسیدند نردبانها را بخندق گذاشته
پائین میروند و بعد از آنجا برداشته بسمت بارو گذاشته صعود
می کنند همین که باول خاکریز بارو رسیدند در آنجا جمع
شده ستون چهار بچهار بسته حملهٔ نیزه پیش میبرند و امداد
نیز بتعجیل تمام بدون فوت فرصت خود را پشت سر آنها
بآنمحل میرساند که در آخر نتیجه با آنها شراکت نماید

باب هفتم در بیان حمل و نقل مهمات عسکریه مشتمل به چهار فصل

فصل اول در راه بردن مهمات در خاک دشمن

حمل و نقل مهمات در مملکت دشمن و در میان خطر و حملهائی که از
جانب قشون با نظم و بی نظم دشمن در هر آن میتواند وارد آید
از امور بسیار صعب و مشکل نظام است مثلاً یک قشون جزئی
دشمن بسهولت میتواند در میان تنگه و یا در یک محل مناسب
و یا در کمین غفلتاً به حامی مهمات حمله داده و نتیجه بدست آورد
و خیلی مشکل است که بسبب طول ستون مهمات را از یک حمله
غافل محفوظ داشت مهمات چند قسم میشود از قبیل قورخانه
و آذوقه و پول و زخم دار و اسیر و غیره ولی احتیاط
در همهٔ اینها در هر صورت یکسان است حامی حمل و نقل مهمات
باید آنقدر قوت و زور داشته باشد که از دشمن هر نوع

حمله

حمله وارد آید آنرا رد کند و کم قوت بودن حامی مهمات دشمن را
جری کرده و باین خیال می آورد که حمله دهد و اگر حمل و نقل عمده است
آنوقت لازم میشود که بجای آن یک نوع گزمه ها هم قرار دهند
که در میان مهمات و دشمن راه بروند و اگر دسته جاتی در طول
آن خط ترتیب داده باشند باید از آنها گزمها مجزا نموده
هر قدر که ممکن است پیش بفرستند که قشون را از هر نوع حرکت
دشمن اطلاع بدهند قوت حامی مهمات منوط به اعتبار
و عمده بودن او و محلی است که باید بگذرند و خطراتی است که احتمال
وارد آمدن آنها میرود و اگر چنانچه حمل و نقل خیلی عمده است
توپخانه نیز مأمور میباید و اصل دفاع در عهدهٔ پیاده است
ولی سوار نیز لازم است برای گزکی پیش رو و جانبین که
متوجه حرکات دشمن بشود و چند عراده توپ نیز در وقت

توقف برای ردّ حمله و دفاع خیلی بکار میخورد چون مهمات
باید محافظ جای خود باشد لهذا جای را به پنج قسمت عمده
منقسم میسازند یکی پیش جنگ دوّیم چند نفری از آنها مجزا
نموده بر رسم پیش قراول بجهة راهنمائی آنها پیش میروند
سیّم چنداول چهارم قلاقور که جا بنین را نگاه میدارند
و پنجم عمدهٔ قشون برای مقابله نمودن با دشمن در نقاطی که احتمال حمله
آوردن دشمن میرود عمدهٔ قشون را که عبارت از قسمت
پنجم باشد بدین طرز منقسم میشود نصف قوّت برای امداد
معین میشود و یک ربع بجهة حفظ داخلهٔ مهمات مشخص میگردد
و ربع دیگر را بدو قسمت تقسیم میکنند که یکی در سر ستون مهمات
و دیگری در پشت سر ستون مهمات راه میروند این قسمت
بملاحظهٔ این است که اگر از پیش رو حمله آورده شود به امداد

پیش جنگ

پیش جنگ میتوانند ردّ کرد و اگر از عقب بیایند به امداد چنداول
رو مینمایند ولی برای جا بنین این حالت نیست باید عدهٔ
جا بنین از آنها زیادتر باشد و امداد را نیز باید در قسمت
علاوه نمایند زیرا که بهر سمت باید امداد کنند طرز حرکت
جای حمل و نقل مهمات در همه حالت موقوف باقتضای زمین است
که عبور خواهند کرد فاصلهٔ پیش جنگ از مهمات نباید زیاده
از هزار قدم باشد و تاشمان سواره که قبل از پیش جنگ است
هر قدر که برای آنها خطری نیست باید پیش رفته با دقت راهها را
ملاحظه کنند قلاقور هم بهمین طور از صنف سواره و منقسم
بدستجات شده و بقدر امکان تا خطری متصور نیست از هم دیگر
دور راه بروند و از هر دسته چند نفری بعنوان تک قراول
به پهلوی خارج خود میفرستند قشون امداد در میان مهمات

راه میروند چنداول هزار قدم از ستون مهمات عقب تر حرکت
می کند دو قسمت آنها که در پیش رو و پشت سر مهمات
مأمورند همیشه نزدیک و متصل بمهمات میباشند و قسمت داخله
مهمات در چنین عرّاده‌ها راه میروند و میان هر یک از عرّاده
از هشت یا ده فاصله‌ای گذارند که وقت ضرورت گذشتن
از یک پهلو به پهلوی دیگر از فاصله‌های مزبوره میسّر باشد
فرماندهی مهمات بعهدهٔ یک نفر صاحب منصب محوّل میگردد
که انهم مطیع امر و فرمان حامی مهمات باشد و اگر عدد عرّاده
زیاد باشد آنها را نیز بچند قسمت تقسیم نموده فرماندهی هر
قسمتی را بیک صاحب منصب دیگر محوّل میدارند که بدینواسطه
تمامی حرکات موافق قاعده و بسرعت از قوه بفعل آید
و یک دو تا شمان از فوج مهندس همراه مهمات روانه میشود
که اگر

که اگر دشمن در راهها خرابی کرده باشد تعمیر کرده و اگر ساختن
پل وغیره لازم شود بدون معطلی بسازند و نیز باید همراه مهمات
از اسبابهای آهنی که سر آن نیزه دارد و بواسطهٔ میخ ولولهٔ
قابل نصب کردن و میان صندوق گذاشتن باشد مهیّا کنند
و این اسبابها برای حفظ حملهٔ فوری سوار دشمن است که شبها
وقت اقامت و روزها در وقت حمله آوردن دشمن بکار آورده
خودشان را از صدمهٔ دشمن محفوظ بدارند و وقتی که همراه مهمات
اسب و قاطر خالی بوده باشد آنها را در پیش روی ستون
مهمات راه میبرند زیرا که بتجربه دیده شده است که در آنجا
بهتر از سایر جاها راه میروند

اسبان خود نماید و حمل علیحده در این صورت اسبها در زیر بار
کمتر مانده و کمتر خسته خواهند بود صاحب‌منصب مأمور مهمات قدر
وقت را معین خواهد کرد که چه قدر وقت باید برای حاضر شدن
گذاشت و به هر قسمت وقت راه افتادن اطلاع باید بدهد

فقره دوم در راه انداختن مهمات

طرز راه انداختن مهمات بدین نحو است که عراده‌ها پشت سر هم
بیک قطار باید و قطار بحسب اقتضای جاده راه میروند و باید همیشه
بسمت راست جاده راه روند عراده‌ها وقتی میتوانند دو قطار
باشند که راه آنقدر وسعت داشته باشد که سه عراده
باسانی بتوانند از آن راه عبور کنند و اقلاً طول راه بقدر یک
ساعت امتداد داشته باشد که بزودی مجبور به تبدیل حالت
و ترکیب خود نشوند زیرا که اگر در اثنای راه هر دقیقه تبدیلی

فصل دویم در مهمات مشتمل بچهار فقره

فقرهٔ اول در تقسیم مهمات

مهمات بچهار قسمت منقسم شده است اول باروت است
که من باب احتیاط اکثر اوقات در سر ستون حمل و نقلش میدهند
و دویم پول است که باید در محل محفوظ گذاشته شود سیم و چهارم
آذوقه و مهمات دیگر است که باید دخل آنها گذاشت که اگر دشمن
زور آورده چیزی بگیرد ضرر کلی نشود و هرگز نباید اذن داده
شود که از خارج کسی را سوار عراده‌های این قبیل مهمات نمایند
اگرچه عرادهٔ علیق هم باشد چون راه افتادن مهمات خیلی
طول میکشد بخصوص در صورتیکه مهمات زیاد باشد لهذا
نباید یک دفعه همهٔ اسبها را بعراده‌ها بست باید همین که اسبان
اول بسته و حاضر براه افتادن شد قسمت دویم شروع به بستن

اسبان

در وضع حرکت داده شود وقت زیاد فوت خواهد شد و حرکتشان
همان حرکت است بدون تفاوت که در چنین حالت برای سواره
معین شده است و سر اسبان هر عراده عقبی از پشت عراده
دیگر که در پیش اوست باید دو ذرع فاصله داشته باشند
و عرادهائی که در پهلوی هم میروند نیز باید همین قدر فاصله
داشته باشند و در نشیب و فراز باید فاصله قدری زیادتر گذاشته
شود و سربازها که مأمور براه بردن اسبان هستند باید
از عرادهها پائین بیایند در سراشیب چرخهای عرادهها را بسته
و متوجه اسبان میشوند که تند نکشند و در سرابالا بعرادهها از پشت
تکیه میکنند که اسبان نفس خود را تازه نمایند و اگر سرابالا
خیلی تند و طولانی باشد اسبها را علاوه کرده در دو نفس بالا
میبرند و باید زیاد دقت در نگاهداری نظم و حرکت کنند
بهمین

بهمین جهت از قسمت داخله چند وتاشمان کوچک مجزا نموده
خیلی نزدیک در پهلوی عرادههای مهمات وامیدارند که راه بروند
و اگر عدد قشون بقدر کفایت باشد بهر عراده یک نفر سرباز
معین میکنند و در صورت عدم قشون کافی بهر سه عراده
یک نفر مینمایند و اگر بجهة کمی جای مهمات بهیچ قسم ممکن نشود معیّن
باید هر قسمت مهمات را به چهار پنج نفر سوار محول نمایند که متصل
پس و پیش رفته از حالت همه اطلاع پیدا کنند و در وقت
ضرورت امداد نمایند حمل و نقل مهمات باید در یک ساعت
یک فرسخ راه برود بدون اینکه اسبها را یورتمه راه ببرند
و اگر یکی از عرادهها بیفتد باید آن را از راه خارج کرده
اول خالی کنند اگر عیبی بهم رسانده است تعمیر نموده بعد
بلند کرده دوباره بار کنند از کنار راه قدری تندتر آورده

همین که عراده آخر قسمت خود رسید آنرا داخل قطار عرادها
نماید و اگر عراده گذشته است در آخر ستون جا بدهند و کم
چنان عیب کرده است که تعمیر آن وقت زیاد لازم دارد آنوقت
بار آن را سر بار عرادهای دیگر گذاشته اسبان آنرا در
سر بالائیها علاوه عرادهای دیگر مینمایند و باید زیاد
احتیاط از تنگها و دهات نمایند که احتمال حملهٔ دشمن بچنین
محلها خیلی میرود و اگر عبور اینها از این مقوله جاها خواهد بود
باید به تندی و به تعجیل از آنجا عبور کنند اگر شبانه حمل و نقل
لزوم بهم رساند باید خیلی با احتیاط کرده شود و خاموشی را
منظور باید کرد حرکت بهمان طرز است که ذکر شده ولی جای
قدری نزدیک تر به مهمات میشود و تک قراولان نیز در پیش
رو و در جانبین چندان لزوم ندارد

فقره

فقره سیم در توقف مهمات

گاه گاه در تبدیلات و برای نظم و راحت شدن اسبان
مهمات را نگاه میدارند در این مدت توقف فاصلهٔ عرادها را
اگر زیاد و کم شده باشد درست نموده بحالت اولی میآورند
این توقف را باید در محلهائی کرد که در پیش رو موانع حرکت
مهمات نشود در یک ساعت یک توقف لازم است و مدت نباید
زیاده از ده دقیقه طول بکشد ولی در تابستان در راههای
دور در میانهٔ منزل یکساعت اقامت باید بکنند اقامت را
در چنان محلی بنمایند که آب خوب داشته باشد که اسبانرا
آب بدهند در هر توقف که هر قدر طول داشته باشد چه از بابت
راحتی اسبان و چه برای درست کردن پل و تعمیر راهها
و غیره عرادها را باید جمع آوری کرده برحسب اقتضای زمینها

با قطار ترتیب دهند و در میان خطّ دو قطار بقدر بیست پا
فاصله می دهند و اگر از جانب دشمن احتمال حمله شاهده
شود فاصله را پانزده قدم می گذارند و در کنارها عرّادها را
طوری ترتیب میدهند که بیکنوع مانع حمله باشد

فقره چهارم در طرز ترتیب دادن مهمات

طرز ترتیب دادن مهمات وقتیکه مهمات برای گذراندن
شب توقف کند از لزومات است که طوری محل را مشخص نمایند
که مناسب بدفاع باشد و اگر یک محل پیدا شود که از آبادی
دور و تنها از یک طرف قابل حمله است در انجا باید محل گرفت
و عرّادها را یا بطور قطار و یا بطور قلعه چنانکه دقت و محل
اقتضا نماید ترتیب می دهند و در پیش رو چند عرّاده توپ
می گذارند و در گوشه ها بعضی موانع از قبیل اسباب

آهنی نیزه دار چنانکه در بالا ذکر آن شده است و یا سنگر
کوچک فوری و غیره ترتیب می دهند و قسمتهای مختلف
قشون جای مهمات برای ممانعت دشمن در دور عرّادهای
مهمات جای گیرند و قسمتهائی که در داخل مهمات راه میروند
در عقب عرّادها و موانع جای گیرند و موافق قاعده پیش
قراول و گزمه ترتیب می دهند که از حملهٔ غافل دشمن محفوظ
بمانند وقتیکه میخواهند عرّادهای مهمات را بطور سنگر
کرده جای مهمات را از حملهٔ دشمن محفوظ دارند باید
محل را در جائی مشخص نمود که همه دور آن لا محاله بقدر یک
تیر رس باز بوده هیچ مانع نداشته باشد که دشمن نتواند
در پشت آن موانع ایستادگی نماید عرّادها را در یک
یا در دو خط بمناسبت عدد بطور قلعه یا بطور دایره یا برکت

دیگر که با محل مناسبت دارد ترتیب می‌دهند اگر در یک خط
گذاشته شده‌اند باید عراده‌ها بهم چسبیده باشد و در میان
هر شش عراده سه چهار پا فاصله منظور نمایند و در بیرون
خط پنج شش پا از فاصلهٔ مزبور دورتر یک عراده می‌گذارند
که محاذی فاصلهٔ مزبور را بگیرد و وقتیکه عراده‌ها را در دو خط
جا داده‌اند در میان دو خط آنقدر فاصله ملاحظه می‌نمایند
که اسبان براحتی در میان خطوط مزبور حرکت نماید مثل
آنکه در یک خط ذکر شد فاصلهٔ میان عراده‌ها را منظور
می‌دارند ولی تفاوت دو خط و یک خط همین است که در دو خط
در هر دو چهار عراده یک فاصله قرار می‌دهند در خط خارج
عراده‌های چهار چرخ و در خط داخل عراده‌های دو چرخ را
میگذارند اسبهای هر عراده را در نزد خود می‌بندند

عراده‌های

عراده‌های پول و قورخانه را در میان حصار عراده در جای
مناسب که بقدر امکان محفوظ باشد جا میدهند و اگر وقت
راه رفتن غفلتاً دشمن حمله به مهمات آورده فرصت قلعه
بستن از آنها میسر نشود بزودی عراده‌ها بالصورت دو قطار
آورده سر اسبها را بطرف داخل راه می‌گردانند و بقدر
امکان عراده‌ها را نزدیک بهم نگاه می‌دارند

فصل سیم در تکالیف حامی مهمات

یک ستون که مأمور حمایت مهمات است باید در هر حالت
اهتمام تمام بعمل آورده و دقت زیاد کند که مبادا از دشمن
غفلتاً حمله بآن وارد آید و گزمهای آنها هر قدر که ممکن است
از پیش و جانبین پیشتر رفته متوجه میشوند که هر وقت از دشمن
اثری مشاهده نمایند فوراً بجای مهمات اخبار کنند

و بمحض همین اخبار صاحبمنصب های مهمات و زمان نزدیک هم
بودن عرّاده ها را داده با کمال نظم راه میروند و اگر زور
دشمن از های مهمات زیادتر باشد همان آن در خارج
راه حکم توقف عرّاده ها داده و اسبها را بصورت قلعه می آورد
و دنبال عرّاده ها را بسمت خارج و سر اسبها را بسمت داخل
قلعه می پیچانند و چترها و کسانی که مأمور راه بردن عرّاده ها
بودند جلو اسبان عرّاده ها را بدست گرفته می ایستند این مقوله
حرکت را هر چه بسرعت و مهارت از قوه بفعل آورند باز
تا تمام شدن این حرکت اقلاً بقدر یک ساعت امتداد
خواهد یافت قشون پیش جنگ مجزا از ایشان گردیده در
سر راهها و نقاطی می ایستند که احتمال حملهٔ دشمن از آنجا
میرود و اگر ستون مهمات در حرکت است باید دنباله شان
مذکور

مذکور در همان نقاطی که بخیال احتمال حملهٔ دشمن ایستاده اند
انقدر توقف نمایند که ستون مهمات بکلی رد شده بعد دنباله شان
مذکور ملحق بجزء اول شوند و صاحبمنصب قسمت اول یعنی پیش جنگ
باید همیشه در میان دنباله شان خود بدقت مواظب و مراقب باشد
که زیاد پیش نیفتاده و گاهگاهی فرمان هالت بدهد زیرا
که راه رفتن مهمات بسته براه رفتن اوست بدینواسطه وقتی
بود که هرکدام از مهمات بسته و پس شده است بمحل خود نرسیده
بصورت ترتیب و انتظام نشده این احتیاط و رعایت
از جمله شرایط عمده است خاصه در صورتیکه نزدیک بدشمن
شده باشد اگر بجهت مهمات حمله از جانب دشمن ظاهر شود
قسمتهای پس و پیش ستون مهمات در محل خود ایستاده و قسمت
امداد بطرفی که حمله آورده میشود می گذرد که دو قسمت داخله را

امداد نماید بعد نقطهٔ که حمله آورده شده خود را میرسانند پیش جنگ
و چنداول و قلاکور در دفعِ مهمات خود را جمع می کنند که در وقت
ضرورت حاضر باشند اگر دشمن راهها را گرفته و یا اینکه
در بلندیها محل گرفته است که از آنجا بمهمات ضرر میرسانند
یک دو تا شمان برای بیرون کردن دشمن از آن محل مأمور
مینمایند همین که آن محل گرفته شد اگر خطر دیگر نیست مهمات راه
می افتند و در پیش گفته شد که تنگه با خطر است و در عبور نمودن از آن
باید کمال احتیاط را رعایت نمود اگر لابد باید از آنجا بگذرند
پیش از واصل شدن بآنجا یک دو تا شمان از امداد روانه
مینمایند که دهنهٔ بیرون رفتن از آنجا و همچنین بلندیهای جانبین
تنگه را بگیرند و کرمه ترتیب میدهند که تمامی اطراف آن را
ملاحظه نموده شناسائی کافی در حق آنجا بعمل آورده اطمینان
از خطر است

از خطر است آنجا حاصل نموده بقشون خود راپورت دهد و پیش جنگ
از دهنهٔ تنگه هم قدری بسمت خارج گذشته می ایستد که در مکان
وسیع دستجات گذشته را حامی باشد و هر قسمت مهمات که عبارت
از سی عراده یا زیادتر است بهمین منوال پشت سر هم از تنگه
می گذرند قسمت اول همین که از تنگه گذشت در طرف راست
دهنه ایستاده مشغول تعلیف اسبان خود میشود قسمت ثانی
در دوم دهنه از آنجا که داخل میشوند می ایستند و قسمت ثالث
از آن گذشته و تنگه را عبور نموده به پیش روی قسمت اول
گذشته می ایستد و بمحض عبور و توقف آن قسمتِ اول از این
دهنه و قسمت دویم از آن دهنه حرکت کرده راه می افتند
و قسمت چهارم آمده در دهنهٔ داخله می ایستد همینکه قسمت
دویم از دهنه بیرون آمد در جای اقامت قسمت اول

ایستاده قسمت ثالث از آنجا و قسمت چهارم از آن دهنه
شروع بحرکت کرده و بهمین نهج تا آخر قسمتها عبور می نمایند
که همیشه میان تنگه و هر دو دهنه درست جای مهمات میباشد
آمد او و کرمها در مابین مهمات راه میروند تا اینکه بفضای
جدید رسیده بعد در محلهای مقرره خود جا گیرند و تا شمانی که به
بعضی نقاط فرستاده شده باشند آنها نیز پیش از گذشتن مهمات
ملحق بجند اول شده در پشت مهمات راه میروند و برای
تعمیرات فوری محملات یکنفر صاحب منصب پهلوی عرادهای کلانتر
که تا حرکت عبور عرادها از تنگه در دم محل داخل شدن
تنگه می ایستند بعد از اینکه عرادها همه راه افتاده رو به عبور
از تنگه روانه شدند اینهم در پشت سر عراده آخر راه می افتد
اگر آتش بمیان مهمات بیفتد میباید عرادهائی را که آتش گرفته‌اند
بسمتی

بسمتی که میل باد با نظرف است از میان عرادهای دیگر بیرون
بیاورند که آتش آنها بسایرین سرایت نکند و اگر خطری از دشمن
وارد آید میباید سعی کرده عرادهائی را که عمده هستند از قبیل
قورخانه و غیره از جنگ آنها ببرند و اگر مقدور نشود لابد باید
آتش زنند و بعد خود را بقشون دشمن زده راه عبور برای
خلاصی خودشان باز نمایند اگر خلاص نمودن اسبان
عرادها نیز میسر نباشد آنها را می کشند که بدست خصم نیفتند
دفاع حمل و نقل مریضان و زخمداران نیز بهمین قرار است مگر کشتن
آنها که تجویز نشده است و در حمل و نقل محبوسین لازم است
که آنها را در کناری بگذارند و تهدید تمام قراول سر آنها
بگمارند و غدغن نمایند که اگر خیال فرار کنند قراولهای مزبور
آنها را بکشند و اگر مهمات در روی آب باید حرکت کنند

در اینصورت جاهای مهمات نیز همانطور در روی آب میرود
اگر با رودخانهٔ کم عرض باید حرکت کند جامیان آن با کنار
رودخانه میروند مگر چند و تاشمان که بایدْ در میان مهمات باشند
واگر رودخانه وسیع باشد فقط سواره با کنار و محاذی مهمات
راه میرود و سایرین در کشتی جداگانه در پهلوی مهمات میروند
واگر جاهای زیاد باشد با توقف پیش جنگ و چنداول از کنار
رودخانه حرکت میکنند باقی پیاده کان با کشتی میروند

فصل چهارم حمله دادن بمهمات دشمن

حمله دادن بمهمات امریست که متضمن نفع زیاد و ضرر کم است
با قشون کمتر از جاهای مهمات دشمن میتوان بمهمات مزبور حمله برد
زیرا که مأموریت جامیان مذکور همیشه مدافعه است و بس غالباً
حمله بردن بمهمات بعهدهٔ سواره سبک محول میشود که آنها در عمل
وحرکت

وحرکت چابکتر از پیاده هستند زیرا که نتیجهٔ خوب از اینمقوله
حملها برداشتن بسته بعجلهٔ غافل آوردن و حرکات چابکانه
نمودن است و این هر دو با سوارهٔ سبک بهتر از قوه بفعل
می آید و برای بکار بردن پیاده لازم است که پیش از وقت
از محل عبور مهمات آگاهی حاصل کرده بدانند که از کجا عبور
خواهد کرد تا موافق آن تدارک اوضاع حمله ترتیب داده شود
و در این حالتها باید سعی نمایند که حتی المقدور غفلتاً با کمین
خوب حمله بر مهمات برند و طرز حمله راجع بمنظوریست
که از آن حمله دارند از قبیل تصرف تمامی مهمات یا ضبط
یک سهمی از آن یا معطل ساختن آن که بدشمن دیر برسد
در صورت اول یک و تاشمانی معین میشود که بقوت تمام حمل
بجای مهمات کنند و دو تاشمانی دیگر معین میگردد که به ضبط

مهمات ~~کنند و وتاتمان دیگر معین می گردد که به ضبط~~ مهمات
پردازد و درصورت ثانی یک وتاتمان بقوت تمام حمله بیک
نقطهٔ ببرد که اکثر جای مهمات بسمت آن نقطه رفته سایر نقاط
مهمات کم قوت می ماند و تاتمان دیگر از طرف آخر به مهماتی
که کم قوت است ریخته ضبط و تصرف می نمایند منظور ثالث
که عبارت از معطل کردن مهمات باشد اسهل شقوق است و با قشون
جزئی هم نتیجه میتوان گرفت چرا که بغیر از معطل داشتن آنها
منظوری دیگر نیست که محتاج بقوت زیاد باشد در اینصورت
پلهارا می شکنند و راهها را خراب می کنند و بهر نقطهٔ که قابل
معطل کردن مهمات است آدم گماشته وقت عبور مهمات
بممانعت برخاسته حتی المقدور معطل میسازند اگر از جمله نتیجهٔ
میسر گردد اصل قشون عمده دور مهمات را گرفته و تاتمانی

که مأمور

که مأمور ضبط یا تضییع مهمات بوده مشغول انجام دادن مأموریت
خود میشود سواران نیز جای مهمات را تعاقب کرده بقدر امکان
سعی می کنند که هرچه از اسبان عرادهای مهمات واکرده همراه
خود میبرند از دست آنها پس بگیرند و این هم بد خیالی نیست
که هر وقت اراده حمله بمهمات نمایند قدری اسب خالی همراه
خود ببرند که هرچه از اسبان عراده کشته شود یا خصم واکرده
همراه خود ببرد این اسبان خالی را عوض آنها بعراده ببندند
بر گردانند چند عراده توپ جلو و یا بخصوص خمپاره برای
حملهٔ مهماتی که بجهة دفاع قلعه شده است از جملهٔ لوازم عمده است
زیرا که بسی اشکال دارد که بدون حمایت توپ و خمپاره یک
قلعهٔ عراده را که جای آن پیاده است بدست آورند مگر در صورتیکه
حامی مهمات بسیار کم و بسیار ضعیف باشد یا در نزدیکی محل مرتفعی

بوده باشد که از آنجا بر مهمات شلک کردن و حامیان
آنرا متفرق و مشوش ساختن میسر شود

باب هشتم در حملهٔ غافل بردن بدشمن و حملهٔ کمین کردن مشتمل به فصل

فصل اول نتیجهٔ حملهٔ غافل

نتیجه گرفتن از یک حملهٔ غافل و یا از یک کمین منوط بیک شرط است
که حمله را طوری مخفیانه ببرند که دشمن نتواند خود را بحالت دفاع
مهیا سازد اگر دشمن در یک محلی باشد که احتمال وقوع حمله بخود
در آنچنان مکان نداشته باشد در این حالت باو حمله ببرند
این گونه حمله را حملهٔ غافل می نامند و اگر دشمن در حرکت باشد
و پیش از وقت در یک محلی برای حمله بردن باو کمین کرده باشند
این حمله را حملهٔ کمین می نامند برای تحصیل نتیجه کامل از این
دو حمله منوط بحفظ نگاهداشتن اسرار و آگاهی از حالت
محل

حملهٔ آنها ممکن است بمیان صفوف دشمن تفرقه و تزلزل انداخت
چون نتیجهٔ خوب برداشتن از این کار عمده از نگاهداشتن
سر بعمل میاید تعهداً میباید تدارک آنرا بتعجیل و سرعت مهیا دارند
و حکم جمع آوری قشون و ترتیب اسباب و تدارک این سفر را
همان آن بدهند که قشون حرکت خواهد کرد و قشون بقدر ضرورت
و کفایت این کار برداشته بغیر از خوراک قشون و ادوات
لازمهٔ این سفر چیزی همراه خود برندارند برای این حرکت
نصف شب مناسبتر است بجهت اینکه میتوانند پیش از طلوع صبح
بمحل خودشان مراجعت کنند و اگر کار عمده باشد میباید چند ساعت
پیشتر از نصف شب حرکت کنند ملاحظهٔ فصل هم از جملهٔ لوازم است
زمستان و هوای بد برای این کار مناسبتر است زیرا
که تمامی قراولان دشمن برای خود یک نوع پناهی پیدا کرده

چنانکه لازمهٔ کمال دقت قراولان وآگاهی ایشان است
نمیتوانند بخوبی رعایت نمایند یعنی نظم آنها در این حالات
ضعیف‌تر وغفلت آنها قوی‌تر میگردد چون ممکن است که دشمن
از این خیال پیش از وقت اطلاع بهم رساند بنابراین لازم است
که پیش از وقت برفع اضراری که در این صورت از طرف
دشمن محتمل ومتصور است برآمده تدارک آن نیز مهیا شده
باشد برای رعایت این احتیاط لازم است که در تنگناها وگذرهائی که
دشمن میتواند راه معاودت را ببندد آدم دوتاشمان
بگذارند وپیش از وقت یک محل معینی را با توپخانه وسواره
محکم نگاه دارند که در صورت وقوع صدمه وشکست ویا معاودت
همگی بآنجا مراجعت کرده خودشان را از صدمهٔ دشمن نجات
دهند وهمچنین با نظم زیاد وبکمال هوشی تمام ونزدیک بهم راه
بروند.

بروند عوض پیش جنگ وکزمهٔ معروف بعضی تک قراولان
بسیار زیرک وهوشیار بکار وامیدارند که دشمن ازحال
آنها مشعر وتاشمان مطلع نمیشود ولیکن کاردتاشمان از آنها
ساخته شده از حرکات وحالات دشمن اطلاع حاصل کرده
صاحبمنصب خود را آگاه میسازند بواسطهٔ حمله از اطراف مختلف
نتیجهٔ خوب میتوان تحصیل نمود زیرا که این طور حملهٔ هم
موجب تزلزل دشمن میشود وهم دشمن را از فهمیدن
تکلیف خود وتشخیص وضع حرکت خود بی حس میکنند
چون برای این خیال میباید چند دوتاشمان از راههای
بسیار دور بدور دشمن بروند واین دوری گاهی مانع میشود
از بردن حمله بهیئت اجتماع علیهذا اشارات وعلاماتی
از قبیل تفنگ انداختن وامثال آن قرار میدهند که دوتاشمانان

دور حاضر بودن خودشان را اعلام و اخبار نمایند ولیکن این مقوله
اشارات میتوانند موجب وقوف دشمن نیز براین کیفیت
و تقدم او بچاره جوئی کرده و بعد از حصول نتیجه میباید همان
چابکی و احتیاط که رفته بودند مراجعت نمایند و به نقطهٔ که برای
اجتماع خودشان قرار داده بودند مجتمع گشته بطوریکه قسمت عمدهٔ
عمده قشون بانجا رسید منتظر وصول دتاشمان جزئی دور نگشته
بدون فوت فرصت روانهٔ مکان خود شوند خاصه وقتی که
در نزدیکیهای نقطهٔ مذکوره بعضی قوتها از طرف دشمن مشاهده
شود بدیهی است که نجات اکثر قشون اهم از نجات اقل آنست

فصل سیم حملهٔ کمین

حملهٔ کمین را قبل از آنکه صاحبمنصب در خیال خود متصور سازد
لازم است که از مدت و قوت دشمن و اصناف قشون و حالت

نظم

نظم آنها اطلاع درست حاصل نماید و اخذ نتیجه در تمامی امثال
این حمله منوط بتدارکاتی است که برای غافل آوردن حمله
ترتیب داده میشود چنانچه باید محلّی برای قشون معیّن نمایند
که بتوانند خودشان را باسانی در آنجا مخفی دارند از قبیل
یکپارچه زمین گود و یا جنگل و امثال آنها در صورت امکان
بهتر آنست که قشون را شبانه بهمچو محلّ بفرستند و بهترین
فرصتها برای این کار آنست که دشمن مشغول عبور از یک
تنگه یا از سایر معابر صعبه بوده راه معاودت خود را
درست محافظت ننموده باشد در این حالت پیادگان را
در سر گذرهای معاودت او که غفلت از محافظت آنها نموده است
گذاشته راه مراجعت او را مسدود میسازند و با سواره
حملهٔ قوی باو میبرند در این صورت غالباً حصول نتیجه

یقین میشود حملهٔ کمین اکثر اوقات بواسطهٔ پیش جنگ
و چند اول با خوشبختی بعمل آمده است طرز آن این است که اوّلاً
حملهٔ بسیار سخت بدشمن میبرند و بعد به بی نظمی تمام خود را بعقب
میکشند دشمن بخیال آنکه شکست داده است آنها را تعاقب
میکند و اورا میکشند تا بمحلّی که در آنجا یک دو تا شمان قوی
بکمین ایستاده است پس از گذشتن دشمن از محلّ کمین این قشون
نیز برگشته از پیش و پس حمله بدشمن میبرند و اورا شکست
میدهد قشون سبک خاصه سوار سبک برای این جنگ
بهتر و مناسبتر است توپخانه در چنین جنگ بندرت بکار
میآید زیرا که صدا و قیل و قال و حمل و نقل آن بمحلّ کمین
دشمن را از محلّ کمین واقف میسازد و غالباً باعث میشود
که بسبب وقوف دشمن از این معنی نتیجهٔ مقصود بعمل نیاید

در این مادّه

در این مادّه زیاده بر آنچه گفته شد تفصیل لازم ندارد زیرا
که تمامی حرکات این نوع جنگ بسته باقتضای حالات
اتفاقیه است یک صاحبمنصب زیرک و باهوش و کاردیده
که از نکات و رموز فن خود وقوف تمام داشته باشد در
ترسیم نقشهٔ این جنگ بجز بندرت از مقتضای حالت
تخلف میکند امّا صاحب منصبی که این وقوف را نداشته باشد
راهنما بودن و تقاضای وقت هم
برای او بی ثمر است
تم